

طالع السجدة

پنجشنبہ ۲۷ قوس ۱۳۵۴ -
۱۵ ذیحجہ ۱۳۹۵ - ۱۸
دسامبر ۱۹۷۵



قیمت ۱۳ افغانی

ښاغلی رئیس دولت وحدت را عظم فرمودند.

ما باید همواره به عمق و حقیقت سنن انسانی دین مقدس اسلام توجه کنیم

پیام ښاغلی محمد داود رئیس دولت وحدت را عظم بمناسبت عید سعید اضحی ۲۱ قوس ۵۴

خواهران و برادران عزیز :

این عید سعید اضحی را به همه شما هموطنان گرامی به برادران پشتو نستانی و بلوچ و به کافه مسلمانان جهان از صمیم قلب مبارکباد میگویم.

مفهوم واقعی چنین روزهای فرخنده و متبرک این است که ما باید همواره به عمق و حقیقت سنن انسانی دین مقدس اسلام توجه کنیم و بدانیم که جهاد ماعلیه ظلم، تبعیض و نابرابری پایان ناپذیر است و این هدف را بر آورده نمیگردد، مگر اینکه مادر شروع هر کاری باید جهاد بانفسهای خویش برخیزیم و باو رکنیم که بزرگترین قربانی ها، قربان شدن در راه عید و ایمان، در راه آزادی، شرف و حیثیت انسانی است.

اکنون که ماهه درقبال جامعه خود و جامعه انسانی مسوولیت هایی داریم باید بدون شک و تردید متیقن باشیم که رسالت اشخاصی دارای عید و ایمان در تمام اعصار جستجو کشف راه هائست که بتواند سعادت عمومی يك جامعه را ضمانت کند و تنها در سعادت عمومیست که سعادت فرد تضمین شد میتواند.

آرزوی من این است که بهمه ما توان آن نصیب گردد که با احساسات برادری و برابری و صمیمیت بتوانیم در راه تعالی وطن عزیز خویش خدمت نماییم و در راه رضای خدای بزرگ (ج) و جهاد بانفسهای خویش موفق و سر خرم گردیم.

در خاتمه یکبار دیگر این عید سعید اضحی را به هموطنان عزیز و کافه مسلمانان جهان از صمیم قلب تبریک میگویم و سعادت شما را تمنای دارم.



ښاغلی رئیس دولت وحدت را عظم پس از نماز عید با معاونان و مدیران سازمان همکاری و همکاران را ملاقات نمود و با آنها گفتگو و تشریفات را انجام داد.



ښاغلی احمد داود رئیس دولت وحدت را عظم و ښاغلی پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی حین امضاء پروتوکول تمدید معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابل به بین افغانستان و اتحاد شوروی.



ښاغلی رئیس دولت وحدت را عظم هنگام مصادفحه با ښاغلی پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی در قصر ریاست جمهوری.

صفحه ۲

اختصار وقایع مهم هفته

۱۹ قوس ۱۳۵۴ مطابق ۱۰ دسامبر ۱۹۷۵ در کابل و ماسکو صادر گردید.

از طرف ښاغلی محمد داود رئیس دولت وحدت را عظم ساعت هشت شب ۱۹ قوس در خیابانی به افتخار ښاغلی نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در تالار وزارت امور خارجه ترتیب گردیده بود.

ښاغلی محمد داود رئیس دولت وحدت را عظم ساعت یک و نیم بعد از ظهر روز ۱۹ قوس در خیابانی اشتراک نمودند که از طرف ښاغلی نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به افتخار شان در قصر چپلستون ترتیب شده بود.

ښاغلی نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پس از يك مسافرت رسمی و دوستانه از کشور معاصر روز ۱۹ قوس از کابل عازم مسکو گردیدند.

ښاغلی محمد داود رئیس دولت وحدت را عظم مهمان محترم شان ښاغلی پودگورنی را از قصر چپلستون تا میدان هوایی بین المللی کابل همراهی نمودند.

باساس هشی دولت جمهوری برای دوصدو بیست خانواده بی زمین دیگر دروادی هلمند زمین توزیع گردیده است .

منبع علاوه کرد همچنان توزیع زمین برای نه صدوشتاد خانواده دیگر در پروژه انکشاف وادی هلمند ادامه دارد .

به ارژش چارده ملیون وسه صدوشتادوهفت هزارافغانی کود کیمیاوی وکنند اصلاح شنه ازماء عرب تاه ا قوس امسال به زارعین ولایت پروان طورقرضه توزیع شده است .

یک منبع نمایندگی بانک انکشاف زراعتی درولایت پروانگفت که به منظور بلند رفتن

سطح حاصلات زراعتی یک هزارویکصدوشت تن کود ویش ازیکصدویست وینچ تن گندم اصلاح شنه بدری برای استفاده درکشت تیر ماهی بدسترس زارعین گذاشته شده است .

دوکوپراتیف زراعتی بمنظور جمع آوری و صدور محصولات زراعتی روز ۱۸ قوس در ولسوالی سنگ چارک توسط والی جوز جان افتتاح شد .

یک منبع آن ولایت گفت: این کوپراتیف هاباساس قانون کوپراتیف ها تشکیل شیده است .

کوپراتیف تکزاد بسرمايه ابتدایی دوصد هزار افغانی وبعضویت نود باغدار وکوپراتیف اتفاق به سرمايه ابتدایی دوصدوونودوهفت هزار افغانی باتمولیت دو صدوهفده عضو تشکیل گردیده است .

منبع افزودکوپراتیف هامطابق بر اساسنامه هلابصدور کشمش پرداخته ودر آینده به صادرات سایر محصولات زراعتی مبادرت می ورزند .

شاعلی محمدگل نجیب والی جوزجان هنگام افتتاح کوپراتیف ها گفت ولسوالی سنگچارک از لحاظ تولید کشمش ومصولات زراعتی غنی بوده وسالانه مقدار زیاد تولیدات آن در بازار هاعرشه هجرددکه باتاسیس کوپراتیف ها زمینه بیشتر مفاد مولدین متصور است .

پک ژوندون

دولت جمهوری افغانستان بر پروگرامهای معارف تجدیدنظر نموده وآنها را اصلاح خواهد کرد برای امعای بیسودی عمومی وایجاد تحول فرهنگی در مملکت براساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود ونسل جوان را باتقوی وباروحیه وطن پرستی وخدمت بمردم پرورش خواهد داد .
از زبانات رئیس دولت وصدراعظم

پنجشنبه ۲۷ قوس ۱۳۵۴ - ۱۵ ذیحجه ۱۳۹۵ - ۱۸ دسامبر ۱۹۷۵

امتحانات سالانه

بدست آمده است بخصوص که نحوه تدریسی وطرز امتحان برای متعلمان صنف دوازدهم شکل تازه داشته است . بهمین اساس برای متعلمان که در امتحانات صنف دوازدهم موفق شده اند وخواهش شمول رادر پوهنتون دارند، نیز تسهیلات فراهم گردید که از همه مهمتر تعیین رشته های اختصاصی پوهنتنی های ساینس واجتماعیات در امتحان کانکور می باشد . درینصورت علاوه دلچسپی محصل از یکطرف واستعداد او در رشته های متذکره از طرف دیگر به نحوی بهتری محک زده میشود . البته این تجویز تازه پوهنتون نیز یکنوع ریفورم در زمینه امتحان کانکور پوهنتون ودر نهایت تعیین رشته مورد علاقه محصل بیک شکل بهتر میباشد .

امید داریم با تطبیق تدریجی ریفورم های تعلیمی ، معارف ما بیشتر از پیش گامهای مؤثر در راه آموزش بهتر وتعمیم تعلیم وترتیه در کشور بردارد .

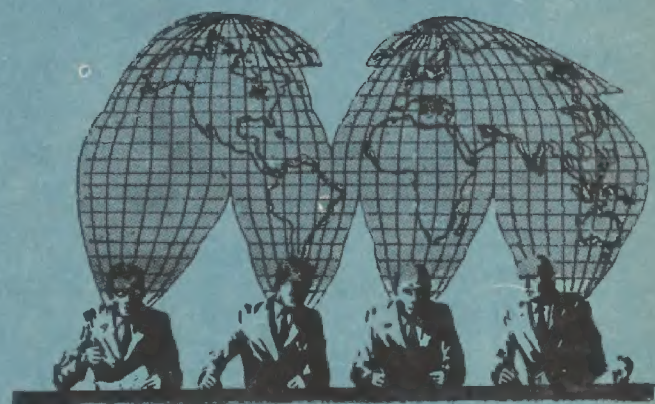
درسی، فراهم آوری تسهیلات مزید در امور درسی وممد درسی وبالاخره تجربه، مربیون ونحوه آموزش تاثیر فوق العاده وبسزایی دارد بدینترتیب اگر آموزگار موفق باشد وپروگرام های درسی را بوجه مطلوب وشایسته تطبیق کند، لابد شاگرد موفق خواهد بود ونتیجه مثبت بدست خواهد آورد .

بدینگونه هر قدر میزان کامیابی در یک صنف ویا مکتب بیشتر باشد بهمان پیمانه مربیون وشاگردان در پیشبرد دروس موفق بوده اندو بلند رفتن گراف موفقیت شاگردان ، محصول سعی و کوشش هردو جانب میباشد .

از قرار معلوم نتایج امتحانات سالانه امسال مکاتب ولایات سرد سیر کشور بسیار موفقیت آمیزو مطلوب بوده است ویکتعداد زیاد شاگردان بانتایج خوب به صنف های بلندتر ترفیع نموده اند که البته این نتیجه گیری مثبت در اثر تطبیق ریفورم های تعلیمی جدید معارف

امتحانات سالانه مکاتب سردسیر به پایان رسید وشاگردان با اعلام نتایج امتحان نمره یکسال کار و فعالیت شانرا اخذ کردند . نتایج که برای عده از آنها مطلوب است ورضایت بخش و برای عده هم تلخ و نا مطلوب . واین بخاطر سهیل انکاری وعدم پیگیری در آموزش دروس وفرا گیری بهتر ویا عوامل گونه گون دیگر میباشد .

قدر مسلم اینست که موفقیت در هر کار بستگی به سعی وتلاش دوامدار دارد . پیروزی چیزی نیست که خود بخودی بسراغ آدم بیاید بلکه سعی وزحمت زیادرا ایجاب میکند وچه بسا که همین طعم تلخ عدم موفقیت درهای پیروزی و موفقیت رادر برابر انسان میکشاید . وشخصی رابه کار بیشتر وتلاش متداوم وامیدارد ودر برابر آزمون های آینده بشکل جدی تر قرار میدهد . در موفقیت شاگرد ، علاوه بر کار و کوشش خودش شیوه آموزش تدوین پروگرام های منظم وبهتر



وقایع سیاسی هفته

ازشفیع را حل

سفر رئیس جمهور فرانسه به مصر

سفر (رئیس‌کاردست) رئیس جمهور فرانسه به مصر که روز چهارشنبه پایان یافت برای طرفین متضرر واقع گردیده و تا نیرات طولیل الحدت آن بر سیاست شرق میانه احساس خواهد گردید. برای مصر این سفر دارای چندین نتیجه می‌گردد. بود که توقع آن قبل از آغاز سفر برده نمیشد. رئیس

جمهور فرانسه که برای اولین بار به یکی از ممالک عربی شرق میانه و همسایه اسرائیل به سفر پرداخت به‌طور سادات رئیس جمهور مصر وعده داد تا در قسمت تأسیس فابریکات تولید اسلحه همکاری نماید. بمصرین سیاسی اظهار عقیده می‌کنند که مصر به کمک عربستان سعودی، کویت، بحرین و فدراسیون

اما را ت عمر بی يك هزار ملیسون دالر سرمایه را برای تأسیس فابریکات تولید اسلحه تخصیص خواهد داد برای مصر این فابریکات نه تنها کار بیشتر پیدا خواهد کرد بلکه خود مصر را از نظر اسلحه متکی بخود ساخته و هم زمینه صا درات را به سایر ممالک شرق میانه میسر خواهد گردانید.

اگر چه نوعیت اسلحه و مقدار آن هنوز تثبیت نگردیده اما مسلم است که مصر به ساختن آن نوع اسلحه علاقمند است که از یکطرف احتیاجات خود آنرا بر فروع ساختن اسرائیل میسازد عقب نماند. چون عجلای کمک نظامی اتحاد شوروی به مصر قطع شده است بعضی ها باین عقیده اند که بعید نخواهد بود که روزی مصر طیارات (مک - ۲۱) خود را باما شین های (دیسالت) فرا نسوی ویا «رولز» رایس» برتانوی قوت بدهد درجهان غرب شاید فرانسه یگان مملکتی بوده باشد که حاضر شد فابریکات سلاح سازی به مصر بدهد.

نگاه سیاسی

از نظر سیاسی نیز سفر رئیس جمهور فرانسه به مصر حایز اهمیت میباشد بانمام فشاریکه امریکا بالای اسرائیل برای تخلیه سینا آورد مصر توانست صرف يك برنج شبه جزیره سینا را از حلقوم اسرائیل اشغالگر بدر آورد. اما هنوز هم چهار برنج حصه سینا بدست اسرائیل است و مصر چاره جز این ندارد که دیپلوماسی اش را بتمام شدت برای تخلیه کردن تمام سینا از دست اسرائیل بکار بیاندازد.

چون انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیشرو است دیپلو ماسی امریکا در مورد حل معضلات شرق میانه نظریه گه‌گه‌شمنی بطی‌السمیر گردیده و بکمان اغلب تا اخیر سال آتی به عیسوی کدام ابتکار با قوت در آن دیده نخواهد شد.

دیپلو ماسی مصر و فرانسه متوجه اینست تا وضع صلح را حفظ نماید ولی در عین زمان از موقف مما لك عربی با تمام معنی پشتیبانی میکند در آنسفر رئیس‌کاردستن مصر توانست دیالوگ جدید زانه تنها بین قاهره و باریس بلکه بین ممالك عربی و فرانسه که عضو بازار مشترک اروپا نیز میباشد آغاز نماید دیالوگ قبلی اعراب و دول اروپای غربی در مرحله اول به ناکامی انجامید.

فایده فرانسه

در تمام این معاملات مفاد حاصله فرانسه هم از نظر مادی و هم از نظر نفوذ روز افزون نباید بدیده قلیل دیده شود فرانسه در بین دول غربی اولین مملکتی است که از زمان دوگول فقیه با این نظر ف قوت ممالك عربی را مطمح نظر داشته است هم از نظر نفت و پول و هم از نظر وسعت ماره کیت ممالك عربی به مراتب قویتر از اسرائیل اند برای اسلحه تولیدی فرانسه و اشیای صنعتی آن بهتر از ممالك عربی مارکیتی در دنیا وجود ندارد اعراب امروز با پول نقد معامله میکنند سخت متوجه انکشاف ممالك خود اند و در مرادات خود مملکتی را از جیح میدهند که مشکلات سیاسی شانرا فهمیده و از آنها پشتیبانی نماید.

فرانسه در چند ماه اخیر این پشتیبانی اش را به چند شکل تبارز داد: * کورد و مور ویل را برای میان جگیری صلح به لبنان فرستاد. * وزیر خارجه فرانسه بایا سر عرفات رهبر فلسطینی ها ملاقات نمود.

* بر خلاف امریکا و دیگر ممالك غربی، عکس العمل ضعیف در مورد تصمیم ملل متحد مبنی بر مساوی قرار دادن صهیونیزم با تبعیض نژادی نشان داد. * مو قف فلسطین ها را در مورد حق تأسیس يك دولت فلسطینی تأیید نمود.

ژوندون

پيام بخوانندگان

وقتیکه من قدمای بنیادی واساسی میگویم، همه چیز آن متناسب به امکانات مالی و همکاری مردم افغانستان است. ازینرو اینطور اطمینان داد که در یک روز یا یکسال با چند سال همه مشکلات حل می گردد، مبالغه کرده خواهیم بود و اگر شما هم فکر کنید که در یکسال مملکت آباد میشود مبالغه خواهد بود.

پس سعادت يك مملکت مربوط بهمت عالی مردم آن است. اگر نزد مردم آن يك ایدئالوژی و يك مفکوره ملی توانم با خود گذری، حس فداکاری و ایثار موجود باشد بدانید که آن ملت به یاری خدای بزرگ روزی به هدف نهایی خود خواهد رسید.

باید بدانیم در این دنیا یک هوشماریست میکنیم، يك ملت نمیتواند بحال فقر، فلاکت و غربت بسر ببرد.

امروز هر فردیکه خود را، اولاد این خاك میدانند و ذره عشق و علاقه بوطن دارد وظیفه اساسی، ایمانی و وجدانی اوست که برای سعادت افغانستان بهطیبات خاطر قربانی دهد، تا نسلمای آینه سر فراز و آسوده زندگي کرده بتواند، تا این نسل، برای سعادت ملی، خود را قربانی نکند، تا این نسل از خود غرضی ها و خود خواهی ها گذرد و تا روزیکه بحیث يك برادر بدون تبعیض، بحیث يك ملت دور هم جمع نشوند و متحد نشوند تا آن زمان سر نوشتشان خوار و زار خواهد بود.

جوانان عزیز!

برای شما خطاب میکنم!

برای اینکه سر نوشت آینده این وطن بدست شماست!

اگر خواسته باشید یا نخواسته باشید هر آه مکتب هستید سر نوشت آینده این خاك را بدست خود بگیرید.

پس ای جوانان عزیز!

ای فرزندان عزیز! خود را آماده خدمت سازید و وقتی شایسته خدمت شده متوجه شوید که علم بیاموزید صاحب يك ایدئالوژی ملی و وحدت فکر و عمل باشید.

برادران! ایدئالوژی های وارد شده هیچگاه به تنهایی بدرد يك ملت نمی خورد، ملت مرد و قهرمان، آن ملتی است که از آن همه ایدئالوژی ها زهمه دنیا چیزهای بهتری که موافق به عنفات ملی، منافع ملی و معتقدات دینی آن باشد استخراج و جمع آوری نموده بفکر و دماغ خود برای خویش و وطن خویش ایدئالوژی نوی راخلق کند که در پرتو آن راه سعادت و اعتدال را به پیماید.

فرزندان عزیز!

باز هم برای شما میگویم و این را که بالا به قلب خود داشته باشید که خواسته باشید یا نه. سر نوشت این ملت قهرمان بدست شماست. خوشحال ملتی که جوانان فهمیده، بادین و ایمان داشته باشد. لذا به شما جوانان میگویم که وظایف نهایت سنگین دارید و باید مسئولیت خود را در این راه خوب احساس کنید، چه کسی که مسئولیت را قبول نمی تواند آنرا نیز انجام داده نمی تواند. پس شما باید به آینده وطن تان فکر کنید، محرومیت های کشور را مطالعه کنید، درد های افغانستان را بدانید، این وطن برای خوش گذرانی يك طبقه خلق تشنه است. چه زندگی يك ملت مربوط به يك طبقه خاص نیست بلکه مربوط به قاطبه مردم آنست که ملت را تشکیل میدهد تا وقتیکه ملت راضی نباشد از حکومت بشتیانی نگذرد هیچ زمامدار هیچ حکومت و هیچ دولتی حتی سنگی را بالای سنگی گذاشته نخواهد توانست. شما یقین داشته باشید که امروز بزرگترین و مقدسترین وظیفه انقلاب دولت جمهوری ایست و خواهد بود که عاجز و به چه صورت برای قاطبه ملت خویش خدمت کرده و شکل زندگی شانرا بهتر کرده میتوانیم، هدف ما هدف مقدس است و اینکار دشوار از قدرت يك شخص بیرون است. وقتی این هدف عالی برآورده شده میتواند که هدف خود، درد خود و مقصد خود را تشخیص کرده بتوانیم و بدون تبعیض بحیث برادر و برابر بر سر منزل مقصود برسیم.

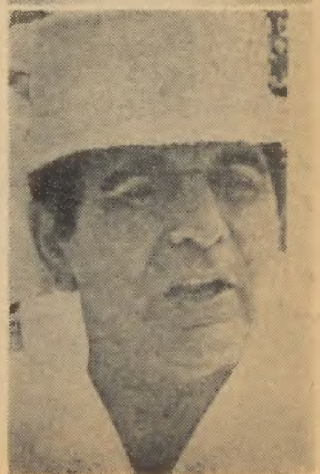
صفحه ۵

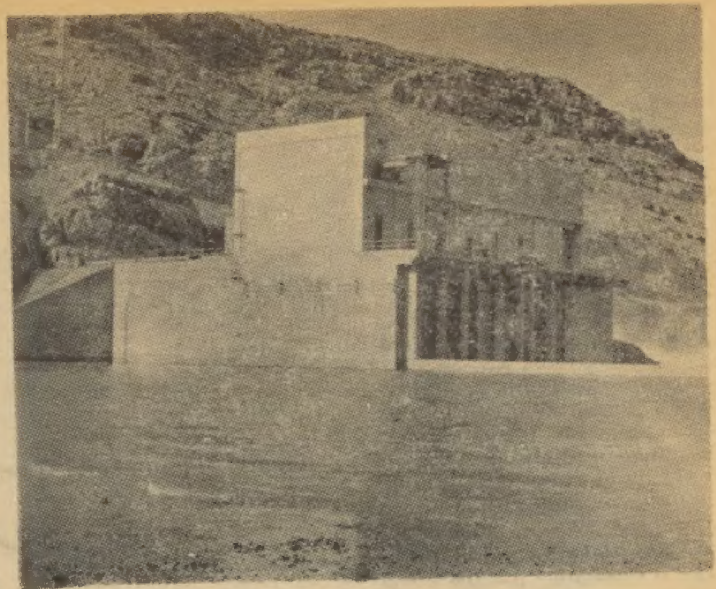
دین شماره

کجکی به ظرفیت تولیدی ۴۹۵ کیلووات برق ص ۶	دایب کارگست ؟	۸ ص	ترجمه : خان آقاسرور	دایب کارگست ؟
هیجان امتحان پایان یافت	۱۰ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	هیجان امتحان پایان یافت
گرافیک هنر	۱۲ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	گرافیک هنر
کالوژی برای دریافت گذشته های دور ص ۱۴	ترجمه : رهپو	۱۶ ص	دایب کارگست ؟	کالوژی برای دریافت گذشته های دور
توس دختران از کتب و سخن مردم	۱۷ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	توس دختران از کتب و سخن مردم
باولوا رقاصه مشهور شوروی ازدواج کرد ص ۱۸	ترجمه : ارشادی	۲۰ ص	دایب کارگست ؟	باولوا رقاصه مشهور شوروی ازدواج کرد
هنر در لابلای قرن ها	۲۰ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	هنر در لابلای قرن ها
تیم منتخب فوتبال بوطن برگشت	۲۲ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	تیم منتخب فوتبال بوطن برگشت
مسافری از افریقا	۲۴ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	مسافری از افریقا
نام تازه در جهت پیروزی زنان کارگر	۲۷ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	نام تازه در جهت پیروزی زنان کارگر
گذاشتن خبر نویسان جهان	۳۰ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	گذاشتن خبر نویسان جهان
فریاد های مرگ	۳۸ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	فریاد های مرگ
قصه ای از غصه ها	۵۲ ص	دایب کارگست ؟	ترجمه : خان آقاسرور	قصه ای از غصه ها

شرح عکس روی جلد رالفا به صفحه ۱۷ مطالعه فرمائید.

عکس روی جلد شماره گذشته از شرار





دور نمایی از دستگاه تولید برق کجکی

از گل احمد زهاب نوری

کجکی

به ظرفیت تولیدی ۴۹۵۰۰ کیلووات برق

سراژین شماره، هر هفته سری
بیکه از پروژه های برق می زنیم
گزارش های جالبی در باره موقعیت
مقدار تولید و تاثیر اقتصادی آنها
برای شما گرد می آوریم ...

دستگاه برق آبی کجکی، بر بالای
دریای هلمند قرار دارد. آب دریا در
قسمت کجکی به حد اعظمی مقدار
خود میرسد. کاسه بند ذخیره آب
کجکی فعلاً بیش از یک میلیارد و هشت
صد میلیون متر مکعب آب دارد.
دستگاه برق کجکی از لحاظ
اقتصادی ارزش زیادی دارد، از نیروی
برق این پروژه در ولایات هلمند و
کندهار استفاده به عمل می آید.
برق کجکی در انکشاف صنایع
تولیدی رامتهلا کی این دو ولایت
نقش مهمی دارد. چه در پهلوی
تمویر این دو منطقه زمینه بکارافتادن
فابریکات رابه حد اعظمی تولید
فراهم ساخته و از نصب و مصرف
ماشین های تولید برق دیزلی جلو-
گیری می کند.

یک منبع ریاست عمومی واحد
آب، و برق در برابر سوا لی پیرامون
پروژه برق کجکی گفت.
- کار مونتاز و نصب توربینهای

این دستگاه دو سال قبل مطایق
پروگرام انکشافی دولت آغاز
گردیده بود که ظرفیت تولیدی نهایی
آن به سی و سه هزار کیلو وات برآورد
بیش بینی شده است.

منبع افزود:

- در قسم اول تمديد لین برق
تأمرکز ولایات کندهار و هلمند
برای استفاده فابریکات صنایعتی و تمویر
این دو محل به طول دو صد و نه زده -
کیلومتر شامل پروگرام است. که
در آینده نزدیک تکمیل و فعال می
گردد.

به قول همین منبع مصارف
مجموعی پروژه برق کجکی در ساحه
تمديد لینهای آن تأمرکز هلمند
و کندهار به بیست و چهار میلیون
دالر یا سه صد و هفتاد میلیون افغانی
می رسد.

منبع علاوه کرد:

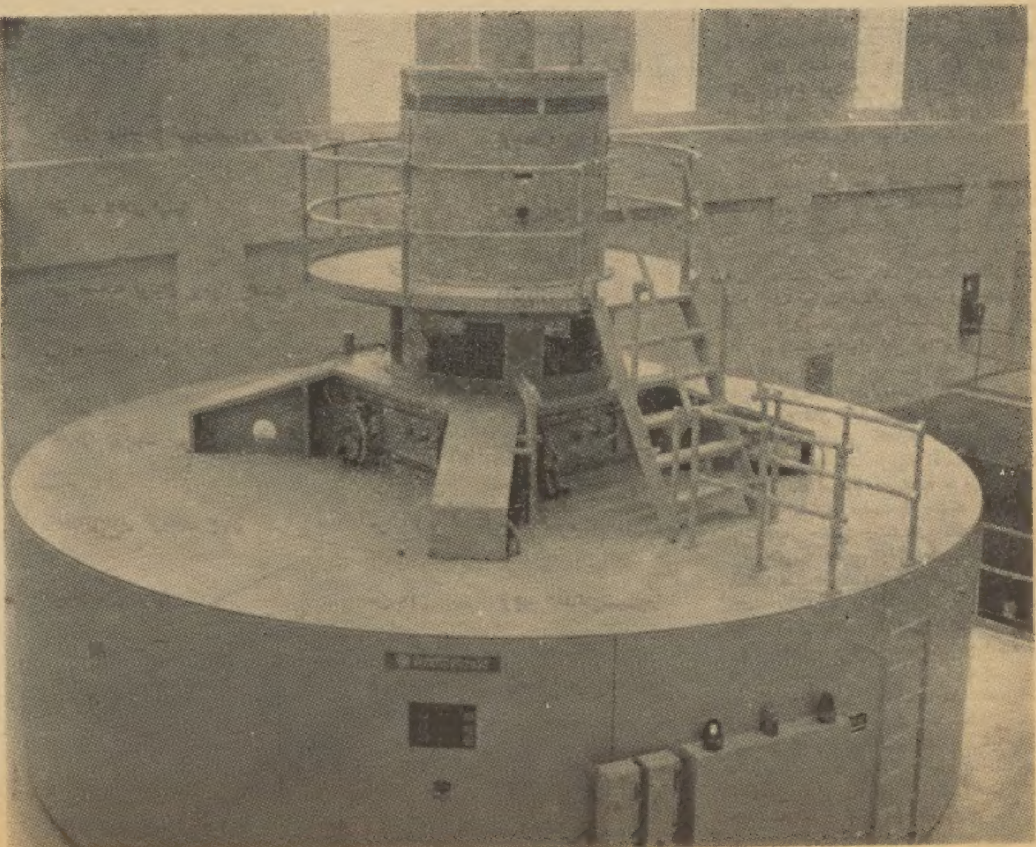
با فعال شدن دو توربین برق
کجکی پروژه مذکور آغاز به کار
نموده و مصارف آن توسط دو است
جمهوری افغانستان و ایالات متحده
امریکا پرداخته شده است.

چهارده میلیون دالر مصارف
اسعاری این پروژه، از جو کات
قرضه ای اداره انکشافی امریکا
و یکصد و هشتاد و شش میلیون افغانی
مصارف داخلی آن، از بودجه
انکشافی دولت تمویل میگردد.

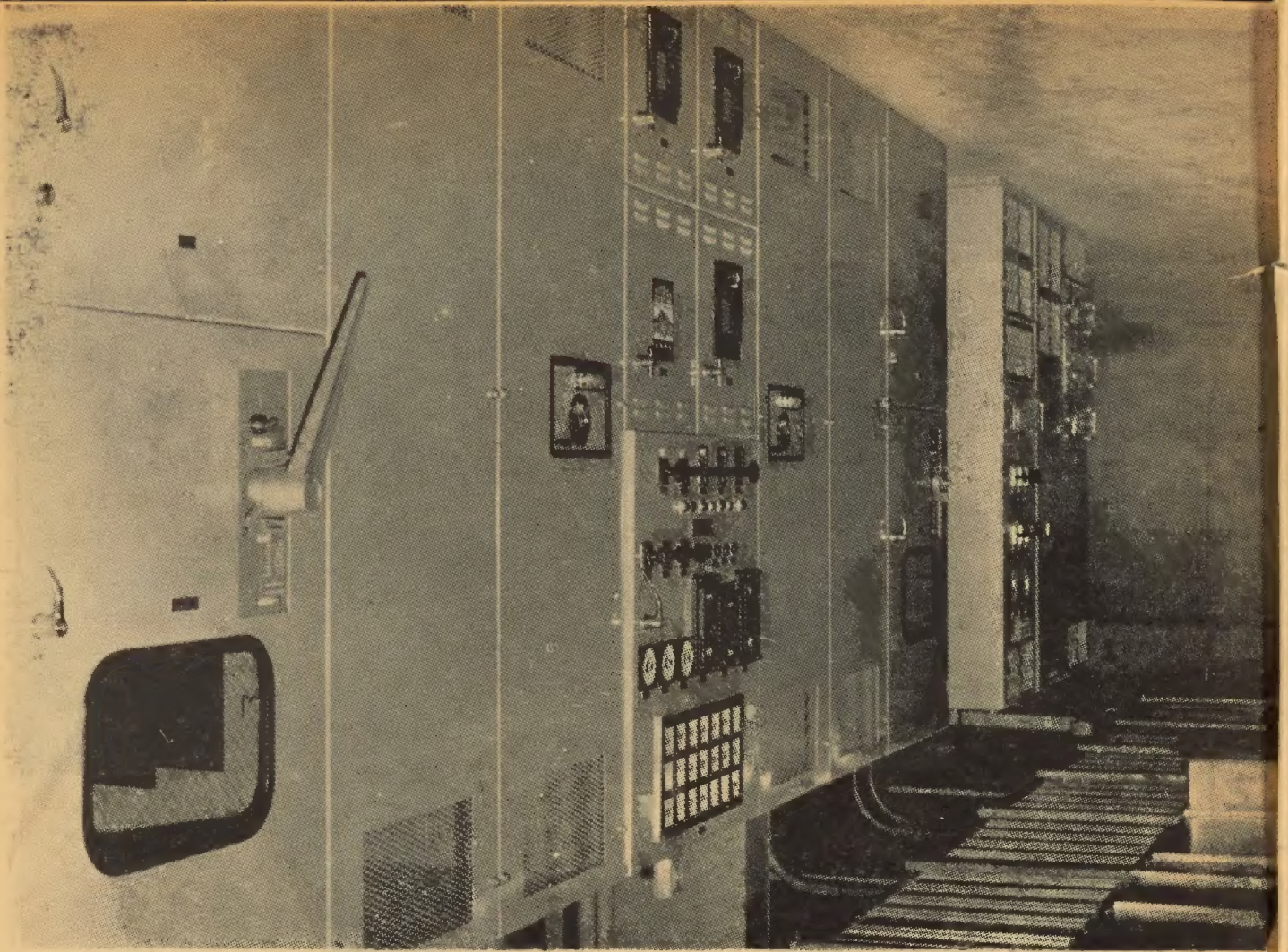
منبع علاوه کرد

- البته نصب و بکار انداختن
توربین سوم این پروژه نیز شامل
پروگرام ماست، که با فعال شدن
توربین سوم کجکی، ظرفیت نهایی
تولیدی آن به چهل و نه هزار و پنج
صد کیلو وات برق میرسد.
منبع در مورد انرژی برق، در
کشور گفت.

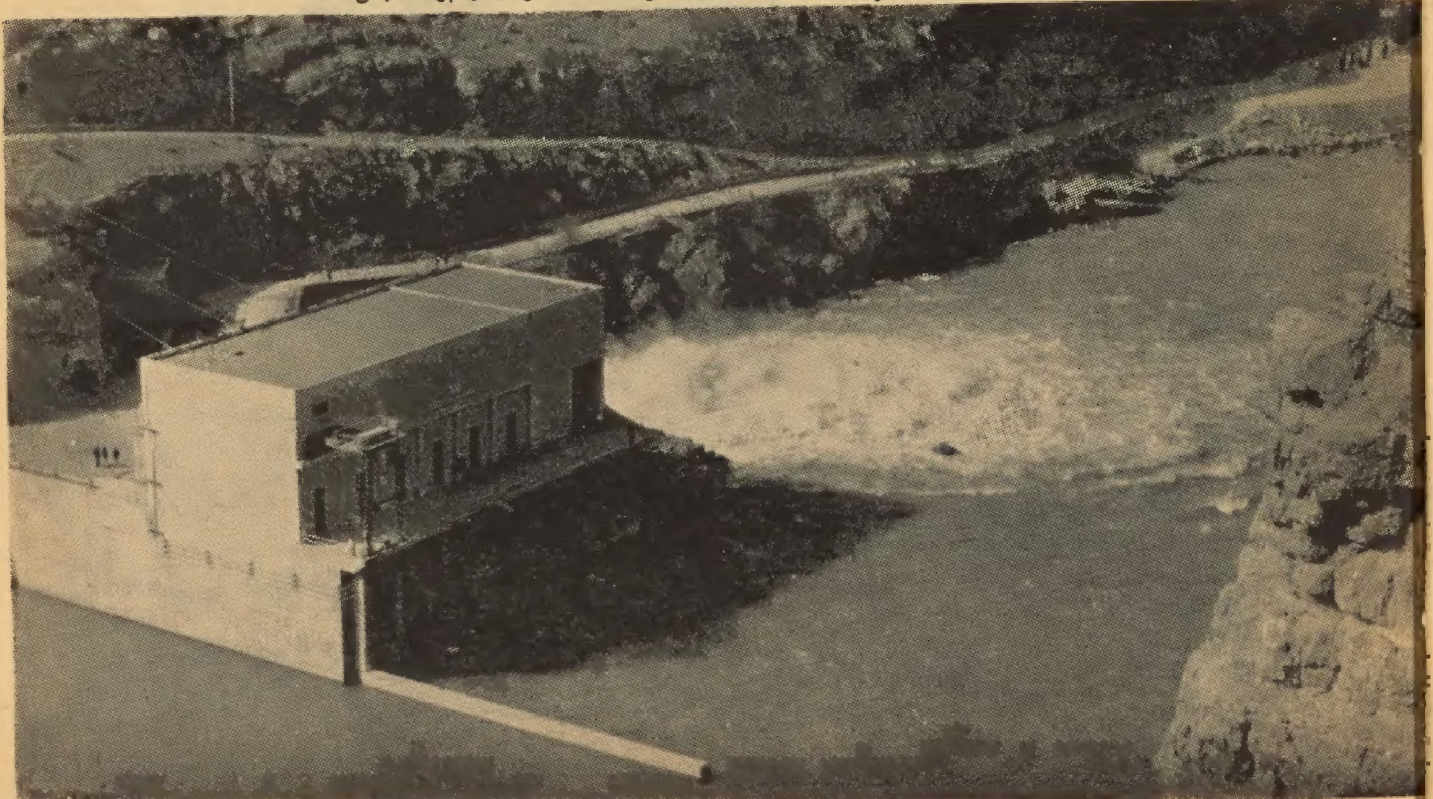
- پروژه های تولیدی برق، از
لحاظ اقتصادی تأثیرات مثبتی بر
انکشاف سریع کشور دارد. دولت
بازر نظر داشت جنبه های اقتصادی
بلانهای پیرامون منابع انرژی
برق دارد، تا با استفاده اعظمی از این
منابع در راه بهبود اقتصاد جامعه
و فعال ساختن دستگاه های تولیدی
استفاده گردد.



یکی از توربین های دستگاه
تولیدی برق کجکی که ظرفیت
۱۶۵۰۰ کیلووات برق را دارد.



گوشه از قسمت های کنترل دستگاه تو لیدی برق کجکی



منظره از دستگاه تو لیدی برق کجکی



دلیپ کمار در فیلم مدهوتی



دلیپ کمار پدر تراژیدی سینمای هند



دلیپ کمار

آوان کود کی اش چگونه گذشت
ودر آینده چه میخواست بشود .
عمر هنری دلیپ کمار «یوسف -
خان» چهره تراژیدی سینمای هند
گرچه وارد سی و یکمین سال خود
گردید، ولی هر گاه از نخستین
فلمش (جواربها) که در سال
۱۹۴۴ به بازار آمد آخرین فلمش
«سگینه مهاو» هنرش را بررسی
نمایم در هر فلم ودر هر قالب
خویش درخشیده و توانسته است با
توفیق کامل جایی برایش در قلبها
بدست آورد .

دلیپ کمار که در فلمهای
اخیرش عموما تخنیک و احساس
دیالیتیک را در هم آمیخته و مرکب
تحسین آفرینی ، را خلق نموده ،
است ، در هر کجا یکه تا می از
هنر بازیگری و یا هنر پیشه بمیان
می آید اسم دلیپ کمار در میان همه
مقام اول را حایز بوده و از هر
طرفی با احترام بی حد و حصری ،
یاد می شود .

ستاره های دیگر سینمای هند
بمقایسه دلیپ کمار که هر گاه
توفیق یابند و بتوانند دیدن چهره
هابشان را برای مدتی تا بل
پذیرش همگانی نگه دارند ، بدون
شک در طول این مدت سی و یک
سال تعداد فلمهای شان از شماره
نود و پنج فلم تجاوز میکرد . ولی
دلیپ کمار که در پهلوی جمع آوری
پول نام و شهرت خود را نیز همواره
از نظر دور نداشته است ، تا حال ،
در کمتر از پنجاه فلم روی پرده آمده
است .

زیرا وی همواره از سیل پیشنهادات
فلمسازان تنها و تنها به آنانی
جواب مثبت می گفت که سناریو
و یادداشتان فلمش میتوانست چنگی
بدل این سمبول تراژیدی بسازند ،
و غلط نخواهد بود ، اگر بگویم
فلمی که بازار می آمد و روی
ریکلام آن دلیپ کمار نوشته میبود
مردم برای دیدن آن فلم سرو دست
می شکستند ، که این رشتن تماشا

ترجمه خان آقا سرور

از فلم فیر

نوشته بگرام سنگه

دلیپ کمار کیست و در طول عمر هنری اش در کدام فلمها روی پرده آمده است

او که در اوایل بمعاش سی و پنج کدداشراگرد يك كانتین بود، چگونه به سینما راه یافت ...
روزی كف شناسی برا ییش پیشگویی کرد که اکتور معروفی خواهی شد ...

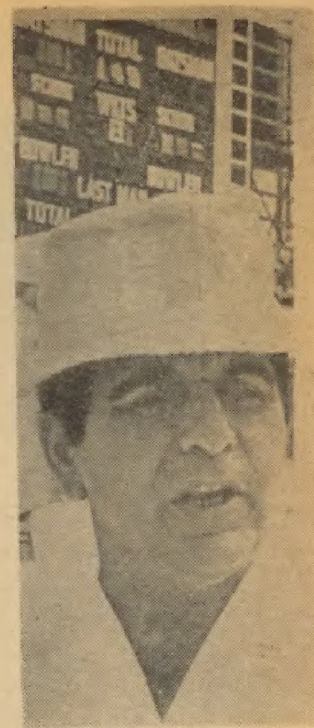
صفحه ۸



۳ - دلپ و ویجنتی ما لا در فلم نیادور

هفته روی وترین یک سینما به نمایش باشد .
دلپ کمار که خوش دارد، همیشه تنها باشد و بزندگی قسما تراژیدی خودش بیندیشد توانسته است درین او اخسرا تراژیدی راطوری بازآفرینی کند که عین حقیقت است نه بازتابی ازحقیقت که در فلمهای قدیمی اش آنقدر مسحور کننده نبود، زیرا چنانکه خودش هم می گوید تجارب طبیعی حیات کمتر در هنر بازیگری قدیمه اش دخیل بوده است .

دلپ کمار که در رولها پیشی در واقع زندگی می کند ، حتی در دو، رول مختلف مانند (رام اور شپام) آنقدر دقیق تمثیل نموده است ، که واقعا دو شخص جدا گانه بی بوده اند که ابتدا بیکدیگر شباهت نداشته و ندارند ، که مثال های زنده یی ازین قبیل تمثیل احساسی وریالیستیک وی رادر کلمه فلمپاش و مخصوصا «سگینه مهاتو» ، مسافر، دیوداس گنگاو جی» و غیره بوضاحت تام مشاهد شده می تواند .
دلپ کمار که سینما را می خواهد نمایشگر داستانهای غیر از موضوعات مروج و میان تپی بوده طرفداران زیادی داشته و هنوز هم دارد پس نباید خود را بسایه دیوار کناره گیر از نظر ها ناپدید نموده و زیننده ، نخواهد بود که میوه هنر ش را از هوا خواهند و دور ست داران ، هنرش دریغ دارد .
این است فلمهای دلپ کمار



دلپ کمار در مسابقه کرکت در بمبی

چنان بخاطر آن نبود که فلمی را می نگرند ، بلکه عمله ایشا نازان بود که بتوانند دلپ کمار را یکبار دیگر به بینند .
فلمهایی که در سال های ۱۹۴۰ مانند «دوشمید ، انداز ، دیدار ، داغ نیادور و مد هو متی» ازین هنرپیشه بازار آمد ، در هر فرصتی به منزله سر مشق ستارگان پیشمار ، سینمای هند بوده و از هر قسمت تمثیلی این فلما استفاده می بردند . چنانچه همین امروز چهره های تازه به شهرت رسیده سینمای هند مانند «راجیش کهنه و امیتا بچن» نیز از مکتب دلپ کمار به افتخار کامل پیروی می نمایند .
اگر چه فلمهای (ترانه ، امر ، قوت بات یهودی ، لیدر ، دل دیدار ، لیا ، سنگهرش و داستان) نتوانست آنطوریکه انتظار برده می شد برای بازیگر رول اول افتخارات فوق العاده یی بار آورد و با زار عایدات برای سازنده گانش بسدست بیاورد ولی با آنهم نه تنها دلپ از تمثیل خود در این فلما نازا ضی نیست ، بلکه فلما یش هم توانست مصرف فلم را بایک دستمزد کمتر بچیب سازنده فلم سران سازد . مگر فلمایی چون «آن ، ارن - کپتولا ، مغل اعظم و اندازه توانست برای مدتی بیشتر از هفتاد و پنج



دلپ و سایره در صحنه یی از فلم سگینه مهاتو

- که از سال ۱۹۴۴ باینطرف روی لنتاجنیس پرده آمده است با اسم همباز یان این بازیگر بی رقیب .
- ۱ - جوار بها تا ۱۹۴۴ - مرید الله ، شمیم
۲ - پراتیما ۱۹۴۵ - سورن لتا
۳ - میلن ۱۹۴۶ - میرامسیرا ، آشوک کمار رنجنا
۴ - جگنو ۱۹۴۷ - نور جهان
۵ - انو کهاییار ۱۹۴۸ - نور جهان
۶ - گهر کی عزت ۱۹۴۸ - ممتاز شانتی
۷ - میله ۱۹۴۸ - نر گس
۸ - ندیا کی پار ۱۹۴۸ - کا متی کوشل
۹ - شمید ۱۹۴۸ - کا متی کوشل
- ۱۰ - انداز ۱۹۴۹ - نر گس
۱۱ - شبنم ۱۹۴۹ - کا متی کوشل
۱۲ - آرزو ۱۹۵۰ - نر گس
۱۳ - بابل ۱۹۵۰ - نر گس
۱۴ - جو گن ۱۹۵۱ - نر گس
۱۵ - دیدار ۱۹۵۱ - نر گس
۱۶ - هل چل ۱۹۵۱ - نر گس
۱۷ - ترانه ۱۹۵۱ - مد هو بالا
۱۸ - آن ۱۹۵۲ - نادره - نمی
۱۹ - داغ ۱۹۵۲ - نمی - اوشاکون
۲۰ - سنگل ۱۹۵۲ - مد هو بالا
۲۱ - شکست ۱۹۵۳ - تالینی چیونت
۲۲ - امر ۱۹۵۴ - مد هو بالا - نمی
۲۳ - فوت پات ۱۹۵۴ - مینا کماری
۲۴ - آزاد ۱۹۵۵ - مینا کماری
۲۵ - دیوداس ۱۹۵۵ - سچتراس - ویجنتی ما لا
۲۶ - انسانیت ۱۹۵۵ - پینارای - دیوانند
۲۷ - اورن کپتولا ۱۹۵۵ - نمی
۲۸ - مسافر ۱۹۵۷ - سچتراس
۲۹ - نیادور ۱۹۵۷ - ویجنتی ما لا
۳۰ - مد هو متی ۱۹۵۸ - ویجنتی ما لا

بقیه در صفحه ۴۸



لحظاتی که باید شاگرد نتیجه لی یکساله را ببیند .

برای رهنمایی درست‌شاگردان یکی از اهداف این وزارت بود .
منبع علاوه میکند :

در ساحت لیسه ها، به اساس ریفرم معارف، رشته های ساینس و اجتماعات در صفوف دوازدهم تعیین شد و از شاگردان بعضی لیسه های مرکز که شوق ساینس و اجتماعات آن ها جدا گردیده، امتحان اختصاصی طوری گرفته شد، که هرگروپ از متعلمان رشته ساینس، مضامین مربوط و هرگروپ از شاگردان رشته اجتماعات مضامین اختصاصی خود را امتحان دادند...
منبع میگوید :

البته هدف از تعیین رشته در صفوف دوازدهم این است، تا جوانان در پایان تحصیلات ثانوی، به شوقی که استعداد و علاقه دارند، رهنمایی و تشویق گردند...
منبع وزارت معارف در پاسخ پرسش دیگری میگوید :

مکانکورد پوهنتون که درین روز ها ادامه دارد، بصورت اختصاصی به دو قسمت ساینس و اجتماعات صورت می گیرد و جوانان مطابق ذوق و معلومات خود در قسمت مورد نظر حصه می گیرند ...
یک منبع ریاست تدریسات ابتدایی وزارت معارف میگوید:

امتحان مکاتب ابتدایی مرکز و قسمتی از ولایات سرد سیر پایان یافت و شاگردان فعلا از رخصتی های زمستانی خود استفاده میکنند ...
... لیسه هائیز روز های آخر امتحان را سپری کردند . یکی از شاگردان لیسه رابطه بلخی در پایان امتحان تاریخ، گفت:

انتیژه رقابت بین دختران در صنف و درس خواندن بصورت صحیح و بالا خیره امتحان حقیقی سبب شده بود، تا تمام شب ها را نالظه های پائین شب بهدروس خواندن بگذرانم ... البته مانند من سایر دخترانی که آرزوی کامیابی را داشتند، سر سخنان به تلاش آموختن درس های شان بودند...

ژوندون

زحمت کشیده اند و آن هاییکه دوطی روزهای دراز سال باز یگوشی کرده اند... همه گرد می آیند، بر پشت میز های امتحان می نشینند ... قلم بدست می گیرند و در آزمون پایان سال، آنچه اندوخته اند، بار دیگر، بازگو می کنند ...

در امتحانات سالانه مکاتب و لیسه ها، امسال یک نظام بیسابقه دیده می شد، جوانان در پای ماه های تحصیل، راضی به نظری رسیدند و این از اعتماد به نفس شان بود، از اعتماد به زحمات و حاصل شان حکایت میکرد و بالاخره از نتیجه سیستم تد ریس بهتری که در سال های اخیر رویکار آمده...
یک منبع وزارت معارف در برابر پرسشی گفت :

با تطبیق ریفرم بنیادی دولت جمهوری افغانستان، معارف در کشور یا مفهوم وسیعی و بانایج سود مندی موقع خدمت یافت، همگانی شد، بروش استاد و شاگرد تاثیر انداخت و درس بمفهوم درس و دانش آموز بمنظور فرا گرفتن دانش در لیسه ها و مکاتب آمدند...

منبع می افزاید :
با تطبیق قسمتی از پروگرام های ریفرم معارف دوطی سال تعلیمی که پایان یافت، نحوه امتحان و تدریس، استقاده اعظمی از وقت و بکار افناندن قوه استعداد و ابتکار شاگرد، قناعت بخش بود . توسط مکاتب ابتدایی و ارتقای دوره آن ارزش صنف به هشت صنف امسال مرحله دیگری را بیمود و بیشتر مکاتب ابتدایی دارای صنف ارتقای هشتم شدند، که البته این امر در بلند بردن سطح دانش و فکر اطفال مؤثر و نهایت سودمند است .
منبع افزود :

در ساحت معلمان مکاتب ابتدایی که اساس تحصیل جوانان را تشکیل میدهد، نیز وزارت معارف توجه داشت، بکار گماشتن معلمان ورزیده و مجرب در مکاتب ابتدایی



یکی از شاگردان درس هایش را تکرار میکند.

از : تک، سراب

هیجان امتحان پایان یافت

در شهر، همه جاسخن از امتحان بود...
جوانان از امتحان گفتگو داشتند...
سالخور دکان، پدران و مادران نیز، بر امتحان چشم دوخته بودند...
بر امتحان فرزندان...
شان ... روز های امتحان فرا رسید...
صحن لیسه ها هیاهو بیاشد...
راستی امتحان هیجان عجیبی دارد...
آنها بیکه درس خوانده اند، آن هاییکه
صفحه ۱۰

وی افزود :

«روی همرفته در امحانات امسال
ارزیابی درست، برای گزینش شاگردان
لایق و با استعداد، صورت گرفت سوا لات
امتحان طوری تنظیم شده بود، تا مقدور
آموزش شاگردان، از آنچه که در طی سال
خوانده بودند، بررسی شده بتواند »

یک منبع لیسۀ نادریه گفت :

«شاگردان روز های آخر امتحان را
میگذرانند و ما برای اینکه به سرعت بتوانیم
نتایج عمومی را بدست بیاوریم و به فارغان
موقع اشتراک در کانکور را بدهیم، ارزیابی
نمرات را روی دست داریم، نتایج امسال
فناخت بخش است و از علاقمندی شاگردان
حکایت میکند »

لیسۀ حبیبیه امسال دو گروه فارغان
دارد، در رشته های اختصاصی ساپنس و
اجتماعیات »

یکی از شاگردان این لیسۀ در آخرین روز
امتحان میگوید :

«در سال های قبل وقتی کانکور را مدنظر
می گرفتیم، پادشیره عجیبی روپرو می شدیم
اما امسال آنطور نیست، چه هر دهنه می
توانند، مطابق معلومات خود در رشته
اختصاصی کانکور شرکت نمایند ...»

درین روزها همچان امتحان لیسۀ ها در
شهرکابل پایان یافته است و روز های
استراحت و تعطیل را شاگردان آغاز
نموده اند ...»



آمادگی برای امتحان، همه شاگردانرا به خود مصروف ساخته است .

یکی از استادان لیسۀ جمهوریت در مورد
سوالات امتحان گفت: استاد از زحمات یکسالۀ خود میکند و منظور منظور از تحصیل دانش آموزی است، که
از امتحان این نیست که شاگرد باید فقط این مرام در طی سال تعلیمی بر آورده می
آلینۀ امتحان یک ارزشیابی است، که برای امتحان درس بخواند و پس ... بلکه شود ...»



شاید اینجا همه با پیروزی و وفقت امتحان راسپری کرده باشد .

دمتین ژباړه

گرافیک فن

دډغه هر کلي له لاري دي چمنونو يې
هش په برخه کښي دهنري خانگو يو
زيات شمير داوطلبان دگرافيک
هنرونو په څانگه کښي خپل نومونه
ليکي او وروسته بيا په هماغه
څانگه کښي دلوړو علمي درجو
داخيستلو دپاره خپلو زده کړو ته
دوام ورکوي . ننني زده کوونکي
ديخوا زماني دزده کونکو په نسبت
زيات امکانات لري او دپوهنتون په
انتخاب کښي نه يوازي دزده کړو
خانگو ته بلکه داو مو پښخاوونو
دوسايو ډول او څرنگوالي ته هم
پاملرنه کوي .

دېو معتبره پوهنتون په بسو-
گرافيك ستوديو كېنې يوه كتنه
څرگندوي چه په دې ستو ديـو
كېنې دليـتو گرافي، حكاكي، او پهـږه
پوري چاپ دباره دچاپ له وروستيو
وسايـلو څخه استفاده كيـري. نوموړي
زياتي چاپ خاني دستورو چاپي كارنو
دسره رسولو قدرت لري او دچاپ
دماشين ټول ډولونه له لاسي
ماشينونو نه نيولي تر اتو ميات
ماشينو نو پوري لري، په دغو ستديو-
گانو كېنې دغه راز دتور قلم په وسيله
يا دليـتو گرافي او يا دسليك دسكـرين
په روش دكس دچاپولو وسايل
شته په بل عبارت په دغو چاپخانو
كېنې هم دكليـشـج وپولو عصري
وسايل شته او هم دكس اخيستلو
دوروسي سيستم ماشينونه، او زده

هنر پر مختللی یو لږ بین المللی لوبی
په ترتیب سره جوړ پړی او دزده
کونکو هنر مندانو، عفايدو، کتابونو
او هغو مجلو درا کړی وړ کړی پروگرام
عملي کيږي چه په کرافیک پـسـوري
تړلی وي .

دگرافیک دهنر سره دخلکو دغلاقی
دبارولو په اثر به ترتیب سره له
پوهنتونونو څخه دنوموړی هنر
دبیلو بیلو اړخونو په باره کښی
پوښتنی کیږی او ورځ په ورځ دغه
کسانو شمیر زیاتیریږی چه دچاپ او
گرافیک په نندارتونونو کښی گډون
کوی.

له دی امله داسې معلومېږي چه
دېخوا په خلاف دخلکو له ناحیې څخه
دگرافیک دهنر خواته پا ملرنه مخ
په زبا تیدو ده .

د پېژندنې سره علاقه يوه داسې
پدیده ده نه چې دامریکې، په یوې
خاصې برخې پورې مخصوص وي خو
یو داسې مشکل دی چې دامریکې
دگرافیک زیات هنر متدان ورسره
مخامخ دی ، پرته له هغو مشکلاتو
چې دپوهنتون یو ماهر ورسره مخامخ
دی په زړه پورې ټکي هغه زیات
وړاندې تګ دی چې په دی څانګه کېنې
له هنر څخه په وروستیو کلونو کېنې
لاس ته راغلی دی . له ۱۹۶۰کلونو
څخه را به ديخوا ؤ چې دگرافیک
څانګه دامریکې دپوهنتونو نو
ددزسی پرو گرام دیوې برخې بڼه
غوره کړه . دهغو هلو ځلو په نتیجه
کېنې چې دگرافیک هنرونو دندنداری
او دخورا ښو نمونو دراټو لو لو او
ساتلو دپاره وشوې ددغې دوی
دچاپي کارونو په سل گونو نمونې
پاتې دي .

د دوهمې جهاني جگړې نه وروسته په امريکي کښي ددغه هنر پلواندي ننگ کښي خورا اغيزمن عامل دسر بازارو دزده کړې دڅراني درمستۍ قانون دی چه دهغه په اساس يوزيات شمير هنر مندان چه دجگړې په علت يې دخپلې زده کړې جريان پری کړی ؤ دنوموړي قانون دښيگپوڅڅه په استفادې سره پو هنتو نوټو ته راستانه شول او په خپلې علاقې وړ ځانگه کښي يې زده کړې ته دوام ورکړ، ددغه پرو گرام داجرا په نتيجه کښي دچاپ او گرافیک يوزيات شمير کار پيژندونکو دزده کړې له سر ته رسولو وروسته په لیسو اوپوهنتونونو کښي په تدريس پيل وکړ .

د چاپ هنر ۱۲ کاله مخکښی په
چټکۍ سره وده وکړه چه همدا اوس
هم دوام لري، دغه پرله پسۍ پراختیا
د تکنولوژۍ دېر مخنیو نو په مرسته
سړته ورسیده او دخلکو پا ملونه یی
نوموړی هنر ته را واړو له او څرنگه
چه په نورو هېوادو کښه هم گرافیک

خو کاله دمخه یو امریکایی هنری
منقد دپوهنتون دمحصیلینو دگرافیک
آثارو دندارتون له کتنې نه وروسته
دهغوی دهنری استعداد دو نو او
ابتکار رو نو دستانینې په باب یوه مقاله
ولیکله او افسوس یې څرگند کړه
ولی له دو مړه ذوق او ابتکار سره
سره چه نوموړي محصلین یې دگرافیک
هنر په باره کښې څرگندوی دهغوی
دهنر ارزښت نه پوره پاملرنه نه
کیري . دغه انتقاد نن هم تر یوې
اندازې پورې مصداق لري . ددی سره
سره دهغو ذوق لرونکو هنر مندانو
شمیر چه په دی څانگه کښې فارغ
التحصیل کیري ورځ په ورځ زیاتیري
معمولا هغه کسان چه په امریکي کښې
دگرافیک هنر په څانگه کښې کار
کوي ضروري پوهنتون لیدلی اود
ښکلیو هنرونو په څانگه کښې سی
لیسانس او یا دیسانس نه پورته
تحصیلات لري . دوی غالباً دلیتوگرافي ،
حکاکی ، سیلک اسکرین او سترچاپ
او دغاسی دټولو تکنیکونو په څیر
دگرافیک نه ټولو څانگو کښې پراخه
معلومات او پوره تجربې لري . اوس
نو وگورو چه دغه هنر مندان ترکومی
اندازې پورې کولی شی چه په خپل
کار او هنر کښې پرمختګ پیدا کړي ؟



دشمالی کار و لینا دیو هنتون یو
زده کوونکی دلرگی په نقشی کار
صفحه ۱۲ کوی .



دنوی مکسیکو دېو هشتون دز ده کوونکو د چاپی آثارو دکالنی نندارتون
پوه منظره



دسیاتل په ښار کښی دواشنگتن دپوهنتون دهنرونو په پوهنځی کښی دڅلور گونو کار خانو دیوی کارخانې یوه منظر ه



دفلوریدا دپوهنتون په گالری کښی دهنری نندارتون یوه خنډه .



دفلوریدا دپوهنتون دهنری نندارتون یوه بله منظره

کونکي دواپه طریقی زده کوی . معمولاً په پوهنتونونو کښی دچاپ یو لړی او پخوانی وسایل په یو سالون کښی پږی، په داسی حال کښی چه پخوا په کار گاوو کښی د چاپ دسیستم یو ډول وجود در لود اوزده کونکي دچاپ د ډول ډول روسونو دیا ډولو دپاره له یوی کار حای نه بلی کارخانې ته .

په نوی سیستم سره یعنی په یو سالون کښی دچاپ دډول ډول رو شونو ، دستگاوو او ماشینونو په راټو لولو سره زده کونکي یو ډبل سره دټولو گرافیک هنرونو ارتباط عملاً رک کوی او دټو لوماشینو نو د کاردطرز سره بلد پیری .

دگرافیک هنر زده کونکو او ددی فن ماهرانو ډول ډول عصری او آزمایشی طریقی او روشونه یو ډبل سره وښلول او دهغو له ترکیب حقه خورا په زړه پوری آثار منځ ته راوړی . دا روحیه دهغه څه سره چه په پنځلسمه او شپاړسمه پیری کی یی وجود در لود او دهغه په نتیجه کښی دچاپ بیلو بیلو شکلونو تکامل وموند ورته والی لری .

په هماغی دوره کښی ؤ چه دچاپی نورو اختراع په لرگی او فلز باندی دحکاکی دهنر سره یو ځای شوه او دکناب دچاپ نوی هنر منځ ته راغی اوبالاخره دکناب دخپرولو دستبر صنعت دیدایښت سبب شو، البته دتکنو لوژی بدلو نونه په همدی ځای پای نه ونه رسیدل ، ځکه ورو، ورو دگرافیک دچاپ دهنر مند او ماهر دخلاقه فکر ځای دعکاسی ډول ډول ماشینونو او وسایلو ونیو دعکاسی دیدایښت نه مخکښی یو زیات شمیر گرافیک هنر مندان ده کار داستاد یا کسبگر په نامه یا دیدل او دهغوی کار دهنر مندانو ه آثارو کابی کول او ښکاره کول وو دغه هنر مندان په واقعیت کښی دماشینونو په خبر وو او کار یی یوازی تقلید په ژوره توگه کابی کول ؤ او خلاقه اړخ یی نه درلود خو ددوی له جملی نه یو لړ شمیر یی گرافیک هنر مندان ؤ چه کیدای شی هغوی دچاپ او دهمردیفو مجسمی جوړولو دپخوانیو استا دانو په نوم وپیژنو ، په دی ترڅ کښی دپخوانیو استا دانو په جمله کښی یو شمیر نور هم وو چه دگرافیک هنرونو په څانگو کښی یی مهارت تر لاسه کړی ؤ . زموږ په وخت کښی چه دهنر منند خلاقه قدرت دگرافیک هنرونو په پاتې په ۴۸ مخکی

به صورت دقیقتر و عالی تر تصویر زندگی
تین جوامع بشری را کشید .
همچنان دانش چون: روانشناسی ، جا معه
سناسی و دیگران نیز در این راه خدمت
ستری انجام میدهند .

برخی از باستان شناسان در لایه های خاک
هابه کاوش نمی پردازند . آنان تر چسب
میدهند تا صورت نسبی آبدات تاریخی ، سنگ
فیور و بازمانده های جوامع ابتدائی چون:
زندگی ابروژن ها (بومیان استرالیایی م.م) و
چنگل نشینان بونسوانا را از نزدیک مطالعه
کنند .

شیوه های جدید و کشف های نو به
باستان شناسان اجازه میدهد تا بر روی برخی
عقاید و نظریات گذشته گران در این رشته خط
بطلان بکشند . تئوری های مبنی بر اینکه فلان
جای ((کهنواره تمدن)) بود و فلان کاری و تسیر
نشین را به سایر نقاط انتشار داد و زحمات
سدید قرار دارد .

عقیده قدیمی مبنی بر اینکه سر خوسنان
امریکایی زیر تاثیر طبیعت تا مساعد زندگی
کوچگری داشتند نادرست میباشد ، کشفیات
اخیر در امریکای لاتین نشان داده که جوامع
(همی بان و انکان) بر اثر آب از دولت های
کنونی در آن منطقه ، بانسکوه تر و عظیم
تر بودند .

باستان شناسی جدید با خود نقد های هم
بهمراه آورده است .

ولی باستان شناسی جدید و کهن یک
فرضیه واحد را حمایت میکند و آن اینکه:
انسان کنونی باید از استیسیا هات گذشته گاش
درس عبرت بگیرد و آن را تکرار نکند . توسط
تحلیل این پدیده که جوامع کهن چگو نه
با مشکلاتی چون : آلودگی - تکر نفوس -
کمبود منابع - مساله جنگ و غیره دست و
پنجه نرم کردند میتوان راه حل های به
مشکلات موجود یافت . جمعیس هیل باستان
شناس میگوید:

((اگر گذشته را خوب تشریح کنیم - آینه
را میتوان پیش بین بود))
این تشریح و توصیف با کشف آغاز
میگردد .

در سال های اخیر دانشمندان فزیک برای
باستان شناسان وسایل جدید برای پرده بر
داشتن از گذشته اختراع کرده اند . عکاسی
عوابی که توسط کمره های در برابر طول
امواج مختلف عکس العمل نشان میدهد
تغییرات کوچک در تحقیق و کاوش را در بر
گرفته و ساختمان های باستانی را که در دل
زمین پنهان باشد علامه گذاری می کند .
دانشمندان فضای که در جستجوی منابع جدید
در زمین اند به دنبال مناطق کهن و باستانی
نیز می گردند .

ماشین های ساده نشاندهنده فلزات ،
قدرت آن را دارند تا شایای فلزی را که در عمق



سپر تاریخی کار تارکه زمانی مرکز تمدن فعلی هارا می ساخت .

کاوش برای دریافت گذشته های دور

ترجمه : رهجو

در زرفای یکصد و چهل فتنی بعبره ایژن
که کمی از سواحل ترکیه فاصله داشته و آن
را بنام کوه ((بامسی او)) می خوانند غواصان
بالباس های ضد آب در جستجوی لاشه کشتی
رومی آرند .
بعد از اینکه لاشه کشتی شکسته را توسط
یک کمره تلویزیونی بدقت دیدند از آن
عکاسی نموده برای دریافت عکس روشنتر
از روئشایی انداز های قوی و کمره های یک

بر پایه های افمی سوار بود ، کار گرفتند .
بعد تر پس از آنکه خاک و گل را از روی
این آثار توسط فشار آب عقب زدند -
کاوشگران بدرون کشتی راه یافتند .
در عین حال اشپای مهم و پر ارزش توسط
بالونی به کشتی بی که در سطح آب به همین
منظور قرار داشت انتقال داده شد .
کشتی های غرق شده و مواد فاضله دیروزی
متواند در بجه های مطمئنی برای شناخت



جسد مردی پیری که ۲۰۰۰ سال عمر دارد .



این دختر مومیایی شده از پای نسل بود



در شهر کامپوزیل، باستانشناسان پرده از روی تاریخ بومیان امریکابومی دارند

۳۰۰۰ سال پیشان سده باشند نشان بدهند. هفتصد پیش یکدلال نیویارکی توسط آله نشاندننده نژد که آنرا خودس هنگام تفریح در خانه ساحه بود توانست نایک مجسمه مفرغی ((هادریان)) امپراتور روم را در بحیره کالیلی کشف کند. الیزابت رالف و گروه همکارش از موزیم پو هنتون پنسلوانیا با وسیله مجهز تری که بنام ((نمایش دهنده مغناطیسی)) یاد می شود اکنون در سنتر فدیمی سیارسی یونان به کاوش مشغول اند.

استیتوت تحقیقاتی ستافورد مشغول تجربه راداری اند که شعاع مستقیما به زمین می تابند. انعکاسی این شعاع اندازه وسکل گنجینه های تاریخی را که زیر هزاران خوار خاک غنوده اند نشان میدهد.

اکنون باستانشناسی در محدوده کاوش بر روی زمین در بنده نامده و پسوی کشفیات زیر دریایی روی آورده اند.

چودج باسی پیش از پانزده سال است که روی لاشه های ویران کشتی های قدیمی که تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد می رسد در بحیره مدیترانه مشغول کاوش است.

اودریافت که بسیاری اموال کشتی های غرق شده در وضع بسیار عالی دست نخورده مانده اند. این باستان شناس ۴۱ ساله می گوید که:

((خود کشتی هاسا که ای گسترده برای کاوش باستانی بکار می رود. هر چیز که در آن زمان ساخته شده بود اکنون می توان در اینگونه کشتی ها یافت. جای شگفتی است که آسیا دوزیر آب نسبت بر روی زمین محفوظ نمانده اند.))

شیوه های که باسی در تحقیقات زیر دریایی خود انجام میدهد از شیوه های کاوش خشکه تقلید شده است.

برای برهنه کردن اشیاء از کل ولای هوای زیر فشار زیاد بکار می رود. برای انتقال اشیاء از یک بالون کار می گیرند. نقشه های سه اصطلاح ((هوایی)) توسط زیر دریایی ها یا غواصانیکه حامل کمره اند تکمیل میگردد. از آلات نشانده هنده فلز نیز کار گرفته میشود دستگاه تلفون زیر دریایی همیشه حیات تحقیقاتی را با سطح آب پیوند می دهد.

بزرگترین کشفی که در ساحه شناخت آثار باستانی بهیان آمده شیوه بکار بردن کاردین ۱۴ برای تعیین عمر اشیاء قدیمی است. این روش توسط ویلارد لیبی کیمیا دان یوهنتون شیکاگو کشف شد.

این شیوه برای تعیین عمر اشیایی که زمانی زنده بودند بکار می رود. موجودات زنده حیوانی و نباتی هنگام حیات مقدار کم رادیو اکتیف از کاردین معروف به کاردین ۱۴ می گیرند. هنگامیکه می میرند این عملیه پایان می یابد و ایزوتوپ های رادیو اکتیف با شماره ۳۹

سرعت ثابت شروع به پوسیدگی میکند. چون این کاهش در یک مدت معین صورت می گیرد توسط اندازه گیری آن می توان عمری مرده را حساب کرد.

امروز این شیوه هم توسعه یافته و هم رسیده است.

پو هنتون اریزونا توسط این شیوه تعیین کردند که عمر حلقه های یافت شده در سرحد بین کالیفرنیا و نوادا تا ۵۰۰۰ پیش از میلاد می رسد.

ولی دانشمندان عقیده دارند که این شیوه هم دارای اشتباهات است زیرا موجودیت در بن ۱۴ در اتمو سفیر نظریه گذشت زمان کم و بیش میشود. و این هم بسته به تکلف توسعه فضایی ونیرو مندی میدان مغناطیسی زمین می باشد.

شیوه دیگر تعیین عمر موجودات زنده در طبیعت به امینواسید هابستگی دارد. در موجودات زنده به اصطلاح علمی امینواسید ها ((دست چپ)) می باشند و هنگامیکه موجود زنده می میرد به سوی خصلت ((دست راست)) می گرایند. نسبت این دو عملیه عمرش را تعیین می کند. با این شیوه اسکلت هایی که در سان دیاگو کشف شده است حساب گردید عمر هر کدام به ۴۸۰۰۰ سال رسید در حالیکه باستان شناسان عقیده دارند که اولین بار انسان زمانی پایه امریکا گذارده که ننگه بیرنگ بین سایبریا و آلاسکا بهیان نیامده بود که این مدت بین ۲۰ هزار تا ۳۰ هزار سال پیش می رسد. به همین دلیل بسیاری از دانشمندان عقیده دارند که مطالعه با شیوه امینوا سید هنوز در مرحله تجربی قرار دارد.

بانهم شواهدی وجود دارد که آمدن امریکاییان را به این قاره بیشتر از وقت قبول شده نشان می دهد این شواهد در کشف نوی که در دره اوایل جنوب بنیورگ در ایالات متحده صورت گرفته است بدست آمده. در یک مقاره سنگی آنان موفق به کشف افراتکارو زغال های که در یک اجاق سوخته بود گردیدند. این اشیاء پس از مطالعه دقیق معلوم شد که ۱۴۲۲۵ سال عمر داشته و نشان می دهد که در دره اوایل قدیم ترین باشند. اینجگره غربی زند می میگردد. همچنان اجاق آتش دیگر کشف کردند که ۳۰۰۰ سال کهن تر است اگر این تعیین عمر تایید گردد تاریخ قبلی که ۲۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح بود مورد شک قرار می گیرد زیرا دانشمندان عقیده دارند که مهاجرت از سایبریا از طریق ننگه بیرنگ هزاران سال را در بر گرفت.

در بر ون از لایراتوار تعیین نمودن عمر اسبابه شیوه دیگر صورت می گیرد. این شیوه بیشتر در تعیین عمر اشیای سفالی و ظروف گلی بکار می رود و بنام ((حرارت سنجی)) یاد می شود.

با این شیوه از لحظه ای که حرارت در دانش لفظا ورق بزنید



ترس دختران از گپ و سخن مردم

سه‌مگیری دختران در فعالیت های اجتماعی نمایندگی از بسی باکی آنها نمی‌کند دختران به پشتیبانی و تشویق بیشتر مردم احتیاج دارند.

در پروگرام هنری پوهنخی ساینس که در ادیتوریوم پوهنتون برپا شده بود چهره پر درخششی درخششهای موسیقی و نمایشنامه نمایان گشت.

این چهره هنری شیرین کلام با قد بلند و باریک و خوش ترکیبش سخت گیر است و مسحور کننده است معرفی این چهره به خوانندگان محترم ژوند و تشویق بیشتر او به ادامه سه‌مگیری در فعالیت های هنری آینده پوهنتون اساس گفت و شنودی را میسازد که باوی صورت گرفته است.

بروز مو عود پس از معرفی، خودش آهسته و آرام بر چوکی نشست به پاسخ دادن پرسش ها آماده گردید.

خدیجه دختریکه همیشه میکوشد تا بر نمایشنامه ها و کنسرت های پوهنتون سه‌م بگیرد.

کننده است معرفی این چهره به خوانندگان محترم ژوند و تشویق بیشتر او به ادامه سه‌مگیری در فعالیت های هنری آینده پوهنتون اساس گفت و شنودی را میسازد که باوی صورت گرفته است.

بروز مو عود پس از معرفی، خودش آهسته و آرام بر چوکی نشست به پاسخ دادن پرسش ها آماده گردید.

نخست خواستم تا از اشتراک خود در پروگرام های موسیقی و نمایشنامه پوهنخی خود و هم پیروان سه‌مگیری دختران در فعالیت های سودمند اجتماعی گپ بزنند.

به آرامی و متانت گفت: من برای آن در بخشهای موسیقی و نمایش نامه‌ها کولته خود اشتراک کردم تا نصیحت راه ناهموار و دشوار سه‌م گیری فعالانه دختران را به این گونه فعالیت های سودمند اجتماعی هموار سازم و از سوی دیگر تشویق خانواده و علاقه خودم به حیث یک محصل پوهنتون انگیزه بود که بموجب سه‌مگیری من و رونق نمایشات پوهنخی گردید.

پیغله خدیجه پرسش دیگر مرا چنین پاسخ گفت: برای اینکه دختران به آرامی و متانت گفت: من برای آن در بخشهای موسیقی و نمایش نامه‌ها کولته خود اشتراک کردم تا نصیحت راه ناهموار و دشوار سه‌م گیری فعالانه دختران را به این گونه فعالیت های سودمند اجتماعی هموار سازم و از سوی دیگر تشویق خانواده و علاقه خودم به حیث یک محصل پوهنتون انگیزه بود که بموجب سه‌مگیری من و رونق نمایشات پوهنخی گردید.

میگوید: بر گزاری برنامه های هنری در ردیف درس در پوهنتون و مکتبها برای شاگردان بسیار سودمند است چه این کار هم استعداد نهفته جوانان را شکوفان میسازد و هم خستگی درس را ارفع ساخته زمینه تفریح سالمی را برای همه فراهم میسازد.



خدیجه میخواهد تا ترس های که مانع پیشرفت زن است از میان بردارد.



روز ششم نوا مبر بالشوی تیاتر
کا نون بزرگ رقص با لت در شوروی
ازدواج دو هنر مند دنیا ختیه
را اعلام داشت .

نادیزدا پاولو وا هنر پیشه
جوان و مشهور رقص با لت رو ل
عمده رادر بالت «گیسلی» به عهده
داشت. درین نمایشنا مه او لین
بار با پاولووا شخصی حصه داشت
که امروز شریک زندگی او یعنی
چسلاو جور دیف است.

قضیه طور یست که در آن چند روز
قبل از آغاز تمرینات نما یشنا مه
گیسلی در بالشوی تیاتر پاولو وا
با چسلاو جور دیف ر قاصه معروف
تیار که بیست و هفت سال عمر
و در هنر تیا تر هم سیاقه طولانی
رادارا است ازدواج کرد.

مراسم عقد نکاح این دو هنر -
پیشه با استعداد شوروی در یکی از



رو ز ششم نوا مبر پاولووا
عوض تمرین و مشق هنری به پای
میژ عقد نشست و باین صورت،
زندگی نوی را آغاز کرد.

از منابع شوروی

پاولو و ارقاصه مشهور کرد

قصور که برای برگزاری همجو مراسم
در مسکو وجود دارد برپاشد .
پاولو وا قبل از اینکه در رقص
بالت بمقام پروفیسوری نایل آید
به شهرت رسیده و محبوبیت او در
جهان هنر نزد مردم شوروی تا بت
و آشکار بود .
این رقاصه قبل از دریا فست
جایزه ممتاز هنری (گراندریکس)
که از اشتراک در دو مین مسابقات
بین المللی بالت حاصل کرده بود،
سه سال تمام به حیث هنر پیشه،
معروف جای در عالم هنر داشت
او، همیشه به حیث اولین



پاولو و بالشوهرش جور دیف در نمایشنا مه «گیسلی» در
حال رقص بالت .

هابود به‌حیث قهرمان در يك نمایش نامه‌دیگر با لت به نام (دردسر زیاد برای هیچ) کار میکند مو زیك این نمایشنا مه را کمپو زیتور معروف شوروی تایخون کیرنیکوف بعهده دارد . قرار است این نمایشنا مه که در آن هنر مندان مشهوری مصروف کار استند درماه دسامبر برای اولین بار روی پرده بیا یدر به‌نمایش گذاشته شود .

پاولووا دربخش های بسیار حساس نمایش نامه به رقص می پردازد شوهرش یاجسلاوجوردیف مردمو قق این نمایشنا مه است.

• • • • •



۴ - پاولووا و جوردیف بعد از طی مراسم رسمی به تبریکات صمیمانه یکی از دوستان جوب میدهند .



پاولووا در بلشوی تیاتر از طرف تماشاچیان استقبال می‌شود .

مترجم - اوشادی

شوروی از دواج

هنریشه یاد می‌شد و در دنیا ی هنر هنرش تابندگی خاصی داشت بعدا ویسی باولو واکمینی مشهور بنشوی به‌همکاری بر خاست سفری بامریکا کرد در فلم مشترک شوروی، امریکابنام «پرنده آبی» که توسط جورج غفور دایر کت شده بود حصه گرفت چون پاولو واکمینی فلم‌ماهرانه رولش را ایفاء کرد شهرتش آفاقیت گشت و برسر زبانها افتاد . این روزها پاولو واکمینی رهنمایی‌های مرینا سمیونووا که رقاصه نامدار جهان بالت درگذشته



مصر در لابلای قفرها

پیوسته بگذشته

از: حامد نوید

ثبت و حفظ نماید، که این خود ترقی ذهنی بزرگی است در سیر تمدن بشر.

نتیجه عمو می ای که از مطالعه هنر مصر می گیریم عبارت از تحول مادی و معنوی پدیده است که نه تنها تغییر زندگی بشر را از نگاه شکل جوامع و انکشاف و سایل تولید نشان میدهد بلکه نمایانگر گرایش انسان بسوی فلسفه های متکا ملتر و اندیشه های مترقی تر است.

(۱) - به قرار تعریف انسایکلو پیدیا بر تا نیکا و انسایکلو پیدیا امریکا نابین سمبول و علامه چنین فرق کرده می توانیم علامه یا نشانی چیز است که بیا نگر خود باشد و سمبول آنچه مفکوره یا چیز دیگری را بر علاوه خود تشریح بدارد.

دادن مجسمه های ریلیف (نیمه بر جسته) تزئین تعمیرات و بنا لا خره برای هدف عمده تری یعنی نوشتن استفاده می کردند .

خط تصویری (یا هرو گلیف که بنام کاشف آن هنر گلیف باستان شناسان فرانسوی بعد از قادر شدن به خواندن آن در سال ۱۸۴۰ موق شد یاد گردید) سنتیزی

است از قدرت تصویر برداشت انسان از یکطرف و بیانیگری ای سمبولیک هنری از جانب دیگر.

یعنی انسان در هر مرحله مد نیت بر سطح فکری و هنری رسید تا با بکار بردن علایم (۱) در ابتدا و سمبول ها (۲) مفکوره اش را برای انسان های هم عصر محیطش بیان کند و حتی آنرا برای نسل های آینده اش

بهترین مثال مادرین مورد معبد بنی ها شم و پیکر بزرگ سی فینکس است آنچه از نگاه سبک در هنر مجسمه سازی حایز اهمیت می باشد همانا اختلاط عنصر انسانی با حیوانات است و شاید این امر زاده طرز تفکر و عنعنات بین النهرین و شرق میانه بوده باشد . باز هم - بهترین مثال درین مورد مجسمه سی - فینکس کبیر است که سر آن انسان و بدن مجسمه شیر بزرگی در حال نشسته می باشد .

آنچه در مورد هنر نقاشی در مدینیت مصر کهن گفته می توانیم عدم استقبال این هنر است که با وجود تکالیف مفکوره های متنوع تا اندازه تابع هنر مجسمه سازی و مهندسی بوده است . یعنی هنر نقاشی برای مصریان قدیم وسیله بوده که از آن برای شکل

شکل هرم غزه را به خود گرفت ، آنچه برای ما از نگاه سیر انکشاف تمدن در مورد اهرام اهمیت دارد . انکشاف مفکوره های انسانی است که این انکشاف چه از نگاه ساختاری و چه از نگاه هنری حایز اهمیت بوده است . آنچه می توان از مطالعه اهرام دریا فت کرد همانا ارتباط یافتن هنر باریکیات و انجنیری ساختاری است که خود سطح انکشاف فکری مصریان قدیم را نشان میدهد .

طوری که در گذشته گفتم هنر مصر بصورت یک کل شکل اختلاط یافته هنر های مهندسی مجسمه سازی و نقاشی است چنانچه هنر مجسمه سازی در مصر باستان شکل تعمیراتی را به خود گرفت و

خصوصیات هنری مدنیت های شرق میانه و آسیای مرکزی هزاره سوم و دوم قبل از میلاد مسیح



مجسمه ریلیف یانیمه بر چسته ایکه
مربوط به فتح «نارام سین» فرما نروا ی
بین النهرین بر آسیای صغیر است (۲۳۰۰
ق م) موزه لوور فرانسه



مجسمه اشرف زاده سو مر- (۲۷۰۰ ق م)
این مجسمه که از سنگ آهک تراش و
جسمهای آن بالاچورد تزئین یافته است
۹ اینج ارتفاع دارد و از جمله آثار قیمت
دار موزیم پوهنتون پنسلوانیا اضلاع
متحدہ به شما د می رود •

حتی تشانه های موجود است که
روابط تجارتی بین مردمان بین النهرین
و اهالی وادی اندوس موجود بوده
بقیه در صفحه ۶۲

سج هزار سال پیش از امروز که دارند سابقه خوب و تجارب زیادی همزمان با آغاز مدنیت مصر شالوده
مدنیت های دیگری جهان کهن، چون بین النهرین، وادی ای اندوس و سواحلی غربی
آسیای صغیر (مدنیت بحیره اژه) پیریزی گردید. که ارزشهای فرهنگی آن تا زمانهای مدیدی در
کرکر بخشیدن مدنیت های مابعدی نقش ارزنده داشته است. این دایره های مدنیت بر خلاف تمدن مصر
محدود بخود نبوده بلکه تماس های فرهنگی ای بین شان موجود بوده است. مخصوصاً مدنیت بحیره اژه
که آنرا میتوان به منزله پلی خواند، عبور دهنده ارزش های هنری و فرهنگی شرق به جهان هلنسینیک
سال دومی درین مورد مدنیتی است که در وادی ارغنداب در هزاره سوم و دوم ق. م. به ظهور رسید. شواهد تاریخی
ایکه از مندیک شمال قندهار در اثر حفاریات سال بدست آمده گواه تماس کلتوری بین تمدن وادی اندوس
و تهذیب سو مری است که به نام مدنیت اندو سو مری بین باستان شناسان معروف میباشد. حفاریات
باستان شناسی سال های اخیر که اکثراً در افغانستان صورت گرفته ثابت ساخت که ارتباط و نزدیکی
های بین انسانهای این منطقه جهان حتی در دوره نیولیتیک (سنگ جدید) موجود بوده است.
البته ظهور مدنیت چین در هزاره دوم ق. م. (حوالی ۱۵۰۰ ق. م.) با مدنیت بین النهرین تماس مستقیمی
نداشته است اما تأثیر آن بسالای مدنیت های آسیای مرکزی در قرون مابعدی مشاهده شده میتواند
به هر حال هدف عمده این ارزیابی بر رسی ای تماس فرهنگی بین بدیده های هنری مدنیت های
کهن شرق است.

مشاهده می رسد. عقاید مذهبی،
نقش فرمانروا و طرز زندگی
مقاوت علت دو می این اختلاف بوده
است.
باوجود آنکه اقوام مختلفی با عقاید
مقاوت در بین النهرین قدیم می-
زیستند و نمی توان تأثیر عقاید
مذهبی هر کدام آنرا درین بر رسی ای
مختصر بالای هنر بین النهرین-
تشریح کرد اما با آنهم به جرئت
میتوان گفت که احوالی بین النهرین
از نگاه عقیده در یک بن بست فکری
مقاوت از مصریان قرار داشته اند.
اعتقاد بزندگی ای بعد از مرگ
باشد تیکه در بین مصریان قدیم شیوع
داشت نزد باشندگان بین النهرین
موجود نبوده است. سومری ها
واکاد ها باشندگان اولی بین النهرین
اعتقاد به ارباب انواعی داشتند که
مدنیت.

طرز زندگی مردمان بین النهرین
قدیم نیز به موجودیت اهالی شهر
نشین بادیه نشین عبرانی های
مهاجرت پیشه و اهالی کو هستان
چون آسوری ها مقاوت از مردمان
مصر باستان بوده است. بر علاوه
اهالی بین النهرین باستان مردمان
تجارت پیشه و بر تحرکی بوده اند

مدنیت بین النهرین:
چهار هزار سال پیش از میلاد
مسیح اقوام سومری واکاد در نقطه
تماس دو رود دجله و فرات اساس
مدنیتی را گذاشتند که سیستم
اقتصادی آن بالای زراعت استوار
بوده و میتوان آنرا شکل پیش رفته
نر طرز زندگی دوره سنگ جدید
خواند. این دایره مدنیت کوچک
با ورود اقوام دیگر چون سامی ها،
کلدانی ها، هیتی ها، عبرانی ها،
آسوری ها، هخامنشی ها، پارتها،
فارس ها، سلووشی ها، ساسانی ها
وبالا خره اعراب مسلمان، بزرگتر
گردید و در دوره های مختلف سیر
تکامل تدریجی خود اشکال مختلفی
را بخود گرفت. از همین روست که
برخلاف مدنیت مصر شیوه های
هنری تخلفی در بین النهرین به



سر زخمی ۶۵۰ ق م موزیم بر تانیه

تیم منتخبه فوتبال بوطن برگشت



روسای تیم های اسرائیل کننده مسابقات را تماشا می کنند .

همیشه شکایت از نبودن ترینر از طرف اعضای تیم بالا می شد و لی بسیاری از مسئولان به آن و قعی نمی گذاشتند و بجواب می گفتند که محل تمرین است یک نفر ترینر داخلی است ، غذای خوب و لباس وسامان و وسایل ... و غیره همه بدسترس آنها گذاشته شده پس چرا آنها از حالت اولی خویش خود را نمی کشند ؟ در حالیکه دیده شد رول عمده را ترینر خوب دارد . تیم ما که در گذشته ترینر نداشت اکنون با داشتن خو بنترین و پر آوازه ترین ترینر در طرف چند هفته توانسته خود را بجای یسی برساند که به آینده اش د یکران را متیقن سازد .

از یناغلی عثمانی پر سیدم : چه چیز بهتر در تیم فوتبال دیدید و در کدام خط بهترین ورزشکاران را داشتید ؟ که بجواب گفت :

از همه مهمتر سیستم جدیدی که بنام ۸ یاد میشود در میان تیم ما مخصوصا در لحظات حمله بخوبی نمایان میشد همچنان ورزشکاران ما قادر بودند در هر لحظه که خواسته باشند بدون آنکه سنگینی در کارشان دیده شود می توانستند رنگ و رخ میدان را تغییر دهند و بازی را بسط دهند .

از همین رو باوجود آنکه بحار ورزشکاران مادر همچو مسابقه حسنی کم بود تیم مقابل نمی توانست بر ما نفوذ کند . ما در هر حمله بعضی حمله سه دفاع را در دفاع مشخص خوب داشتیم و لی از دفاع به دفاع آورده اند که حمله را می توانستیم در هر لحظه از آن دفاع به دفاع دیگران را می توانستیم

تیم فوتبال افغانی که شما نرده روز را در کشور عراق سیری نمودند بعد از انجام يك سلسله مسابقات و گرفتن نتایج قناعت بخش بوطن برگشتند .

ممکن است در ذهن بسیاری از شما این کلمه که قناعت بخش میگوئیم عجیب آید زیرا برای مسابقات فاینل انتخاب نکردیم ولی وقتی بازی ورزشکاران خویش را با مقایسه با بازی های که در کشور کویت و یا کشورهای دیگر و یا در کابل بمقابل تیم های خارجی انجام میدادند مقایسه کنیم نه تنها کار آنها را قناعت بخش میخوانیم بلکه آنها را عالی هم میگوئیم زیرا تیم هائیکه در مقابل تیم ما قرار داشتند از جمله تیم های بیست که در آسیا نام دارند از آن جمله تیم کشور عراق و عربستان سعودیست که نه تنها سابقه خوب و تجارب زیادی را دارا هستند بلکه بهترین ترینر را هم با خود دارند ، در گذشته

های داشته باشند و هم با توجه که در مورد آنها میشود نتیجه بدست آورد و نامی نصیب تیم فوتبال ما گردد .

افغانستان که در ده سال گذشته همه مسابقات جام آسیایی را بی نصیب بود یعنی در ده دور گذشته از حق خویش استفاده ننموده بودند امسال با استفاده از حق العضویت اسم خویش را در میان گروپ دوم که در کشور عراق با بیست جمع میشدند یافت ورزشکاران خود را گسیل داشت تا بروند و مسابقه دهند تا با شد راهی را که در آینده باید بپیمایند از هم اکنون بروی خویش هموار نمایند .

یناغلی زین العابدین عثمانی رئیس هیات افغانی در جام آسیایی را در حالیکه به اصطلاح گورد سفراز سروویش نریخته بود در اتاق کارش ملاقات کردم و از چگونگی مسابقات پرس و پالی نمودم که بجواب گفت

تیم منتخبه فوتبال که چند قبل برای اشتراک در مسابقات جام آسیایی به عراق رفته بود روز پنجمینبه گذشته دوباره بکابل رسیدند .

قبل از آنکه خوانندگان از جمند علامند ورزش را در جریان صحبت با یناغلی عثمانی رئیس هیات افغانی در مسابقات بگذارم باید علاوه کنم که جام آسیایی که از نامیس آن بیش از ده سال می گذرد افغانستان برای اولین بار دران اشتراک و در یکی از دور مسابقات آن ورزشکاران خویش را فرستاد تا از یکطرف در میان ورزشکاران آسیایی ورزشکاران ما هم حصه داشته و از جانبی تیم فوتبال ما که روزگاری ازسویه محلی خویش قدم به نگاهی داشته و مسابقاتی جز با چند کشور دوستانه با دیگران انجام نداده بودند بایک عده کشور های آسیایی انجام دهند تا هم اندوخته



لحظه پر از هیجان که رحمت الله با برادرش یکجا از دروازه تیم خویش دفاع می کند .

تعداد اعضای تیم افزودی بعمل آید آنها رخ ندهد تا تیم فو تبال ما یعنی از ۱۸ به ۳۰ ارتقا یابند و از آن یکطرف همیشه آماده باشند با شندی جانبی کوشش ز یادی بعمل خواهد و از جا نبی استفاده خوب از بهترین آمد تا هیچ سکتگی در تمرینات تریتری که در خدمت دارند بنمایند.



این سه عکس نمایانگر مسابقات در بغداد است که ورزشکاران ما تیم های عربی مقابل شدند.

دو دور به سیستم لیک انجام شد که در دور اول به اساس قرعه به روز ۲۱ نوامبر قطر مقابل عراق و افغانستان مقابل عربستان سعودی به مسابقه پرداختند که در نتیجه عراق دو مقابل صفر بر قطر و عربستان سعودی دو مقابل صفر بر ما غالب گردید درین مسابقه گول اول در دقیقه چهارم و گول دوم در دقیقه هشتادم مسابقه داخل دروازه تیم ما شد.

در روز ۲۳ نوامبر عربستان سعودی با قطر و افغانستان با عراق مسابقه را انجام دادند که در نتیجه عربستان سعودی صفر مقابل یک نیم بازی را برای قطر باخت و عراق دو مقابل یک بر افغانستان غالب گردید.

در روز ۲۵ نوامبر افغانستان با قطر و عربستان سعودی با عراق مقابل گردیدند که قطر ۲ مقابل یک بر افغانستان غالب و عراق و عربستان یک مقابل یک با هم مساوی گردیدند دور دوم مسابقات که از ۲۸ نوامبر الی دوم اکتوبر دوام داشت دو مسابقه اول عربستان سعودی ۳ مقابل یک بر افغانستان و عراق ۳ مقابل صفر بر قطر غالب و همچنان عربستان ۲ مقابل یک بر قطر غالب و عراق ۲ مقابل یک بر افغانستان غالب گردیدند و افغانستان و قطر یک با هم مساوی گردیده عراق بر عربستان سعودی ۲ مقابل یک غالب گردید.

درین مسابقات باید از بازی نباغلی رحمت الله فول بیک خیلی بتو صیف یاد آور شد و از اسمعیل فرید، زمان عثمان، کریم کریمی، فاروق صدیق، یاسین، احمدشاه و صابر و سعدالله هم یاد آوری کرد.

در دوران مسابقات رحمت الله، زمان، فاروق، اسد و اسمعیل اندکی جراحت برداشتند و دیگران سالم از میدان بدر شدند.

در اخیر از نباغلی عثمانی پرسیدم که آیا باز هم تا آمدن کدام تور و یا مسابقات داخلی فوتبالیست های ما بخواب خواهند رفت یا چطور؟ به جواب گفت: نه، اینبار چنین نخواهد بود زیرا در نظر است از یکطرف بر

اینبار باز روی سختم را بطرف بازی های جام آسیایی گشتا نده و از نباغلی عثمانی پرسیدم که مسابقات به چه اساس دایر شد؟ که بجواب گفت:

مسابقات جام آسیایی که به اشتراك اكثر کشور های آسیا در ۴ شهر باید دایر میشد اما نسبت معاذیری نتوانستند آنطور ریکه پروگرام ترتیب شده بود عمل شود زیرا گروپ اول که متشکل از کشور های ایران، بحرین، کویت، لبنان، پاکستان، سوریه و یمن بود در طهران مسابقاتی را انجام دادند که در نتیجه ایران مقام اول و بحرین مقام دوم را حاصل و هر دو حق اشتراك را در مسابقات فاینال در طهران بدست آوردند.

در گروپ دوم که متشکل از تیم های کشور های افغانستان، عراق، بنگله دیش، هند، نیپال، قطر عربستان سعودی و اردن بودند چهار کشور یعنی هند و نیپال و بنگله دیش و اردن دران اشتراك نورزیده و مسابقه بیکه بین چهار نیم اشتراك کننده انجام شد در دور به سیستم لیک بود که در نتیجه عراق مقام اول و عربستان سعودی مقام دوم را نصیب گردیدند گروپ سوم در کشورهای، بورینو، برما، هانگ کانگ، اندونیزیا، مالیزیا، سنگاپور، سریلانکا و تایلند تشکیل میدادند در شهر بیروت باید دایر میشد که آنهم نسبت بحران های داخلی لبنان دایر نشد.

گروپ چهارم که متشکل از کشور های چین، اسرائیل، جابان، کمر، کوریا، جنوبی، لاوس، فلیپین و ویتنام جنوبی بود که مرکز مسابقات آنها را هانگ کانگ تعیین نموده بودند ولی آنهم دایر نگردید که بالاخره بعد از معلوم شدن قهرمانان هر گروپ مسابقات طهران به اشتراك هشت تیم یعنی اول و دوم هر چهار گروپ در ماه جولای سال آینده دایر خواهد شد.

در مورد مسابقات عراق از نباغلی عثمانی اندک بیشتر مطالب معلوم شد که چنین توضیح نمود:

طوری که گفتم مسابقات در

میکنید، خواهیم دید که چه واقع
میسود.

حیره هو نمند «با روس»
در حسید:

— در باره بیوری چه؟ یعنی شما
در باره اصول کار به ما در سن نظری
بخواهید داد؟

آقای کوین گفت:

— لعب بر نیو ریها! بار و س
به خاطر دا شنه باش بهترین راه
آه وحس آب بازی، داخل شدن در
آب است. میدانید که شخصیت
و سه نفر داو طلب این کورس
بودند. شما میدانید که من فقط دو
یاسه نفر میخواهم. برای اینکه
بیشتر ازین عدد مرا با تا کامی رویه
رو میساخت. من، کرین را انتخاب
کردم زیرا احساس میکنم که دا رای
یک مغز تحلیل گر است. با روس را
انتخاب کردم، زیرا گذشته بسیار
عالی تحصیلی دارد. این شد یک
دسته بسیار عالی.

در مرد جوان سرخ شدند و آقای
کوین ادامه داد:

— ولی تا آنجا به شما، دو شیزه
ایکتروپ، مربوط است، شما خودتان
خویشتن را انتخاب کردید که
عواقب این کار را باید قبول کنید.
ولی به خاطر دا شنه باشید به
مجردی که اولین نشانه غبی بود
در شما دیده شود، اخراج خواهی
شد.

دختر جوان گفت:

— یک فرد خانوادہ اکتروپ هرگز
غبی نیست!

آقای کوین گفت:

— امیدوارم همینطور باشد.
صادقانه امیدوارم که همینطور
باشد... ولی در مورد قضیه بی که
روی آن کار خواهیم کرد، باید
بگویم: چند لحظه پیش از آنکه به
طرف بو هنتون بیایم، به دفتر
بو لیس گزارشی رسید. این
گزارش حاکی از آن است که در این کار را نکنید. و دیگر اینکه به

حوزه نیا تری شهر قتل را خداده
است. قربانی مردیست به نام
«اسپارگو» بعدا در یافتیم که این
حادثه خیلی عجیب است. من از
بدرم، یعنی کار آگاه «کوین» که
شما او را میشناسید، خواهش
کردم. محل حادثه را همچنان
دست نخورده نگه دارند. ما باید
همین حالا به آنجا برویم.

باروس هیجا زده فریاد زد:

— چه عجیب! رو به رو شد
بایک جنایت! آقای کوین، ما را
اجازه خواهند داد که به آنجا داخل
شویم؟

— البته. من برای شما دو نفر
کارت بو لیس، شبیه کارت خودم،
گرفته ام. برای شما دو شیزه
ایکتروپ، بعدا خواهیم گرفت...
بگذارید برای همه تان بگویم که
ما با چیزی را از محل حادثه با خود
ببرید. حداقل بدون مشورت و من
گزارش حاکی از آن است که در این کار را نکنید. و دیگر اینکه به

هیچ وجه به خودتان اجازه ندهید
که با خبر نگاران صحبت نمایید.
دو شیزه اکتروپ اند یשמندانہ
گفت:

— یک قتل!

آقای کوین گفت:

— این برای شما یک قضیه
امتحان نیست. من میخواهم بفهمم
که مغزهای شما هنگام برخورد
بایک حادثه واقعی چگونه عمل
میکند... دو شیزه اکتروپ، شما
کلاه یا چیزی شبیه آن دارید؟

— برای چه؟

— خوب شما بدینصورت به
آنجا داخل شده میتوانید.

دختر جوان گفت:

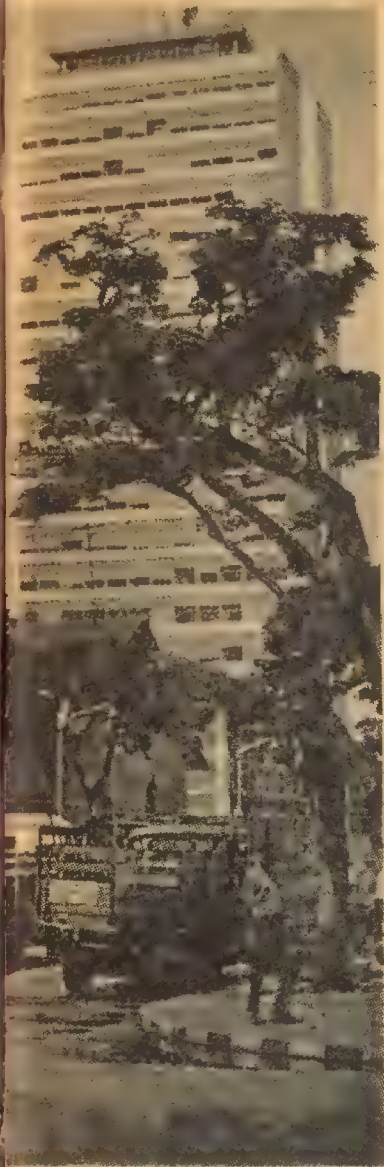
— در الماری خودم دارم. فوراً
می آورمش.

آقای کوین کلاهش را به سر
گذاشت و گفت:

(باقی دارد)



تازه ترین جمهوری بر اعظم آفریقا انگولا



یکی از چاده های زیبای شهر انگولا

زیست میکنند اژسایر پارکهای جهان تمیز داد نه تنها حیواناتی از قبیل شیر، پلنگ، کرگدن، زرافه و غیره بلکه میتوان با حیواناتی برخورد که در سایر نقاط جهان نظیر آن کمتر دیده میشود که در میان آنها از آهوان اوریکس، گورخر آفریقا، روبای دیلاندا و همچنین انواع کفتار نامبر که حیوانات مخصوص جزایر انگولا میباشد همچنین از رهگذر نباتات و بوتانیک بارکها و جنگلات انگولانی میباشد. پارک (جون) ساحه بزرگی دارد وادبیا، سنگلاخها و حتی مناطق صحرایی نزدیک شهر سامبدیش در بر گرفته که از شهر مذکور الی پورتوالک ندای جاده اسفلت شده ای امتداد دارد. پارک بعد از علاقه صحرایی کنارداری کوروار موقعیت حاصل نموده است. ساحه ریزرف این پارک از چند هزار کیلومتر مجاوز بقیه در صفحه ۵۱

خود را از زیر بار این همه خرافات رهایی بخشیده اند انتخاب شوهر را بدخواه خویش مینمایند همچنین چند زن (پایگالی) ای که هنوز هم در قبایل گنگو یل مروج است کنار گذاشته اند. فاصله ۲۵ کیلومتری از ویلا سرپانتو بسوی کوانگار محل کارهای شافه مسومبو فرادارد این فرقه ایست برای زندانیان از آزادخواه انگولا که بر علاوه جیبه آزادخواه جانی و مرتکبین سیاسی نیز در همانجا حبس میوند آنها بکار های مشکل معادن، سرک سازی و کانالهای آبیاری منجبت کلکار، باغبان و غیره اهل کسبه بکار گماشته میشوند در مقابل علاوه بر اینکه غذای درست و کافی برای آنها نمیرسد ذبح و شکنجه از هر طرف بسر و روی ایشان میارند. زندگی برای آنها بی ارزش بوده از هیچگونه خرابکاری دریغ نمیکردند. تعداد زندانیان در این محبس به ۷۰۰ نفر میرسید آنها دایما به اعتصابات دست زده بخرابکاری محبس، قتل پاسبان، گرسنگی و غیره مبادرت میوزیدند.

در جهان فونابارکهای ملی کتب و راپورتاژ های دلچسبی از طرف علمای بزرگ و برجسته جهان نوشته شده کمیته های معروف فلمبرداری فوتو و فلم های مستند برداشته و خدمات شایانی را در جهان علم و هنر انجام داده اند. پارکهای ملی بزرگ و عجیبی را در جهان برخورد که هر کدام بثوبه خود حایز اهمیت خاصی میباشند در بر اعظم بزرگ و تاریک آفریقا که دارای بزرگترین دریاها و جنگلات جهان میباشد بهترین این نوع پارکها را مشاهده کرد و همه راجع به پارکهای ملی سرینگی، نوگور، نوگرو، امبوسیلا و غیره پارکهای ملی آفریقا آشنایی دارند ولی در پهلوی این جاهای معروف اکثر از طرف توریست ها جاهای کشف و مشاهده شده است که آنقدر ها معروف نبوده ولی بعد ها ارزش آن زبانزد همه گردیده است منجمله (جون) پارک ملی جنوب غربی انگولا است که میتوان آنرا از جمله عجایب جهان معرفی کرد که از رهگذر مناظر طبیعی و حیواناتیکه در آنجا

و در موقع مساعد بمجرد ریختن برفی زمین سرانوزمو و آهسته آهسته غلو میشوند این درختان یگانه منع محروقاتی و تعمیراتی نیکو های این نواحی محسوب میشود. با آنکه جبر های آنها پهلوی هم قرار دارند ولی دوازده چوبی بزرگی دخول این قصبه را نشان میدهد و در بالای دوازده شاخهای گا و و جمجمه حیوانات نصب است که نمایندگی از عظمت دیرینه مردم آنجا میکند در هر چوبی معمولیک فامیل حیات بسر میرد.

آدم تازه و او در مجرد عبور از دوازده عمومی از طرف یک عده اطفال برهنه احاطه میشوند نشود و عهله شادی و تعجب آنها تماما ساکنین قصبه را با خبر ساخته مخصوصا کهن سالانیکه در مقابل چوبی با پایپ خود مشغول دود کردن گیاه (تباکو) میباشد اولتر از همه متوجه تازه وارد میشود سپس ریچدار (کلانتر قبیل) جلوه آمده ورود تازه وارد و انیک خواننده استقبال گرم میکند در عقب آن پیرامون قبیل صف بسته هر کدام اشتیاق خاصی به سیاح پیدا کرده تاهرحه زود تر علت آمدن وی را در قبیله جویا شود. اهالی دارای اندام قوی، دندانهای سالم و قد رسای اند یگانه. امراضی که در میان قبایل بومی انگولا شیوع است بصورت عموم ملاریا و تاناندا سل میباشند. اطفال بصورت عموم برهنه بوده و از صحت کامل بهره مند نیستند هر دختر در انگولا و در تعلیمات ابتدایی خویش اولتر از همه زبان یرنگالی را فراگیرد بعد در امور اجتماعی لازمست نایخت و بز ادویایی را بدرستی نداند. سنین ۱۴-۱۵ سالگی ازدواج کنند. که سن آخرین ازدواج برای آنها ۱۷ سالگی میباشد اگر از این سن عبور نمود برای ابد تنها خواهد ماند در حال حاضر دوشیزگان گردن نواحی انگولا با آنکه سنین شان کمتر و یا اینکه بالغ نشده باشند با مردان بخته سن ازدواج میکنند زیرا عادات و عمنفات این سرزمین حین حکم میکند تا شوهر کم از کم دو چند زن عمر داشته باشد زیرا شوهر اینکس دادای سنین خیلی زیاد ازدواج میکنند تا از پرداخت های مقدار پول رهایی یابند ولی در این تازگی هادختران انگولا بیدار شده و آهسته آهسته

اولین مسافری در ناحیه (کوچی) فاصله ۹ کیلومتر از پایتخت این ولایت قدم گذاشت فوق العاده دلچسپ بود. سرک درگرا نة حوالی ادامه داشته و بکلی خالی از انسان بود که در هر یک کیلومتر مربع آن ۴ نفر حیات بسر می برد منظره آن بصورت عمومی خشک بوده و یاکمی از جنگلات، شعاع آفتاب از میان درختان تابیده رنگهایی دلکشی را در فضا تولید میکند. (کوچی) قریه کوچکی از بهترین نمونه قریه جات انگولا است که میتوان در آن اهالی اصل و حیات ابتدایی این سرزمین را دریافت که دارای چند خانه بوده مقصد مسافرت سیاح مذکور ۶۰ کیلو متر به سسوی جنوب طی مسافه چندی آهسته آهسته چوبی حقیقی اهالی آنجا از دور نمایان شده از گیاه ها و سناخه های نباتات سوانایی بشکل مخروطی ساخته شده بود که بکلی طرز زندگی و حیات انسانهای اولی را بخود داشت یک عده دریا های خرد و پارکی اطراف این قریه را احاطه کرده که باعث سرسبزی نواحی آن میگردد. در وادیهای آن نیکو های این منطقه صرف در موقع مذکور بزراعت پرداخته که یک اندازه حاصلات قلیل از آن بدست می آورند زیرا آب بوقت مساعد بمزارع نمیرسد. باران بصورت غیرعادی و بی موقع میباشد برای بهتر ساختن وضع زراعتی پلانهای مدنظر است تا بآب در مواقع اش ذریعه کانالها بمزارع رسانید ولی متاسفانه حیات اولیه و بی بضاعتی نیکو ها علت عقب ماندگی این پلانها گردیده است.

لیسانینگ، کوچی و غیره از علاقه جات خیلی دلچسپ بوده نیکو ها معمولا از یک محل بمحل دیگری بسرعت نقل مکان نموده طرز زندگی خود را تغییر میدهند از همین جهت است که جای رهایش خویش را از گل و شاخه های نباتات میسازند تا در ترانسپورت آسان شود. چهرهای آنها پهلوی هم شکل دایروی در میان درختان بلندی چیده شده که بالای زمین بلند و تپه مانند قریه مذکور تشکیل یافته این درختان که بهم نزدیک و تقریبا غلو میباشند از نوع درختان سوانا بوده بنام ملما یاد میشود که دارای تخم مخصوص بوده

گام تازه در جهت پیروزی زنان کارگر

به مناسبت سال بین المللی زن

نوشته: راحله راسخ

آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین در بدترین شرایط زیست نموده و حتی در اوضاع و احوال قرون وسطی در مغازه ها، بیفوله ها در دشت های گرم و سوزان و یخبندان بسر می برند، زنان بر علاوه محیط نامساعد زندگی، تحت استیلا و ستم، سیستم های کهنه اجتماعی و اسارت مردان، روزگاری را سپری می نمایند.

درین سلسله آنچه مهم و ارزشمند محسوب می شود همگونی و هماهنگی، شناسایی حق زنان و خود آگاهی زنان است که در عرصه سال بین المللی زن بوجه نیکویی ایجاد شده و مبره های زنجر وحدت و نزدیکی زنان را بسوی جهانی باهم وصل می نماید. زیرا در طی همین سال از راه تدویر و ایراد کنفرانسها، کنگره های جهانی باهم تبادل افکار نموده و از وضع یکدیگر اطلاع حاصل نمودند که در آنیه نهضت زنان حتما مورد استفاده شایانی قرار خواهد گرفت.

در کشور عزیز ما افغانستان نیز درین سال کار هایی به نفع زن صورت گرفت که در آینده روی آن صحبت خواهیم نمود، ولی آنچه در پی می آید نویدیست از تصمیم دولت جمهوری افغانستان درین باره که: ازین به بعد زنان کارگر مؤسسات و فابریکه های دولتی و خصوصی از طرف شب به کار نبردازند و این خود پیروزی است به نفع زنان زحمتکش و کارگر خطه باستانی ما که با زحمات همیشگی شان در عصب ماشین ها و کارگاه های مختلفه، از هیچ نوع فداکاری در امان نماندند و دانی وطن دریغ نموده اند.

تا جاییکه همگان بر آن اعتراف

سال بین المللی زن آخرین روز هایش را سپری می نماید در طول این سال تصاویم و تصاویمی به نفع زنان رویدست گرفته شد که در مقطع تحلیل و تجزیه زمانی به سویه ملی و بین المللی ارزشمند به حساب آمده که در بعد زمان طولانی طی شده چنین پیروزی هایی را که در یکسال نصیب شده اند هرگز بدست نیاورده بودند.

از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کره ارض درین سال آواز آزادی خواهی و آزادی زنان حنان دوبا لاشده بود که به یقین این يك آغاز منظم و منسجم مبارزه، مجادله و حق خواهی زنان را در آینده می رساند زیرا تا آنجائیکه اوضاع و احوال کنونی و زندگانی متفاوت زنان در قاره های جهان می نمایند برای زنان مبارز و آزادی طلب فضای وسیع و میدان های گسترده ای پیکار و جدل علیه حق تلفی ها، تعدی، ظلم و ستمی در میان است که از زمانه های گذشته و قرون متعادی سخن می گوید و ریشه دیرینه دارد.

مطالعه و مروری کسا له اخبار، جراید، مجلات و سایر وسایل تبلیغاتی دیگر نمایانگر حقیقت مبرهن و روشنی است که امروز، زنان اکثریت کشورهای جهان و بخصوص کشورهای عقب نگه داشته شده

دارند و هم تاریخ زندگی مردم ما بازگو کننده آنست، زنان وطن ما دوشا دوش مردان در همه امور زندگانی به کار پرداخته و با قبولی همه تکالیف، رنج ها و مشکلات و طایف محوله رابه شایستگی انجام داده و ضمنا به امور خانه و خانواده نیز رسیدگی نموده و هرگز گردو غبار و خستگی کار در بیرون از منزل مانع ترتیب و تنظیم کار های خانوادگی و ترتیب اطفال ایشان نشده بلکه با سلیقه قابل وصفی در چار دیوار منزل غرض آسودگی اعضای فامیل کوشیده اند.

طور مثال زنان قالیین باف گوشه و کنار وطن مادر حالیکه به تناسب يك شبانه روز اکثرا گره می زنند و با خون دل و سر انگشتان قالیین های رنگین و مرغوب را عرضه و به افتخار وطن و وطنداران می افزایند، به امور خانوادگی یعنی تهیه و پخت و پز غذا، تربیه اولاد، دوخت البسه و ده ها کار متفرقه دیگر مشغول اند که مردان درین سر زمین در حصره انجام آن با زنان همکاری ندارند.

زندگانی دهقانان، کوچی ها، خیاطان و کارگران زن و معلمات و غیره در اکثر ممالك جهان همان گونه که گفته آمد سپری می گردد، یعنی همانگونه که در کشت و کار زمین و یا دیگر امور با مردان یکجا تلاش می ورزند کار های خانوادگی را نیز صبورانه ماهرانه متحمل می شوند.

البته نایافته نباید گذاشت که در کشورهای پیشرفته و متمدنی جهان تا آنجا های که تفاوت ها و افراط و

تفریط زندگی به تاریخ گذشته تعلق می گیرد می رود که مردان نیز در امور خانوادگی همانطور که زنان در کارهای اجتماعی با ایشان همراه و همباز اند، در خانواده معا و و مددگار زنان باشند.

آنچه درین بحث قابل یاد آوری و ضروری جلوه می نماید اینست که نباید چنین نتیجه گیری صورت گیرد که زندگانی زنان همه اطراف و اکناف جهان بدون تفاوت و اختلاف سویه سپری میگردد، زیرا وضع اجتماعی جوامع بشری چنان نامگون و متفاوت است که نمی شود، آسیا را با اروپا و آمریکا را با آفریقا مقایسه نمود و همینطور زندگی زنان را در سایر ممالك جهان تصور نمود.

باز درك مطالب فوق و حساب درست از مصروفیت های زنان و بخصوص زنان کارگر در وطن ماست که مجلس عالی و وزرا منع و استخدام و اشتغال کار شبانه زنان را در کار خانجات و مؤسسات صنعتی دولتی و خصوصی تصویب نموده است که در راه فراهم ساختن تسهیلات در زندگی زنان می توانند يك اقدام نیک به نفع زنان کارگر باشد.

البته قرار اطلاع مدیریت عمومی کار و کارگر در همه ساحه ها تصویب فوق را مرعی خواهند داشت.

در اخیر باید گفت که زنان جمهوریت افغانستان و خصوصاً زنان کارگر مؤسسات و کارخانجات ازین اقدام و تصمیم استقبال نموده و در جریان برگزاری سال بین المللی زنان ابتکار را بیروزی مهمی بحساب می آورند.

زنده باد افغانستان

پاینده باد جمهوریت

پیروز باد نهضت زنان

په پښتو ادب کېښی د تاریخي پېښو انعکاس

څلورمه برخه

په دغه حالت کېښی میر ویس نیکه ظهور کوی په گند هار کېښی فعالیت او مبارزه کوی اود مشر توب واگی په لاس نیسی ۱۱۲۱ هـ

دده د کورنی دواکمنی په وخت پښتو ژبی اودب تر ټی ته خورا ډیره نوچه کیږی او ښه لیکوال او شاعران میدان ته راځی.

ددی دوری سترو مشهور لیکوال محمد هوتک دپتی خزانی مولف دی چه نوموړی دغه کتاب د شاه حسین هوتک په وینا لیکلی دی اود لرغونو ۴۹ تنو شاعرانو تذکره ده چه ددی تذکرې له مخه مونږ ته ډیر په زړه پوری معلومات را رسیدلی اودهغو په لړۍ کی غوره حماسی شعرو نه هم موجوددی ددی کتاب دتاء لیک کار به ۱۱۴۳ هـ کېښی پای ته رسیدلی دی.

میرمن زینب د شاه حسین خور اود میرویس نیکه لور پوهه اوداښه ښځه بیره شویده اود خپل ورور شاه محمود په مرگ مشهوره ویرنه تری پاتی ده چه له پښتنی حماسی نه چه ده.

ریدی خان مومند دمیر ویس نیکه اوشاه محمود دجگړو په باره کېښی په پښتو نظم یو کتاب لیکلی دی چه (محمود نامه) نومیږی.

په ۱۱۶۰ هـ ق احمد شاه بابا په کند هار کېښی د افغانستان د سلطنت تاج په سروی.

دهیواد دخاوری تمامیت اودافغانی قبایلو و اقوامو اودمختلفو سیمو اوسیدونکو ته رمنځ دملی وحدت ټینګولو ته نوچه کوی.

دهند دمرکزی حکو متونو په پښتیا نی یی جنګونه او جګړی کولی.

نوریا

۱- پدی د باره کېښی و گوزی عبدالله بختانی خدمتګار دخو شحال اواقبال دشعر مشر کی خوا وی ننگیالی پښتو ۱۳۴۵ هـ ش چاپ.

ژوندون

دهماغه حکو مت به مقابل کېښی به حک او جگړو کېښی بیره شوه. دی دپښتو ستر شاعر اولیکوال یعنی دثوری او قلم خاوند و. ددغو ټولو پښتو جنګو نو او جگړو حالات یی په خپلو شعرو نو کېښی انځور کړی دی او په یوازې خان یی دپښتو حماسی شعر تڼه ډیره تر قی ور کړیده.

که نورو حماسه ویو نکو شاعرانو دجبل وخت دواکمنانو مشرانو او داولسی قهر مانانو دستاینی په برخ کېښی خپل حماسی آثار لیکلی دی او یا فو لکلوری حماسی داستانه نوته یی منظم او منظم کړی اوستر ادبی شهکارونه یی ایجاد کړیدی. مگر خو شحال خان پخپله خان مرد میدان دجنګو نو او جگړو قهرمان و دخو شحال خان به کورنی کېښی زیات شمیر قوی اویاچه شاعران پیدا شویدی دخو شحال خان شعر حماسی مضمون اوس لاهم دشاعرانو د تقلید او پیروی وړدی.

یوازی دپښتو شاعرانو نه بلکه دنورو ژبو شاعرانو هم تری الهام اخستی دی او خپل حماسی مضمون یی پری قوی کړیدی.

دمنال په توګه دچاکر اقبال په شعر کېښی دده دادبی سمبولونو او حماسی روحی زیات انعکاس موندلی شو (۱) دخوشحال اودهغه کورنی ادبی آثار دپښتو ادب دپاره دویا ته چه ذخیره ده چه له ښه مرغه ډیره برخه یی موجوده ده.

دشیخ ملی او بایزید روښان ملی مبارزو اود خوشحال خان حماسی شعرونه او فعالیتونو په ټوله پښتو نځوا کېښی یو جنبش او بیداری پیدا کړی وه دپلی خوا د حاکمه قدرتونو رقابتونو ظلمونو اوسیاسی کشمکشونو په سیاسي لحاظ زمونږ هیواد قوتی قوتی کړی او پښتون او لس زپلی و.

په ۱۰۸۳ هـ ق ۱۶۷۲ ع کېښی محمد امین دکابل صوبه دار و. دخو شحال خان دپند په موده کی دهدهغه دخلاصون کوښښ کړی و. په دی وخت یوه عجیبه پېښه وشوه به کونې کېښی سبر کازی سپا هیانو دپوی سپا جینی بی عزتی کړی وه دننګر هار خلک سپا مومندشینواری اواپریدی اونور پاریدلی اوباخیدلی وواود ایمل خان مومند په مشرۍ یی لښکر جوړ کړی وددوی دما تونو دباره محمد امین صوبه دار دپښتو نه لوی لښکر روان کسړی و چه خو شحال خان هم پکښی و. په لنډی خانه کېښی دواړه لښکر سره مخامخ شوه شاهی لښکر مات او دوه خایه شوه.

یوه ډله چه محمد امین ورسره وپښتو ته لاړ او بله ډله چه خو شحال خان پکښی و دتاتری په لار واپس شوه پښتنو پردوی بله حمله وکړه او مات یی کړه.

دمحمد امین په خای مها بت خان دکابل صوبه دار شو.

هغه دحکو مت سره دخو شحال خان ملګرتیا غوښتله مگر خو شحال خان ردوله ځکه چه دپندنه وروسته دده په زړه کېښی دحکو مت مخالفت پیدا شوی و.

دخو شحال خان زوی بهرام خان حکو مت ته نژدی کی حکو مت هغه په غیر کېښی ونیو هغه دپلار سره جنګو ته شروع کړل.

خو شحال خان ډیر ځله بهرام خان ته مانی ور کړلی به دی نو مگر خو شحال خان دژوند ترپایه پوری حکو مت سره وجنګید اوسری ورنه نیست نه کړی په ۱۱۰۰ هـ ق ۱۶۸۹ ع وفات شو.

په دی صورت دده ټول عمراکثرا دغیر ملی پردی حکو مت په پاداری دپښتنو په مقابل کېښی او وروستی برخه دپښتنو دمرسته یی جلبو لږ و.

دشاه جهان پادشاه فرمان ورته ورسید اورسماء دپلار مقام ورکړی شوه په ۱۰۵۱ هـ ق ۱۶۴۱ ع کېښی د پنجاب دیاغیا نو په مقابل کېښی د حکو مت په طرفداری وجنګید او په ۱۰۵۵ هـ ق ۱۶۴۶ ع کېښی یی په شاهی لښکرو کېښی گډون وکړ. په ۱۰۶۳ هـ ق ۱۶۵۳ ع او په ۱۰۶۴ هـ ق ۱۶۵۴ ع کېښی یی.

دیکسو سره جنګو نه وکړل. په ۱۰۶۸ هـ ق ۱۰۵۸ ع اورنگ زیب دخپل پلار شاه جهان دناروغی له امله دهغه په خای کېښی ست او باچا شو.

دپلار په جانشینی داورنگ زیب اودهغه دورونو شجاع اودارا شکوه اختلاف ونو ځکه ددوی تر منځ جنګو نه وشول.

په دی جنګو نو کېښی خوشحال خان په پښتو نځوا کېښی داورنگ زیب مرسته وکړه په ۱۰۷۰ هـ ق ۱۶۵۹ ع کېښی خوشحال خان په نیره کېښی دحکو مت دمخالفا نو سره کوبی وکړه اوبیاد حکو مت په گټه دیو سفرو سره په جنګ جگړو ولگید.

په دی توګه دنوی حکومت داورنگ زیب د اقتدار دوقار دقایمو لو دپاره یی ښه زیار وایست.

په ۱۰۷۴ هـ ق ۱۶۶۴ ع دکابل صوبه دار سید امیر خان خواغ د خپلو خاصو هد فو په اساس په یو میرزایی چل دبادشاه نه په مجمل ډول د تشدد اود ځینو کسانو دگرفتاری امر او اختیارات واخستل دهغه لاندی خو شحال خان بندی او مرکز ته واستول شو. دوه نیم کاله قید او بیا نظر بند و.

په ۱۰۷۹ هـ ق ۱۶۶۸ ع کی ازاد او وطن ته راغی

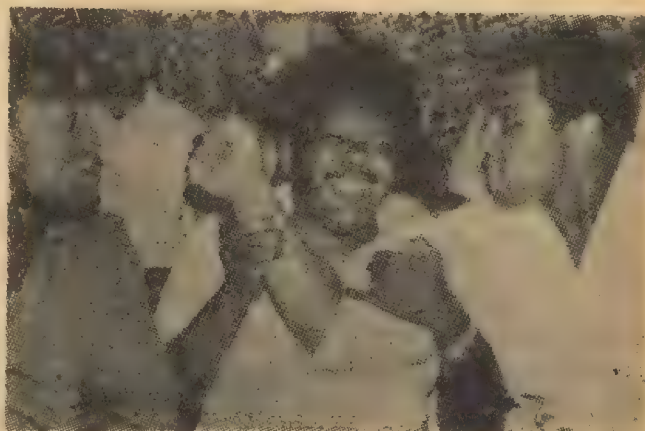
آشتی مجدد

«وینچنسو لولونیدری و همسرش (آنتویلا) که برای خرید به بازار رفته بودند. بالای موضوعی اختلاف پیدا کردند و کار این اختلاف چنان زیاد شد که از خریداری پشیمان، و آهنگ با ز گشت به منزل کردند در حالیکه در جاده راه میرفتند باهم گفتگو داشتند بطوری که اختلاف شان بجای رسید که وینچنسو دست بالا برد تا بروی آنتویلا سیلی بزند. که در همین حال جوانی خود را میان انداخته و ضمن آنکه مانع سیلی خوردن آنتویلا گردید، با وینچنسو دست به گریبان شد و در حین زد و خورد یکی از انگشتان دست وینچنسو را در میان دود ندان گرفت و فشرد. درد چنان وینچنسو را در خود گرفت که بی اختیار فریاد کرد آنتویلا که این حال شوهرش را دید طاق از کف داد و با مشت او لگت به جوان ناشناس حمله کرد. او آنقدر مشت بر سر و روی جوان کوفت و به او لگد زد تا انگشت وینچنسو را رها کرد. این حادثه باعث گردید که در همان لحظه پس از آن زن و شوهر باهم آشتی کردند و وینچنسو از دست آن جوان به پولیس شکایت کرد.



هنوز جنگ کلی و فرایزر

به پایان نرسیده



یک دسته گل از پول

آقای گراهام جالب ترین راه را برای ابراز عشق و علاقه به معشوقه اش خانم ساندری پیدا کرده است. گراهام با پول استر لینگ دسته گل در دست می کند و گل های ساخته شده از پول را به معشوقه اش تقدیم می دارد.

یکی از پرو فیسوران بو هنتون - نهای مسکو خنده را مهمترین فکتور صحت میدانند و باین عقیده است که خنده فعالیت هضمی را تنظیم نموده و فواید بسیار برای صحت و سلامتی دارد. راستی هم که خنده نمک زندگی است. و نمک تاثیر فراوان بر معده و تنظیم فعالیت هضمی دارد.

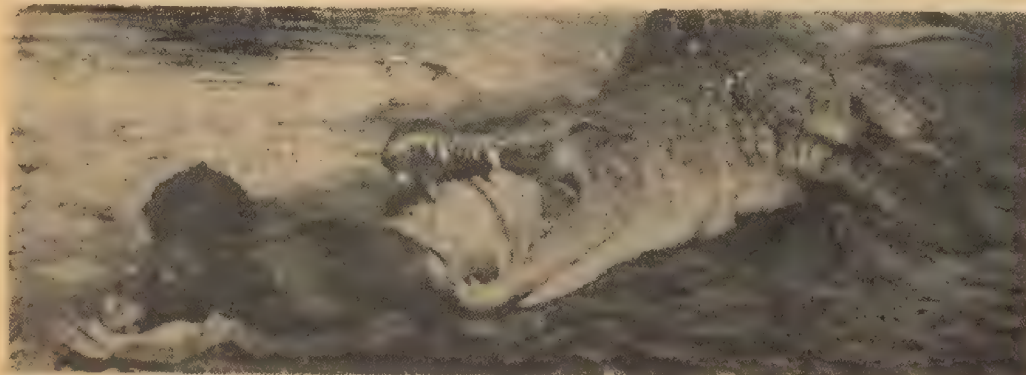
دزدی عجیب

البته آقای گراهام بی آنکه به پول حاصد مه وارد بیاورد پول لها را به طرز ماهرانه قات و دسته گل سی زیبا دوست مینماید و برای یک دسته ازین گل جدید ده نوت مصرف می کند و برای یک دسته بیست و چهار تایی ۲۴ نوت مصرف می رساند، که در حدود چهار هزار و سه صد افغانی می شود. کیت گراهام روزی یک دسته گل که پول ساخته بر سر ای معشوقه اش میفرستند که البته خانم ساندری هم گلها را بجای اینکه در گلدان بگذارد به بانک می سپارد.

یک زن جوان زیبا در حالیکه تفنگچه ای در دست داشت به یک بمب بطرول حمله کرد و با مورتانک را وادار به تسلیم کرد. زن زیبا ابتدا مامور تانک بطرول را در آغوش گرفت و او را غرق در بوسه کرد، سپس هر چه پول موجود در صندوق بود با تهدید اسلحه گرفت و با بفرار گذاشت. این واقعه در لوس انجلس اتفاق افتاد.

محمد علی کلی قهرمان سنگین وزن بوکس جهان که چندی قبل، حریف قوی هیکلش فرایزر را در روند چهارم در مانیلا از پا در آورد هنوز هم قانع نیست. او چنان رقابتی به حریف خود فرایزر دارد که حتی در مجالس بسیار خصوصی و عام بر او میفرد ولی چون فرایزر خونسرد است با او جود اینکه نزد علی میدان را باخته است او با خونسردی که دارد محمد علی، را عصبانی میسازد بطوری که گاهی اوقات علی بر او حمله ور میشود.

در آخرین ملاقاتی که آن دو باهم ترک کردند فرایزر گفت، که رینگ را ترک نخواهم گفت و جواب خواهم داد علی فی المجلس شدیداً عکس العمل نشان داد بطوری که نزدیک بسود میان آن دو نزاع درگیرد.



عکس جالب

گذشتن خبر نویسان

نهیسه و ترجمه: میر حسام الدین برومند

بازدید هلموت شمیت و خانمش از دیوار چین

مائوتسه تونگ زعمی حزبی وهلمون شمیت
صد راعظم آلمان بزبان انگلیسی صورتگرفت
ایشان ضمن مملوگوها ایشان از یکتن از
فلاسفه های جهان ((کانت)) نیز یادی بعمل
آوردند *

هلموت شمیت و خانمش ((هانبلوره))
با حشرات از طرف چین
پذیرائی شده و پیوسته با شعارهای
((خوش آمدید هلموت شمیت!)) که بزبان
آلمانی ارائه میشد صمیمیت سانرا ابراز

هلموت شمیت بهمراهی خانمش (هانی
لوره) اخیرا سفری به چین نموده وازدیوار
چین که از معروفتین دیوارهای جهانست
از نزدیک دیدن کردند. هلموت شمیت
و خانمش ضمن مسافرت (۹۶) ساعته در
چین از شهرهای پکننگ نانکنگ و سینگای
ننگ و بسیاری مناظر تاریخی آنکشور بازدید
بعمل آوردند *

دورین دعوت که درپیک فضای کاملاً
دوستانه انجام پذیرفت، مباحثات

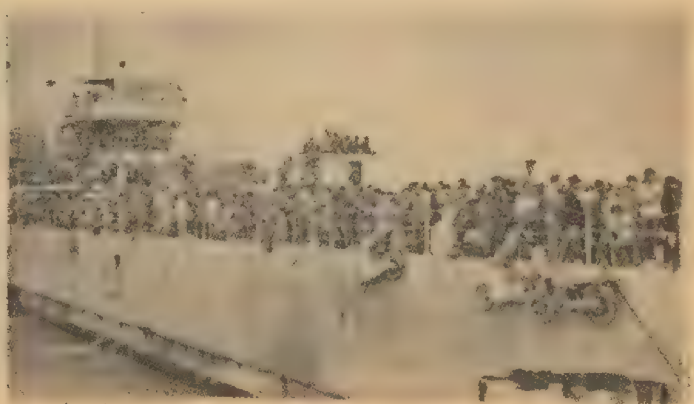
برگشت ۱۵۴۶ ویتنامی به اماکن شان



وضع رقتبار کودکی هنگام برگشت بسوی اسکان اصلی اش *

ترازیدی فرار (۱۵۴۶) ویتنامی زمانی موضوع داغ برای سیاسیون بود و ویتنامیان
که از اثر ظلم و استبداد و بی نظمی هادرویتنام جنوبی به ستوه آمده بودند فرار را برقرار
ترجیح داده و به آنسوی بحیره بزرگی که درویتنام جنوبی واقع است شتافتند *
فشار عظیم فراریان را مردان و زنان سالخورده و اطفال یتیم میساخت که از شدت جنگ
و گشت و خون و اوضاع درهم و پرمهر جریانات اخیر ویتنام تا بمقابله را نیاورده و از شدت
ظلم ((هاگنان)) جزیره کوچکی که تحت تصرف امریکایی هاست به سوی (کموام)
نقطه دیگری از ویتنام ترک گفتند *

دورین اواخر وقتی گروه فراریان در اسر در خواست ویتکانگ هاخواستند دوباره به
اماکن خویش برگردند کشتی بزرگ ویتنام موسوم به «توونگ تین» به کمک آنهاشتافت *
وقتی کشتی از بندر خارج شد و بار دیگر راه ویتنام را درپیش گرفت هیچ مساعدتی
برای ویتنامی های بی بضاعت و ستم دیده که مجبور به ترک اماکن شان گردیده بودند
نشد و اکنون که ایشان دوباره به اسکان اصلی خویش برگردند چیزی برای خوردن
ندارند، علاوه امریکایی های ویتنامی یعنی امریکا تیکه ناکتون درجزیره مرکزی
(ماریان) اقامت دارند شایع ساخته اند که با فراریان کاری ندارند و دیگر همچو رویه
خشنانه که باعث فرار مجدد شان گردید تکرار نخواهد شد.



هلموت شمیت و مائوتسه ملاقات

میکردند، صد راعظم آلمان بر علاوه بازدید
مفصل از دیوار چین از فادیمهای مرغابی
های پیکنگ که دارای بهترین نوع مرغابی
ها بود دیدن کردند *

کشتی بزرگ ویتنامی ها موسوم به
(توونگ تین) حین حمل ۱۵۴۶ ویتنامی

از سراسر جهان



چشم پوشی از (۲۰۰۰) مارک

((اگنی تیئندی)) یکی از مجلات معروف فرانسوی از باتریک دختر ۱۲ ساله ای که اکثرًا در ساحات مختلف با مجله همکاری داشت دعوت نمود تا در قسمت تهیه صفحات مود با مجله همکاری نماید، این پیشنهاد بجهت آن از باتریک صور نگرفت که باتریک این دختر ۱۲ ساله از خوشگلترین دخترهای فرانسه بحساب آمده و اندام گرا و موزون و استعداد نگر فنی به صفحات مود مجله برانندگی خاصی خواهد بخشید، البته مجله ((اگنی تیئندی)) در برابر پیشنهادش از باتریک مقابلت وعده داده بود که سالانه مبلغ (۳۰۰۰) مارک به عنوان دستمزد به موصوف بپردازد، اما ((هوئی)) پدر باتریک شدیداً مخالفت نموده و گفت: باتریک هنوز بمن وسالی قرار دارد که نیابت بسوی مود گسائیده شود چه در قدم اول مسئول تحصیل باتریک میانییم و در مراحل بعدی سعی ما بر آن خواهد بود تا وسایل سر گرمی بهتر و مؤثر تری برای او تهیه بکنیم - باتریک که سخت علاقمند بود از وجودش منجبت مانکن استفاده نمایند ازین طرزپیش آمد و مفکوره پدرش شدیداً متأثر گردید ولی جیف که مربی های پیگرس نتوانست تقیر در تصمیم پدرش وارد نماید *



باتریک دختر زیبا صوت با احساس
عالم وفهم شگرف

صفحه ۳۱

روزا اکندی در پاریس

روزا اکندی زن ۸۵ ساله و کلا نترین فرد کامل کینی هاضمن آخرین سفرش در پاریس، چنینکه میخواست از بازار پاریس تحفه ها و هدایایی برای نواسه هایش تهیه کند چشمش بعد از خبرنگاران و عکاسان فرانسوی افتاد که سخت در فعالیت تهیه خبر بودند - روزا اکندی که معلوم میشد ازین وضع خیلی ها برآشفته شده از عکاسی که میخواست عکس بردارد تقاضا نمود تا (۱۲۰۰۰) مارک وی را بدرفته و در مقابل از برداشتن عکس او منصرف شود اما دوتن از ژورنالستان فرانسوی به روزا اکندی تفهیم نمودند که آنها وظیفه یافته اند تا از جریان گشت و گذاری راپوری تهیه نمایند، روزا اکندی هر چه از روی اجبار حاضر شد تا عکسش را بر داد ولی در دل خیلی ها ناراض بود چه روزا که شاید صد ها حادثه غیر مترقبه در زندگی اش بود احساس میکرد که درین همه چد و جهد فرانسوی در تهیه خبر سو قصدی نهفته است اما برعکس قصه چنین نبود و فرانسوی ها میخواستند روزا اکندی از فرانسه خاطره های خوشی با خود داشته باشد *



روزا اکندی در برابر یکن از ژورنالستان فرانسوی در پاریس *

آمادگی برای سالگروه

میخیکو دختر ماسیتونگ زعیم حزبی چین درین شب و روز به خترش نوراکه شش سالی پیش ندارد مصروف مشق و تمرین بارجه های موسیقی و کمپوز های جدید است تا (نورا) دختر کوچک و با استعدادش بتواند درجه اول و یکمین سالگروه مدرنس میخیکو که عنقریب رسیدنی است با هنرنمایی و تقدیم بارجه های جدیدچینیایی بیشتر وسایل سر گرمی مدعوین را فراهم سازد - کار آمادگی و مشق و تمرین برای کنسرت از هفته ها قبل آغاز یافته و نورای کوچک اکثرًا در صحن باغ اطفال و با اطفال همسن و سالش سرود های جدید را زمزمه میکند و در وقت تمرین با مادرش پشت پیانو می نشیند، و بدین ترتیب نوراکه خواهان خوشنودی و رضایت مادرش است *



سمیت وزنش ((هانیلوره)) کنار دیوارچین



میخیکو و نورا نواسه

ماو سنیو نک هنگام تمرین موسیقی



مطالعه این سلسله فقط به زنبها توصیه میشود

ترجمه من جمال الدین فخری



طفل و مادر



شود؟)

بعضی از اطفال نوزاد واقعا دارای زبان کوتاهی میباشد ولی معمولا هیچ چیزی با آنها نمی کنند . به مرور زمان ایمنی خاصیت از بین رفته و طفل قادر میشود بصورت عادی زبانش را حرکت بدهد.

طفل روی خود را پرت و پوست می کند :

اطفال نوزاد اکثر خاصاوتی که گریه سرمیدهند روی خود را پرت و پوست می کنند. لزومی ندارد که دست های او را بسته کنیم چونکه بعد از چند روزی این عادت را فراموش میکند. لازم است تا دستکش درازی برای طفل بدوزیم در دستش کنیم (مانند ش ۳) و دستکش صرف برای زمان موقت یعنی هنگامیکه گریه میکند در دست طفل باید باشد طفل میتواند با این دستکش های خریطه مانند آزادانه حرکت کنند .

اگر طفل ناخن های درازی دارنده لازم است با آنها قطع شوند .

طفل خرخر می کند :

اگر طفل نوزاد و یا شیرخوار خرخر می کند و یا خود در هنگام تنفس کردن آواز ا شیطا ق مانند شنیده میشود لازم است که بصورت فوری به دکتر مراجعه شود .

ولی با وجود این هم خرخر کردن علامه مریضی شمرده نمیشود . طفل بطوری قشقرقش یا خرخر می کند که مجرای تنفسی بینی اش باریک است . با مرور زمان این مجرا عریض میشود و طفل از قشقرقش کردن بازمی ایستد .

عطسه :

طفل نوزاد به کثرت عطسه میزند بدین وسیله بینی خود را صاف می کند و مچنی که اتمسفر

قبل از تولد در ارگانیزم نطفه بمغسی او فایده افرازا ت بلغم شکلی داخل میشود . در این چنین حالات بعد از تولد از دهن نوزاد آب دهن زرد شکلی در روز های اول و دوم نولش خارج میگردد . در این زمان لازم است تا متوجه طفل شویم و تدابیری اتخاذ کنیم : در وقت قی کردن لازم است که طفل داری به دل بغوا بانیم برای اینکه مواد قی شده راه تنفس او را مسدود نسازد چونکه اگر طفل تخته به پشت قرار داشته باشد بسیار محتمل است که مواد قی شده داخل مجرای بینی او شده و راه تنفس طفل را مسدود سازد و یا این عمل از طریق قوت دادن یک قدمت مواد استفرغ انجام شود .

وقتی قی کردن خانه یافت لازم است ت ا دهن طفل پاک شود .

طفل نوزاد را هیچ گاهی تنها نگذارید و همیشه با او کسی باشد که به مواظبتش رسیدگی کند چونکه او بکلی بسی دفاع و بیچاره است .

اگر طفل چیزی را صحیح قوت داده نمی تواند و یا کدام حادثه دیگری برایش رو نمایم گردد مادری که در کنارش قرار دارد خودش به کمک می رسد و یا اینکه دوکتور را به کمک می طلبد علم مراعات این قاعده شاید به قیعت حیات طفل تمام شود.

زبان درازی :

بعضی از مادر ها میسر سندن : (طفل ما نمی تواند زبانش را درون دهان نگذارد شاید چیزی هست که مزاحمتش میکند . نرومی دیده نمیشود که زبانش قطع

درجه حرارت انسانهای بالغ فرقی ندارد) . مرکز حرارتی نوزاد مانند اطفالی که چند وقتی از عمرشان گذشته خوبتر فعالیت نمی نماید . ارگانیزم طفل به سهولت سرد میشود ولسی به سهولت گرم هم میشود .

اگر طفل نوزاد یا شیرخوار خنک بخورد به گریه آغاز می کند . و اگر هیچ تدبیری علیه آن اتخاذ نشود رنگ طفل سفید میشود و بعد از آن به کمبودی میگراید و در لبان او دستپاچهای باید به پایای طفل مبدول داشت اگر پایای طفل مانند یخ سرد می شود . توجه بیشتر

طفل گرم است هیچ وقتی از شدت سرما ندانند . دست اطفال به کثرت سرد می شود حتی اگر خود طفل گرم می هم بکند دستپایش سرد می باشد . اگر طفل خنک می خورد باید

لباس گرم پوشانیده شود باشال و یا چیز دیگری او را پوشانید و اگر ممکن باشد در بستر طفل مشکوکه شیر گرم (نه داغ) را گذاشت اگر طفل گرمی می کند او خیلی ناراحتی از خود نشان میدهد . ازین پهلوی به آن پهلوی می غلتد جلدش رنگ سرخ بخود میگردد تخه پششش از عرق ترمیشود و طفل به گریه آغاز می نماید حتی بعضی لکه هادر جلد طفل ممکن است ظهور

نماید . اگر طفل از حد زیاد لباس پوشانده شده باشد عین حادثه فوق الذکر رونمایی گردد چه در اتاق گرمی در زمستان یا کالای و لباسی پشمی تن طفل پوشانیده شود و چه در گرمی ناستان لباس زیادی بتن طفل کرده شود مشر است .

در هوای گرم طفل باید در اتاق سر

هوای صاف در آنجا وجود داشته باشد قرار گیرد . در تابستان لزومی ندارد که کلاه بسر او گذاشته شود . در زمستان درجه اتاق اطفال نوزاد نباید از ۲۰ الی ۲۲ درجه بلندتر شود .

آن آورده باشد اطفال شیرخوار بیشتر عطسه می زنند . اگر طفل سرما بخورد و یا در منطقه سرد قمتا قرار گیرد عطسه میزند . طفلی که سرما خورده به سهولت نمی تواند از راه بینی تنفس کند . این خصوصیت را مادر هنگام سینه دادن طفل احساس میکند . اگر تنفس از راه بینی ناممکن شود طفل مجبور است از طریق دهن نفس بکشد ازینرو گاه گاهی برای نفس کشیدن سر پستان را راه می کند .

در این حالت حتما به دکتر مراجعه شود . وقتی طفل به ریزش مبتلا می شود این موضوع باید جدی گرفته شود .

هکک :

طفل شیرخوار به کثرت هکک میزند . خاصا بعد از خوردن غذا اضافه تر طفل راهکک میگوید چونکه در زمان چو شدن مقدار زیاد هوا داخل ریه های او میشود . همچنان هکک زمانی ظهور می نماید که طفل خنک بخورد . در این چنین حالات هکک زدن مریضی نبوده و اتخاذ هیچگونه تدبیری علیه آن لازم نیست . اگر هکک طفل را بسیار آزار بدهد طفل به گریه کردن آغاز می کند و همینکه طفل گریه کرد هکک او فرو می نشیند .

اگر هکک زدن با غذا خوردن طفل ارتباط ندارد و ساعت ها ادامه پیدای کند در آنصورت نزد دکتر مراجعه شود . چونکه ایمنی حالت یک مریضی جدی طفل را نشان میدهد . نباید هنگام هکک زدن بینی طفل فشار داده شود . فقط دادن ۲-۱ قاشق جای هکک طفل را برطرف می سازد .

حرارت وجود :

حرارت نورمال وجود یک طفل نورمال مستقما از روژه او اندازه میشود که ۳۶ درجه الی ۳۷ درجه باید باشد (این درجه حرارت با



قسمت سوم

نوزادیکه قبل از وقت زاده شده

باید درین ظرف های پراز آب همیشه قرار داشته باشد .
سینه دادن :

شیر مادر برای طفل خام ارزتس حیاتی دارد . ولی بعضی از اینچنین اطفال قادر نیستند پستان مادر را بکنند . بهتر است به آنها سینه داده نشود و اینکار تا چند روز حتی یکی دو هفته اول زندگی او باید ادامه بیابد و شیر مادر دوسیده شده و بخورد طفل داده شود . ازینرو مادران خودشان را از عهده آوائیکه هنوز در زایشگاه قرار دارند به دوسیدن پستان خود بپردازند و این عمل را تا آن زمان ادامه بدهد که طفل قادر به مکیدن پستان اوشود .

دقت شود که طفل خام از اندازه زیاده غذا داده نشود . در روز اول زندگی طفل خام هیچ چیزی باید برایش داده نشود . بروز دوم تولد او فقط چند فاسق جایغوری از سر مادر باجای برایش داده شود اگر حرکتی مانند چوینیدن توسط لب های طفل به ملا حظہ میرسد به تریه آغاز می نماید مفهوم آن اینست که طفل گرسنه است . اگر طفل از استسها ولویک قاسق بیشتر میشود آنرا دو باره فی کرده که بسیار امکان دارد موادی شسته در مجرای تنفسی او قرار گیرد و خطری را متوجه طفل سازد و طفل را به التهاب تنفسی ها دچار کند . از همین لحاظ است که طفل خام را به دقت بیشتر باید غذا داد . توجه خاص باید مینول گردد که توسط غذا در مجرای تنفس طفل هوا داخل نشود . بهتراست طرز شیر دادن طفل های خام را از نرس هاییکه بانجر به اند هدایت گرفت و نظریه هدایات آنها رفتار نمود .

وبا الوسیله درجه حرارت آنرا تنظیم ببخشید چیرکت ویابستر طفل به هیچوجهی نباید در جریان هوا قرار گیرد چونکه در غیر صورت هوارسیدگی برای طفل مذکور حتمی میباشد علاوه بر آن باید در بستر طفل مشکوله ای با آب شیر گرم بگزارید تا طفل تان سرما نخورد و ریزش نکند .

برای اینکار لازم است که از مشکوله استفاده شود به ترتیبی که دهن مشکوله به هیچ صورت زانزند و دور مشکوله با فلانیل (فلانین) بپچانیده شده و در بستر طفل یسولی طفل گذاشته شود . حرارت بستر طفل همیشه مراقبت شود زیرا حرارت وجود طفل خام هیچ گاهی نباید از ۳۷ درجه بلند تر برود . اگر طفل از گرمی ناراحت می شود باید همان قسمتی که مشکوله گذاشته شده دیده شود که داغ نگردیده است ؟

گرم کردن بستر طفل خام باید نظر به هدایات دکتور موظف یا پرستار صورت گیرد .

چگونه آزمایش کنیم که طفل نوزاد خام در شرایط حرارت نورمال قرار دارد؟

ساده ترین طرز آن اینست که ترمومتر را در فنداق طفل برای ۱۵ دقیقه گذاشته و روی آن کهیل را کش نمایم . اگر ترمومتر ۳۰ درجه را نشان داد طفل در شرایط حرارت نورمال قرار دارد .

به همان پیمانه ایکه برای طفل خام اتاق گرم ضروری محسوب میشود به همان اندازه هوای خشک برای طفل نا مناسب و مضر است . به منظور ازدیاد بخشیدن رطوبت هوای اتاق در ظرف لازم است که از آب پر باشد و در مابین آن روی پاک ضخیمی را که در آب ترسده بگذاریم . انجام های روی پاک

از دو کیلو گرام باشد باید به شعباتی که در سفالخانه ها (زایشگاه) به منظور پرستاری از اطفال خام تخصیص داده شد . انتقال داده شود . و این تازمانی در آنجا باقی می ماند که وزنش بیش از دو نیم کیلو گرام شود با طفل خام نهایت مهربا نانه و با احتیاط کامل رفتار شود .

به اطفال خام لازم است بنوبه اول از خنک خوردن (چه در زمستان و چه در تابستان) توجه خاصی مینول گردد چونکه حرارت وجود اینچنین اطفال الی ۳۵ درجه سانتی گراد پائین آید . ازین لحاظ حرارت اتاقیکه در آن اطفال خام قرار دارند در طول مدت شب روزی در حد ۲۷-۲۵ درجه سانتی گراد تنظیم گردد . (اگر طفل تان در اتاق منزل تان بولد میشود و همانجا باقی می ماند باید یک ترمومتر برای معلوم نمودن درجه حرارت اتاق خریداری کرده و در اتاق نصب نمایند

طفل خام بسیار ضعیف بوده و مواظبتی خاص را ایجاب می کند

تقریباً در هر دهه طفل یکی از قبل از وقت همین دنیا میاید و زن اینچنین اطفال ممکن است در حدود دو نیم کیلو گرام و یا در حدود یک کیلو گرام باشد . اطفالا لیکه قبل از وقت معین بدنیا می آیند ((خام)) یاد میشوند و اطفالی که به وقت معین آن تولد سونسد ولی وزن آنها از ۲۵۰ کیلو گرام کمتر باشد نیز ((خام)) گفته می شوند طفل خام بسیار ضعیف بوده مواظبتی خاصی را ایجاب می نماید اگر در اثنای تولد وزن او کمتر



شعر

سوال

به خرد راه عشق می‌پویی ؟
با چراغ آفتاب می‌چونی ؟
نوهنوز ایچد خرد خوانی !
وز معمای عشق می‌گویی ؟
مردگامی و عشق می‌ورزی ؟
دردگامی و مشک می‌بویی ؟
خافانی

بیگانه

آرزومند دیار دورد پهلوا مه شه
بیگانه دخیلو منخ لره راعه شه
هنگاهه دیمینی گرمه ده تر حسنه
دمچئون ددرگدا بنه لیلی مهشه
که بلا په عشق کینی دیری دی ناصحه
دابلا واپره بهماشه بهتا مهشه

پروانه غندی خله پته خپس سیزه
دسیند بهخیر شوخ چشمه رسوا مهشه
که می مرگدی هغه یارته په خوا شوی
له‌دی کاره پشیمانی ورپه خوا مه شه
هرچ دی دم ورباندی نه‌لگی ناصحه
داحمید بلا وهلی ملا مه شه
حمید ماشو خیل

حرام

می‌لعل خور ! خون دل‌ها مریز !
نوخاکی ، چو آتش مشو تند و تیز !
می‌لعل گون خوشتر است ای سلیم
زخو نایه اندرون یتیم
اگر دامن آلوده گردد بهی
حرامست ، خصمی ندارد زبی
از آن آب رنگین به نزدیک من
به ازانکه نفرین کند پیرزن
بده ساقی نوش لب جام جم
که بزدايد آنمی زدل زنگ غم
ازین پنج تنین روی رنیت متاب :
سب و ساهلو شه‌دو شمع و شراب .
لردوسی

لوی اختر

ستا لیدل ماته په‌هرمه‌ال اختر دی
بی له‌تا ختی اختر به‌خه اختر شی ...
چینه راشی اوخپل خان دوتنه خیرات کیم
وډر اختر به‌په ماخداپرو لوی اخترشی ..
دوکتور زیار

قهوه‌یی

در چشم های او :
هزاران درخت قهوه بود
که بیخوابی مرا
تعبیر می نمود .
لک، منشی زاده

سپیل

زهی عشق زهی عشق که ماراست خدایا
چه نفزست و چه خوبست، چه زیباست، خدایا!
به هر مغزو دماغی که در افتاد خیالش
چه نفزست و چه نفزست، چه زیباست، خدایا!
چوسلیم و چو چویم، همه سوی تو بوییم
که منزلگه فرسیل به دریاست، خدایا!
چه گریم، چه گریم، ازین عشق چو خورشید

چه پنهان و چه پنهان و چه پیداست خدایا
زهی ماه، زهی ماه، زهی باده همراه
که چانرا و چه ناوله بیاراست، خدایا
زهی شور، زهی شور، که انگیخته عالم
زهی کار، زهی کار، بار که آنجاست خدایا
«انتخاب از دوغانل مولینا جلال الدین بلخی»

خود

زهی یه، اسیر یه، له غمه حقه سنا
دلگیر یه، فقیر یه، دوصل دی کدا
وکیل یه، سولیر یه، له لاسه در قیب
خاشی یه، ناظر یه، و تاته یه زرا
حبیبی یه، طبیبی یه، زخمی یه پر زری
خوین یه، غمچن یه، زه غوایه دوا
شفیق می شه، رفیق می شه، پروا و کیه نظر
عاشق یه، صادق یه، خپل خان بولم فدا
(محمدرزق)

سراغ

ستاد کنبلی مخ به خال می زره به داغ دی
به دا داغ می له عالمه زره فراغ دی
سرخ چه ناست یم دگلونو به چمن کنبی
بیا ساقی واته نیولی دک ایاغ دی
دزلفینو په تورتم کنبی به ئی غوایم
داورک زره که رابنکاره کامخ خراغدی

چه د کنبلیو د جمال ننداره کاند
وهفته سپیره واکت سیر دباغ دی
دگلونو په بوی غی په گلزار ورنی
دگلونو بوی بلبلوته سراغ دی
دخوشحال سترگی هوری چه نیایسته وی
خلقه زره ئی نه په باغدی نه په داغدی
(خوشحال خټک)

چاره

سافیا خیز و بییمای شراب تاکی
نامگر باده توجاره کتد غمناکی
زانش باده بر افروز چراغ دل ما
تابه آبی بفروشم و چود خاکی
جامه جان که به لوت غم دهر آلوده ست
به چو از باده تاکی نپذیرد پاکی
کی دل ایهن شود از چشم تو وزلف سیاه
شبه بدان تیرگی و هژد بدان جالاکي
بند ناصح مشنو باده دیرینه بیار
که بود بندوی از غایت بی ادراکی
و حمت شیرازی

گیله

د فلک له لاسه زاریم په کوکار یم
هم حیران د زمانی په کارو بار یم
چه یو دم می وگي له پیر یردی بی غمه
هر ساعت ددی د لاسه ناکرار یم
ماخو نه دی خو لا هیچ چیری آزاد کړی
زه آزاد پدله د گوم آزار یم
زهانه دیار آشنا لاسونه کوری
چه په لاس کنبی می خه نشته گناه کار یم
دی فلک چه خه کول هغه ئی وکړل
که زوهره را بانندی کړی ورته تیار یم
سید عبدالغفار

فریاد گامی



پیوسته نگذاشته

شدم و دست زدم، مرده بود. تیانچه روی زمین وسط پامای اوفتاده بود. سلاح را برداشتم و خیلی زود متوجه شدم که این تیانچه متعلق بمن است. آنوقت بشدت تکان خوردم. تیانچه من! فوراً يك مساله بغاطرم گذشت اینکه (آن) بدون جلب توجه من تیانچه را برداشته و پنهان کرده شاید بفکر اینکه وقتی وضع برایش غیر قابل تحمل گردید، انتحار کند. شاید هم در آن روز این تیانچه را بهمین نیت باخود برداشته بود. و من آنروز شاید در آن لحظه دیوانه شده بودم که چنین فکری دوباره اوبغاطرم راه یافت زیرا فکر کردم (آن) مرتکب این قتل شده است. تیانچه را در جیب خود افکنده به عجله بیرون رفتم و نزدیک درب خیابان آقای کشیش روبرو شدم. باقیدارم که با پروتیرو قرار ملاقات دارد ولی دچار من يك حمله هستریك خنده شدم... شاید مقدمه چنین بود. از او جلا شده براه خود ادامه دادم رفتم و رفتم... بالاخره به این نتیجه رسیدم که تحمل بیشتری این جریان را ندارم. اگر هم آن مرتکب قتل شده باشد، مسوول من بودم. ازین لحاظ خود را در اختیار پلیس گذاشتم.

خوشی نسبتاً طولانی بین ما بوجود آمد. سپس مدیر پلیس با لحن جدی گفت: من از شما چند سوال دارم: به جسد دست زدید؟ و آیا بنوعی سعی کردید محل او را تغییر

بدهید؟
- خیر، به او تماسی نکردم. از دودم می شد فهمید که مرده است.
- آیا متوجه یاد دشتی که روی میز قرار داشت شدید؟
- آنکه نزدیک جسد دیده میشد؟
- خیر.
- آیا ساعت دست زدید؟
- خیر، دست نزدم- تصور میکنم ساعت خوابیده بود معذرت به آن دست نزدم.
- خوب برگردیم بمساله تیانچه نان شما سلاح را برای آخرین دفعه در کجا دیدید؟
- لئورانس و دیدنک لحظه ای فکر نکرد و بعد جواب داد: جواب قاطعی برای این سوال دادن خیلی دشوار است.
- تیانچه در کجا بود؟
- در کلیه محل اقامت و در اتاق نشیمن در یکی از قفسه های کتاب.
- یعنی آنرا در دید همه گذاشته بودید؟
- آری، برای اینکه زیاد بفکر تیانچه نبودم و منظور آنجا نهاده بودم.
- و هر کس وارد کلیه شما میشد میتوانست آنرا ببیند؟
- آری.

از آن آگاه بودند. و داستان شما نقل مجلس شان بود.
- درست است شما حق بجانب هستید. من به پدرم قسم قول داده بودم که هر چه زودتر از اینجا خواهم رفتم. آنروز شام وقتی در ساعت شش و ۱۵ دقیقه در آتلیه با خانم پروتیرو ملاقات کردم، تصمیم خود را به او گفتم. او نیز معتقد بود که راه دیگری جز این وجود ندارد. با همدیگر و داغ گردیم، سپس از آتلیه بیرون آمدیم و بلافاصله به دوکتور بایلوک برخوردیم (آن) بعدی طبیعی جلوه کرد که حدس زده نمی شد غصه ای بین ما وجود دارد. دو حالیکه از عهده من ساخته نبود. در معیت دوکتور ستون به میخانه (خوک آبی) رفته مشروب خوردیم. سپس قصد مراجعت به خانه کردم ولی هنوز تا مدخل آتلیه نرسیده ازین فکر متصرف شدم و خواستم لحظه ای پدرم را ملاقات کنم به حرف زدن احتیاج داشتم. خدمه شان بمن گفت که آقای گلننت در خانه نیستند اما کمی بعد مراجعه میکنند و آقای پروتیرو هم در اتاق کارشان منتظر نشسته است. منم به سوی اتاق کار آقای گلننت رفتم.
- خوب بعد؟
- پروتیرو پشت میز کار نشسته بود بهمان شکلی که شما او را یافتید. وقتی به او نزدیک

ممکن است...
مالچت حرف او را بریده گفت: البته ما هم داستانی را که او نقل کرد باور نکردیم چنانچه به صق اظهارات شما هنوز بطور قطع مطمئن نیستیم زیرا دوکتور باید وگ متفداست که ارتکاب جنایت بطور قطع دوساقتی که شما تعریف کرده اید صورت نگرفته است.
- آیا دوکتور بایلوک اینطور گفته؟
- آری و حال اگر شما خواسته یا نخواسته باشید، تقریباً تیره شده اید. حال از شما خواهش میکنم بعنوان همکاری با ما بنشینید و تا آنجا که از حقایق اطلاع دارید، با ما صحبت کنید.
لئورانس که هنوز متردد بود: آیدار مورد خانم پروتیرو قصد اغفال مرا ندارید؟
- بشرف خودم سوگند می خورم.
رسم نفس عمیقی کشیده گفت: من يك احمق بتمام معنی هستم زیرا بغوادم لغت میکنم که چگونه توانسته ام فکر کنم (آن) مرتکب جنایت شده است.
- لطفاً جریان را برای ما تعریف کنید.
- چیز زیادی برای گفتن وجود ندارد.
من شام آنروز خانم پروتیرو را ملاقات کردم...
- ماهمه این هارا میدانیم. شما تصور میکنید قضیه دلیاقتی شما و خانم پروتیرو هنوز جزء اسرار باقی مانده دو حالیکه علمه ای

داشته بلکه خواسته است جنایت را مستیما به گردن (آن) بیاندازد. اگر میس مارپل نمیگفت که آن را دیده، با اوصحبت کرده و آن تیانچه نداشته است، آنوقت... نتیجه معلوم بود. آری لن، بنظرم اینطور می آید که کسی از آن بشدت متفر است و مایل است او را به عنوان قاتل و جنایتکار به دادگاه بفرستد. و من ازین کار هیچ خوش نمی آید.
تا آمدن لئورانس و دیدنک مرا هم به اتاق کارم احضار کردند. رسم جوان حالتی خسته و مشبوه داشت.
مالچت به لحنی مودبانه اظهار داشت: می خواستیم در اینجا چند سوالی از شما بکنیم. لئورانس بمالچت لبان خود را گاز گرفته جواب داد: این همان اسلوب تحقیق فرانسوی است یعنی دقایق عمل جنایت را تکرار کردن. مالچت گفت: فرزند، با ما اینگونه صحبت ننمائید. مگر نمیدانید جنایتی را که شما ادعای ارتکاب آنرا نموده کسی دیگر بعدها خود گرفته است؟
این سوال مالچت روی رسم تاثیر زیادی گذاشت و سراسیمه گفت:
- چه... چه گس دیگری؟ چه کسی، کی؟
مالچت که بدقت به اومی نگریست، جواب داد: خانم پروتیرو.
- دروغ است. او مرتکب قتل نشده غیر

سویاظر نمی آوردید که تیانچه نانرا برای آخرین مرتبه در کجا دیدید ؟
لئورانس ابروهای خود را بالا کشید و در حالیکه نظاها میکرد بغاظر بیاورد جواب داد: از اینکه روز گذشته در جای خود بود، کاملاً اطمینان دارم . بیاد دارم که موقع برداشتن یک کتاب ، آنرا با دست خود کنار زدم و این دوست دیروز بود کاملاً بیسار دارم .

این اواخر چه کسی به کلبه شما وارد شده بود ؟
عده زیادی محققا بیدار من می آمدند . روز گذشته مثل اینکه برای شان جای هم دارم . لیتس پروترو، دینس و رفعا بش بودند . گاهگاه برخی ازین زنان سا لخورده نیز از من خبر می گرفتند .

آیا مواقعی که بیرون میرفتید ، در کلبه نانرا فقل میزدید ؟
خیر، چرا باید فقل میکردم ؟ در کلبه من چیزی که ارزشی دزین را داشته باشد ، موجود نیست . گذشته ازین دزین دهکده کسی در پ خانه خود را فقل نمیکند .
کار های خانه شما راجه کسی انجام میدهد ؟

مستر آرچر سالخورده هر روز صبح منزل مرا ترتیب میدهد وآب و جارو میکند .
آیا ممکن است مستر آرچر بغاظر بیاورد که تیانچه را برای آخرین بار در کجا دیده است ؟

نمیدانم شاید بغاظر بیاورد . اما راستش نمیتوانم تصدیق کنم که وی برای گردگیری اعتنای زیادی نشان میداده .
- خلاصه وضع ازین قرار است تیانچه را هر کسی میخواست میتوا نست بردارد .
آری ، اینطور بنظر می آید .
دز ین موقع در بازسد دوکتور بایروک در حالیکه (آن پروتیرو) با او همراه بود ، داخل شدند . زن بادیان لئورانس سخت تگان خورد . رسامیکی دوقدم بسوی او برداشت و گفت : آن ، مرا ببخش . اگر در مورد نسو طور بدی فکر کردم .

ان گفت : من ... سپس معطل ماند و نگاهی التماس آمیز به مالچت افکند . ادامه داد: آبا آنچه دوکتور بایروک بمن اظهار داشته درست است ؟

آیا در باره اینکه مناسبست به مستسر دیدینگ مظلونم ؟ آری درست است و حال برگردیم به داستان شما خانم پروتیرو .
زن جوان تبسمی معجو بانه بر لب آورد و گفت : چه کسی میداند دوماورد من چه افکار داندیشه های بدی بغاظر تان گذشته است .
- نه فقط ما شما را متهم بو فتاری کودکانه میدانیم ولی دیگر عده این اندیشه ها و تصورات پایان گرفته است .

و حالا خواهش برای ماحقیقت را بطور کامل و بدون کم و کاست برای ماسرح بدهسد خانم پروتیرو .

زن سر خود را بطور جدیانه چنانچه جواب داد: شرح میدهم . در هر صورت شما از جریان وفوق کامل دارید .

آری .
- قرا بود آتروز شام با مستر دیدینگ را در کلبه اش ملاقات کنم . در ساعت شش و ربع به همراهی شوهرم از خانه بسوی دهکده حرکت کریم . لازم بود مقداری خرید کنم درست موقعی که از هم جدا می شدیم شوهرم

به من گفت که قصد دارد به ملاقات آقای کلمنت برود . البته ملاقات من با لئورانس در کلبه اش قدری نامناسب و عجیب جلوه میکند .
موقع گفتن این جمله رخساره هایش قرمز شده بود زیرا گفتن این مطلب برای او دشوار بود معذا ادامه داد بعد متوجه شدم که شوهرم در منزل آقای کلمنت زیاد توقف نخواهد کرد . برای پی بردن و مطمئن شدن ازین موضوع از در عقبی وارد حیاط سدم . تصور میکردم کسی مرا نخواهد دید ولی میس ماربل دوحیاط خانه اش بود متوجه ورود من گردیده مرا متوقف ساخت کمی با هم صحبت کردیم باو گفتم که دنبال

شوهرم آمده ام تا با هم برگردیم . نمیدانم آیا باور کرد یا خیر ؟ زیرا حالت عجیبی بخود گرفته بود . بعد از اینکه از او جداندم مستیجا به اینجا آمدم . از کج حویلی دور زده به پنجره دفتر کار آقای کشیش نزدیک شدم و نگاهی بدا خل آن افکندم . اتاق خالی بود . آنوقت برگشتم و به عجله خود رابه آتلیه نفاس رساندم و یک لحظه بعد لئورانس به من ملحق شد .

- گفتید اتاق خالی بود ؟
آری . شوهرم را آنجا ندیدم .
عجیب ... یعنی شوهرتان را در آنجا ندید بد ؟
ادامه دارد



شعر نو نیاز زمان است

و پدیدۀ عصر

مفتگوئی پیرا مون شعر امروز باشا عر جوان شاه امیر (فروغ)
- در شعر نو ساحت بیشتری برای جوان فکر شا عر و جسود
دارد.

- احساس شا عر احساس مردم است.
- شا عر در بر خورد مستقیم خود با مردم می تواند از محدودیت
های خود آگاه شود.

(کلمه ئی چند برای آشنا ئی باشاعر)
شاه امیر (فروغ) شا عر جوان در (۲۴) دلو سال ۱۳۳۰ در کابل
دیده به دنیا گشود. وی تحصیلات ابتدائیش را در مکتب سید جمال-
الدین افغان به پایان رسانیده در ریسۀ غازی به ادامۀ تحصیل پرداخت
و در ماه میزان سال ۱۳۴۹ شامل فاکولتۀ انجیری پوهنتون کابل
گردید و اکنون آخرین ماه های تحصیلاتش را در رشته انجیری
ساخمان می گذارند.

طوری که همه میدانیم امروز با رفتاری های زندگی ما شینی کمتر
کسی پیدا میشود که به دور شته متضاد علاقۀ مند گردد، در حالیکه
فروغ علاوه به شعر و ادب به رشته انجیری نیز عشق می ورزد و بدون
تردید با ذوقی که در وی نهفته است در هر دو رشته مورد نظر گامهای
وسعی خواهد برداشت.

میر سم نظرت راجع به روش نوین
در سرودن شعر چیست؟
- به عقیدۀ من شعری بنام شعر نو
وجود دارد و باید هم وجود داشته
باشد چه شعر نو نیاز زمان است
و پدیدۀ عصر.

بلبی شا عر امروز نباید
از ابزار شعری قرون گذشته
استفاده کند. آری صدای او باید
صدای مردم او باشد صدائی که
انسان معاصر او آنرا تشخیص دهد

و فریاد او فریاد انسان امروز.



امیر فروغ

شاعر امروز میداند که قالب های گذشته برای بیان احساسش تنگی
میکند و باید قواعد عروضی گذشته شکستانه شود. البته هدف مزاین
گفۀ ترک روش کلاسیک نیست بلکه باید یاد آور شوم که در شعر
نو هم وزن و جود دارد (البته نه همان وزن های ثابت بلکه
اوزانی که از محور عروضی گذشته جدا شدند) و شعر بدون وزن اصلا
سعر نیست ولی در قسمت قافیه باید بگویم که شا عر امروز در
شعرش قافیه را تقلیل داده و یا در برخی از اشعارش از قافیه اصلا
استفاده نمی کند و دلیل آن اینست که شاعر امروز میخواهد ساحت
بیشتری برای جولان فکرش داشته باشد.

- به عقیدۀ من شا عر چگونۀ خود را بشرايط زمان وفق دهد؟
- طوری که میدانید شعر صدای احساس شا عر است و احساس
شاعر احساس مردم است چه او در جامعه و در میان مردم زندگی
میکند حال اگر شاعر این احساس را مؤلفا نه در شعرش منعکس
میکند او خود را بشرايط زمان وفق داده ولی اگر شاعر خود را در میان
مردم نمی بیند و دنیا لهر و شعر از قرون گذشته است انسان هم
عصرش هرگز نمیتواند او را ببیند و صدایش را تشخیص دهد، چه
احساس او متعلق به گذشته هاست نه به انسان هم عصر او.

بقیه در صفحه ۶۰

ژوندون



روان شناسی

داشتن هدف روشن

اگر شخص هدفهای مشخص و معین
داشته باشد بندرت در حال نو سان
و بی تصمیمی است مثلا وقتی شما
بدانید که مقصد شما کجاست بدون
اینکه توجه ب دیگران داشته باشید
راه خود را انتخاب و به همان طرف
رهسپار خواهید شد.

وقتی از هدف صحبت میکنیم باید
میان هدف های آنی و هدفهای غایی
فرق قایل شد زیرا راههای رسیدن
به هر يك ممکن است با هم فرق
داشته باشد. خوشبخت آنکسی که
میداند چه میکند و چه باید بکند،
بطور کلی شایسته است که جوانان
در مکاتب تمایل شغلی در خود معلوم
دارند و استعداد خود را در زمینه آن
نمی پیوندند.



متناسب داشته باشید

مسائل زندگی جوانان

شماره ۲۹

زندگی امروز

تیمه ونگارش : فریحه پرچوش



بریزید تا نرم گردد - وقتی نرم شد با گوشت
کوفته مخلوط کنید - پیاز را پوست گرفته
ریزه کنید و با تخم ها ، مرچ و نمک
بالای مخلوط کوفته و مغز نان بیافزایید و
خوب به هم بریزید - روغن را در ظرفی ریخته
بگذارید داغ گردد از مخلوط فوق به هر
اندازه ای که خواسته اید گرفته به شکل بیضوی
در آورید و در روغن پشت و رویش را سرخ
کنید - قبل از انداختن در روغن کتلت ها را
در نان قاق میده شده بمالید و متوجه باشید
که بیش از یک یا دو عدد کتلت را در یک
دفعه سرخ نکنید ، زیرا هرگاه بیش از دوسه
عدد را یکجا سرخ کنید به علت آب انداختن
گوشت ، کتلت ها خراب خواهند شد -

کتلت مرغ

مواد لازم :

یک دانه مرغ متوسط ، یک عدد نان سفید
سیلو ، یک پیاله شیر ، دو عدد تخم مرغ
روغن ، مرچ و نمک -

طرز تهیه :

گوشت مرغ را پس از زینتن از استخوان
جدا کنید و از ماشین گوشت بکشید سپس
متباقی مواد را مانند مخلوط بالا یکجا نموده

و به همان شکل سرخ کنید -

کتلت ها را پس از کشیدن دو بشقاب

منوانید با یکا لوی بریان و سبز یجات تازه



مثل کشش ، نمک و امثال آنها زینت دهید -

کتلت ماهی

گوشت ماهی آب پز شده را از استخوان
جدا ساخته نا گوشت کوب خوب میده کنید -
حک ، مرچ و یکدانه تخم مرغ را با آن افزوده
خوب مخلوط نمائید سپس بصورت کتلت

در آورده در روغن داغ سرخ کنید -

بخش آشپزی

اینبار طرز تهیه چند نوع کتلت را بشما

نگاشته ایم تا اگر خواسته باشید آنها را در

صورت وقت داشتن روزهای رخصتی بپزید -

دکوراسیون زیبا با هزینه ناچیز

خانه و منزل بهترین محل آسایش و
راحت است و چه بهتر اگر فضای آن پر علاوه صفا و
صمیمیت ، زیبا و دلنشین نیز بوده و دکور
قشنگی داشته باشد -

ولی متأسفانه اکثر خانها بدین عقیده
اند که برای دیزاین و دکور اتاق ها باید
پول کافی داشت تا بتوان منزل را آراسته
ساخت -

در حالیکه دکوراسیون خوب و قشنگ
مربوط به گرانی اشیا و قیمت لوازم نیست ،
بلکه بسته به خوشی ذوقی آقا و خانم خانه
است -

دکوراسیون زیبا و مناسب بهتر از لوازم
قیمتی است و به زیبایی اتاق اهمیت بیشتر دارد -
لوازم و سامان پربها و تجملی هیچگاه
نتوانسته جای یک دکور زیبا و مقبول را
پرسازد مگر اینکه با ذوق و سلیقه انتخاب
و جیده سده باشد -

دکور منزل و اتاق با مصالح زیاد نماینده
ذوق و سلیقه خوب شما نیست - هرگاه پول
زیاد دسترس شما باشد ، میشود بهترین مبل
ها و اثاث را داشت و یا خریداری کرد و با آن
اتاق را آراست ولی اگر شما با بودجه کم

و هزینه ناچیز موفق به دکور و تزئین منزل
گردید و یا با ابتکار و آشنایی غیر قابل
استفاده ، لوازم کارآمد سازید و در دکور



کتلت گوشت

مواد لازم :

بیم گیلو گرام گوشت بدون چربی ، یک
عدد نان سفید سیلو ، یک پیاله شیر ، یک
دانه پیاز بزرگ ، دو دانه تخم مرغ ، مقداری
روغن ، نمک و مرچ به قدر ضرورت -

طرز تهیه :

گوشت را دوبار از ماشین گوشت بکشید -
مغز نان سفید را در آورده شیر را رویش

ن ... چه شود ؟
حک در جای مرطوب آبرو بشود دشت
متشد پس باید آنرا درجای خشکته
گذاشت .
حم های مرغ را باید درجای مرده حفظ
کردمانه بقدری که یخ بیندند ، تخم ها را
یک یک باعم و یاچیز دیگری چرب کنیده
درصاف بوره ازه پاکاه بچینید - بدین ترتیب
جواب تر و دیرتر باقی میماند *

تأثیر مواد غذایی در بدن

داشتن بدن سالم و نیرو مثله باعث
نشاط و عمر طولانی است همه‌وجه بستگی
مستقیم پروتئین ها و عناصر معدنی و مواد
غذایی کافی دارد - یک انسان کامل و
سالم روزانه بطور اوسط محتاج (۲۴۰۰)
کالوری مییابد و این مقدار نیرو و حرارت
را بد بواسطه غذاهای مختلف تأمین گردد.

سر گیجه، خستگی، چرت زدن، ضعف
در مقابل امراض اثراتی است که یک
رژیم ناقص غذایی برای انسان بشمار میآید.

کالوری : عبارت از واحد حرارت است که این حرارت از مصروف

مواد قندی ، نشایسته یی ، چربیها و مواد سفیده ای در بدن تولید میگردند در حقیقت

و کچالو جای خشک و تاریک لازم دارند
ای حفظ آذوقه در یک مدت طولانی آید
و گنای انباش گرد (بی دی) (تی)
در هر دو که در هر دو
و در هر دو که در هر دو

رودت سم، کچالو، لبلبو و امش
پنجا رامیتوان میان گاه صندوق یادچاله
های زمی نگاه داشت ۱۰۰۰ صندوق نگاه
مدارید نه هر صندوق را اول مقداری گاه
روخته زرد و ویا کچالو را پس از
برگ هاوسیزی آن به ترتیب روی آن
پچینید و دو باره گاه بریزید تابه یکدیگر
بچسبید بعد طبقه دیگر همانطور یک گفته
شد چیده صندوق ها را پوکیت و درجای
سردی بگذارید و در زمستان یک یک را
باز کرده مصرف کنید.

اگر در چاله زمین نگاهداری میکنید به
عمن طریق بچینید منتها باید متوجه بود که
بالای چاله یک مجرای هواکش باقی بگذارید
و بعد یک قطعه سنگ و یا چوب روی آن
گذاشته باشاخه و برگ بپوشانید که آب

شما نباید به فکر خرید آذوقه بیاقتید مگر
اینکه پیش از پیش انبار و لوازم کار را
آماده ساخته باشید. انبار یا (خرج خانه)
را در جایی خشک و سردی در نظر بگیرید
که سه خمداری نیز نازیک باشد.

و اما بعد به نظر اخص فقهه ها
مدرست چندین ظروف گنجایش آنرا
دستی بوجه را آسان ساریده
بمس ظروف و پیپ های حاوی خوراکه را
کاشد چسبانده نوع آنرا روپیش بنو پسیده
با ذروت و ضرورت و استفاده آزان دچار
اشکال نگردید .

هرگز عده‌ای بودا مثل چای و مساله هاوا
بردی که هم نگذارید . برنج و آرد هرگاه از
نکستال به سال دیگر بماند شیشه میزند، برای
خلو گیری از آن تکه های کوچک نمک میان
آنها بگذارید .

نگهداری حبوبات اشکالی ندارد ولی آنهایکه
به سال دیگر میماند دیرتر پخته میشود .



شماره ۳۹

اشتباه

مردی که ریش بلند ی داشت
نصمیم کر فت . شب عید ریشش
را بترا شد . پس از اینکه به يك
سلمانى رفت و ریش خود را اصلاح
کرد : به خانه رفت اتفاقاً دید كه
كلید دروازه را بر خلاف همیشه با
خود ندارد ناچار زنگ دروازه را
فشار داد به محض اینکه ز نش -
دروازه را باز کرد ، خود را به
آغوش او انداخت و صور تش را
غرق در بوسه کرد .

مرد كه هر گز چنین محبت و
نوازش از زن خود ندیده بود سبخت
خوش حال شد و گفت :

عجب : پس اصلاح صور ت كاملاً
به نفع من تمام شد .

زن و حشمت زده گفت :
ای وای ، خاك عالم به سرم ...
من اصلاً ترا نشنا ختم !

دلیل خوب

داكترى از مريضش پرسید كه
چرا دوايت را نخوردى مريض جواب
داد در پشت بوطل دوا نوشته شده
بود كه همیشه سر آن بسته باشد ،
بنا برین سر بوطل را باز نكردم .

وكيل دعوا

مادری سر خود را صدا زد گفت : احمد جان وقتیکه بزرگ شوى چه
شغلى را خوش خواهى داشت احمد گفت مادر جان مى خواهم وكيل دعوا
شوم و هر وقت شما با پدرم جنگ مى كرديد بين شما صلح كنم .



ما جرای تصادم

ژوندون



موزیسین

روزی درس يك پروفیسور ،
معارف بیماری های حنجره و جهاز
تنفسی بود ... برای آنكه در س
باعمل توام باشد ، يكی از شاگردان
مردی را كه سالها بود از سینۀ دزد و
سكفشی مى نالید و هیچ دارو یی
دراو مؤثر واقع نشده بود . همراه
آورد تا پروفیسور عالی قدر .
جربه های گرانبهای خود را زوى او
به مرحله عمل بگذارد و به شاگرداسی
بیاورد ...

پروفیسور از مرد مريض پرسید !
- خوب ... شغل شما چیست ؟
- بنده موزیسین هستم .
پروفیسور آله درگلو او انداخت و
به شاگردان گفت :

ملاحظه كنید ... همان طوری
كه در درس های سابق نیز گفته ام
استعمال دارم يك آلت موسیقى
در نزد موزیسین ها تو لیدنارا حتى
هائى از قبیل تنك نفس و سینۀ دزد
مزمین و یا بیماری كه مربوط به
دستگاه تنفسى باشد مى كند ...
سپس رویش را به طرف موزیسین
كرد و گفت :

- خوب آقا ... شما چه سازى
میزنید ؟

مرد به سادگى جواب داد .

- قربان بنده طبالم !

صرفه جویی

پسری از پدرش پرسید :

پدرجان بین ممسكى و صرفه -

جو بودن فرق چیست :

پدر جواب داد

. سر جان اگر من با لا بوشم -

زمستانی خود را كه یارسال خریده ،

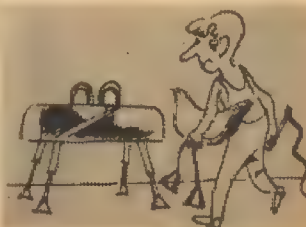
ام امسال نیز بوسم من يك

شخص صرفه جو هستم ولى اگر

از مارت بخواهم كه بالا بوش یارساله

اشاره امسال نیز بپوشد در آنحال

خیلى خصیص هستم .



بدون شرح



بدون شرح

وقتی مریض داکتر، زن خود او باشد:

زن داکتر، پیش شو هرش از سر دردی و کمر دردی شکایت میکرد. شوهر به او دلداری میداد و می گفت:

عزیزم، چیزی نیست، کمی سر ما خورده ای، وزود خوب می شوی!

زن بر آشفت و فریاد زد!
- اگر يك مریض نا آشنا پیش تو می آمد و از همین درد ها تاله می کرد تا به حال صد بار بر هنه اش می کردی؟!!



بدون شرح

حاشیه

یکی از مجلات اروپایی، نامه یی به این شرح از یکی از مشترکین خود دریافت داشت:

- سال پیش، موقعی که مجله شما را مشترک شدم، در یکی از شماره ها به يك اعلان رسیدم که هرکس از مطالب این مجله را ضی نیست، می تواند دریا یاں سال وجه اشتراك خود را پس بگیرد! حالا چون من راضی نبوده ام، لطفا پولم را پس بفرستید!

اما در آخر این نامه يك «حاشیه» بود به این شرح:
«ضمناً، چون نمی خواهم شماراز این بابت ناراحت کنم، لذا تقاضا دارم مبلغی را - که باید پس بفرستید بابت اشتراك سال آینده حساب کنید!!

اسکندر و دزد

اسکندر به کشتن دزدی فر مان

داد!

دزد گفت:

- من در این کار - که کردم -

قلبم راضی نبود.

اسکندر گفت:

- در کشته شدن تو نیز قلبم راضی نباشد!

پدر: بسم تمام خواندن های کلاسیک را می داند اما چون سن آن کوچک است، و قنیه که کلمات را به درستی اجرا کرده نمی تواند من فوراً کمکش میکنم

خرس قوی هیکل

جهانگردی - که خیلی تنو مند و قوی بود - تازه از جنگل باز گشته بود و با حرارت زیادی برای یکی از دوستانش مشاهدات خود را تعریف می کرد. ضمن صحبت چنین گفت:
- بالاخره وقتی وارد اطاق شدم، بایک خرس قوی هیکل و مهبیبی مصادف شدم! آبا حدس می زنی چه کردم؟
رفیقش با خونسردی جواب داد:
- خوب دیگر آینه را شکستی؟!!



به آرزوی کم وزنی

شکاری

روزی برای تاجری يك باز شکاری آوردند، گفت:

- این مرغ چه هنری دارد؟ گفتند:

- كبك و كبوتر شکار می کند.

گفت:

- چه می خورد؟

گفتند:

- روزی يك مرغ!

گفت: آزادش کنید، بگذارید خودش بگیرد و خودش بخورد!

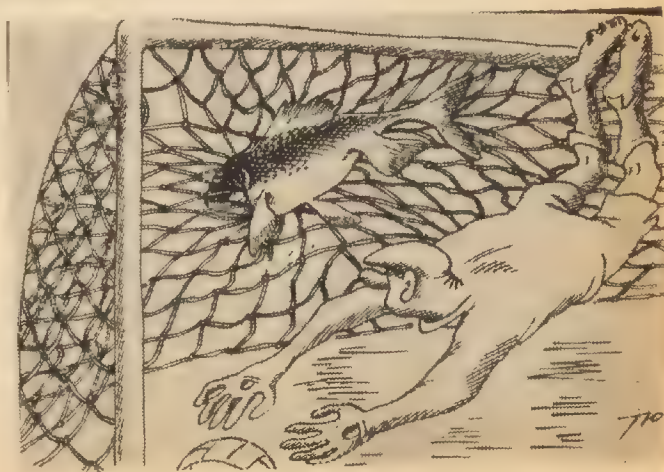
باز هم دیوانگان

روزی مدیر دار المجانین برای باز دید دیوانگان به شفاخانه رفت. تمام دیوانگان با لباس سفید دريك خط ایستاده و همه در کمال ادب همان طوری که قبلاً تعلیم گردیده بودند به مدیر سلام دادند. ولی در آخر صف يك نفر اصلاً سلام نداد و کوچک ترین احترامی به مدیر نگذاشت!
مدیر - که از این دیوانه لجوج بی ادب سخت عصبانی شده بود - فریاد زد:

- احمق! چرا احترام نمی گذاری؟

آن مرد بلا فاصله جواب داد:

- قر بان، من دیوانه نیستم، من پرستارم!



بدون شرح

دمین په لور



هره ورځ دسهار په پنځو بجوله خوب نه راویننیم، تر څو دغواوو شیدي ولویشم او څارویو نه خواږه ورکړم، له دی نه وروسته په سل گونو نور کارونه پانی کیدل دشبې له خوا به دومره ستړی په بستر کېنسی عزیزم چه خوب به نه رانه. زه می څومره غوښتل چه امید ولرم روښانه ورځی هم زما په مخکی نسته...

دجنوری دمیاشتی په وروستیو وختونو کېنسی یوه ورځ مازیگر دلمر ژپړی وړانگی دغرونو تر څسټ پیټید لی چه «مایکل او شی» کروندی ته راغی هغه لوپ قد درلود آرام او مهربان آواز یی درلود هغه به کار پسې گرځیده، دادانتظار نه لری یو تصادف و داسی تصادف چه موبد یو سړی مرستی ته اړتیا درلوده سره له دی چه هغه دادنا ترور سره خبری کو لی خو په دی پوهیدم اودا احساس می کولی شو چه هغه دستر گوله کونج نه ماته گوری یوځل می ځانته جرئت ورکړ او خپل سر می پورته کړ تر څو دغه سترگو ته وگورم خوکله چه هغه موسکی شو خپل سر می کېنسته واچاوه اوداسی می وښودل چه زه متوجه شوی نه یم په ما کېنسی عجیب احساس پیدا شوی و ده دهغو کسانو سره توپیر درلود چه ما مخکېنسی لیدلی وو اوزه نه پوهیدم چه څه عکس العمل باید وښیم.

خو ناڅایه کله چه دادنا ترورد کروندی اومانه دهغی درسید لویه باره کېنسی دخپلو پخوا نپو خبرویه باب خبری پیل کړی غوښی می زین شو، مایکل اوشی په مو سکا سره دهغی خبری اوردلی، خوددی موضوع ظاهر دومره ورته په زړه پوری نه بریښیده نه پوهیدم چه په زړه کی می ځله داخبره احساس سو له هغه داسی سړی نه دی چه پیسی ورت

له هر څه نه زیات ارزښت ولری. دمایکل راتلل لکه دنوی روح په څیر و چه کروندی او په همدی ډول زمونږ په کالبد کېنسی پوشوی و هغه هرکار کاوه یوه ورځ دبلسی ورځی په نسبت ښکلی او خوشحاله بریښیده سړی دهغه سره په کارکی ځان خو ښ احساس ساوه، په خپل ټول ژوند کېنسی می لکه ددی څسو هفتو په څیر ځان نیکمرغه نه ولیدلی کله کله بهد مازیگر له خواد کور په برنډه کېنسی ناست و اود خولی ساز به یی غږاوه اوویل به یی چهدا کار می پلار رانه ښودلی دی هغه ځینی نور شیان هم دخپل ځان په باره کېنسی ماته وویل: هغه «سان فرنا» ندو» پدیره کېنسی لوی شوی و خو کله یی چه دوه کاله دمخه لاردو څخه وویست په پر له پسې ډول د کار په لټه دی ښار ته او هغه ښار ته تللی و.

دا زما په نظر په زړه پوری ژوند و، همیشه می هغه دی ته تشویق کاوه چه خپل ځان په باره کېنسی زیاتی خبری وکړی، خو یوه ورځ چه کورته راستنیدو مایکل ماته مخ کړ، مو سکي شو او ویی ویل: -پوهیږی ژنویو، ته عجیبه نجلۍ یی ته تل خبری کوی خو هیڅکله دخپل ځان په باره کېنسی یوه خبره هم نه کوی ستا په دغه کو چنی ککری کېنسی څه ډول فکر ونه تیریري؟ ته له ژوند نه څه غواړی؟

ناڅایه می داخبره احساس کړه چه زړه می وزښینل شو او اوښکو می سترگی ډکې کړی ما لکه دنورو پیغلو به څیر خوب او خیال نه درلود آینه یو داسی شی و چه هڅه می کو له ډیر دهغی په باره کی فکرونه وکړم مایکل بیابو بنننه وکړه.

ته نه غواړی چه سفر وکړی او بیل بیل ځایونه وړینی ډیر په زړه

پوری دی، ډیر شیان زده کوی په تیرو دوو کلونو کېنسی ما ډیر بڼه ژوند کړی دی.

په دی وخت کېنسی مایکل خپل لاسونه زما په غاړه کېنسی واچو ل او په غوږ کېنسی یی رانه وویل:

زه فکر نه کوم چه له دی شبی نه وروسته هر څه همداسی پاتې شی زه به تا عاشق یم، ژنویو ایاته هم په دی پوهیږی؟ دایوله التها ب نه ډک خوب او په عین حال کېنسی له امکان نه لیری و هو دایو خوب ودا چه په ځان داخبره ومنم چه دا خبری مایکل کړیدی خو کله چه هغه زه په غین کېنسی ونیولم وپو هیډم چه دا ټول شیان واقعاً پېښیري ځان می وړ وړاندی کړ، پما هم مایکل گران و. به وروستیو هفتو کېنسی ټو لو شیانو خپله بڼه بدله کړی وه حتی دادنا ترور بی څایه انتفا دونو او بدویلو هم کو لای شول چه مایوه اندازه ناآرامه کړی دهغه یوازینی شی په باب می چه فکر کاوه هغه مایکل و.

هغه هلته دو مړه کار کړی و چه وکولای شی واقعیت درک کړی هغه په دی پو هیډه چه دادنا ترور رزه دپرو کلونو دپاره دخپل نفوذ لاندی ساتلی یم اولاوس هم غواړی چه ما هلته وساتی به همدی دلیل پو هیډه چه تراوسه لاداکار عا قلا نه نه دی چه زما په نسبت خپله رابطه څرگنده او ښکاره کړی.

خودادنا ترور دتیز او هو ښیاز طبع له نظره هیڅ شی بټ نه پاتی کیده هغی دڅه مودی نه را په دیخوا زمونږ څارنه کوله ښایي چه زمونږ خبری یی هم اورید لی وی تر څو یوه ورځ دچار شنبی دغرمی نه وروسته هر څه لکه دلمر په څیر روښانه شول. ما او مایکل لکه دتل په څیر دکور په برنډه کېنسی ناست و او موږ یوهم دکور ددروازی د خلا صیدو آواز وانه اورید موږ دواړه یوډبل په غین کېنسی پرا ته و او دد عشق او مینۍ خبری مو کولی له هر څه نه بی خبره ز، دادنا ترور موږ ته متوجه شوه او لکه په شپه کېنسی دچاودنی په څیر یی چیغه کړه.

ژنویو! ژر کور ته راشه.

مایکل په داسی حال کېنسی چه زه یی په غین کېنسی نیولی وم په آرامی سره وویل:

یوه دقیقه وخت راکړه، ښځه پورته شوه فکر کوم چه ته باید په

یوشی وپوهیږی.

زه پوره پوهیدم همدا چه دلته راغلم او خپله وریره می په دی حال ولیده ناڅایه مایکل په تنده لېجه وویل: -داحقیقت نه لری دژنویو یوازینی گناه داده چه ډیره شر میندو که ده اود خپلو احساساتو په وړاندی ستا سی له عکس العمل څخه ویریري. ومی ویل:

مایکل خواهش کوم.

دادنا ترور وویل:

زه په ټولو شیانو پوهیدم، ناسی تردی وروسته دلته کوم کار نه لری ښاغلی او شی. ناسی له دی څایه باید ژر ووځی، همدا نن شپه خپل وسایل ټول کړی او له دی څایه لاړ شی.

بیا زما ځوانه راستنه شوه او ویی ویل:

وادی نه اوریدل چه څه می وویل ژر کور ته راشه.

خو پخوا له دی چه له خپل ځای نه جیگه شم مایکل ورو، وویل:

-دشنبې په شپه په اتوبوجود سیند په غاړه ستا انتظار کاږم، وروسته بیا خبری کوم.

سهار مایکل تللی و او کور دهغه په خالی کیدو سره غمزده بریښیده هرکله به می چه دهغه په باب فکر کاوه او ښکی می له سترگو بهیدی اود ځان مخه می نه شوه نیولی ددی په څنگ کېنسی په دی باندی په پو هیډ لو سره چه دشنبې په شپه هغه وینم یو څه آرا میدم باید په یو ترتیب له کور څخه وتلی وم، ما غوښتل چه مایکل وینم، مجبوره وم دهغه سره می مینه درلوده.

له ښه مرغه په دی شپه دادنا ترور ژر ویده شوه، یوه شپه وروسته له کور څخه وتیم او دوحشی گونو په پو ټو کېنسی می دسیند خواته منډه کړه دځانه سره می ویل: مایکل مایکل زه له تاسره مینه لرم زړه می دزیات هیجان نه سخت درزیده کله چه دسیند په غاړه دتپیری دپا سه کېنناستم مایکل لا تر او سه نه و راغلی زه دټاکلی وخت نه نیم ساعت دمخه تللی وم هلته دهغه په انتظار کېنناستم، هغه ځای لکه دجنت به څیر و، داوبو دتپیریدو آواز اود گونو مست کوونکو یوبونو دخپال نه ډک محیط جوړ کړی و مایکل هم ډیر ژر راته او دغه ښکلا یی نوره هم زیات ټوله کله چه می دونو ترڅپ دپښو آواز واورید په وار خطا بی سره له خپل ځای نه پا څیښم خو یوه شپه

وروسته دهغه څه په لیدلو سره چه
زما په مخکښې ولاړ و پخپل ځای وچه
بانی شوم.

برونو یو نښته وکړه :

چه پښې شوی ژنویو؟ اعجب
بی وکړ، فکر کوم دا انتظار دی نه
درلود چه بیا ماوینی ، آیا داسی نه
ده؟

ته څه غواړی ؟

هغه په داسی حال کښی چه زما
په زخم مالگی دوپولی وویل:

ته باید پوهه شی ، غواړم چه ستا
ددی کار تلا فی وکړم شرط ږدم
فکر دی کړی چه مادبل دپاره خپل
گورورک کړیدی خو له هغی ورځی
نه را په دیخوا په دی ځای کښی دوخت
په انتظار وم.

په غریزی تو گه می احساس
کاوه چه باید وتښتم ، خو نه میسی
شوای کولی له ډیری ویزی زما پښو
دحرکت توان نه درلود.

په دی وخت کښی مایکل دونو له
منځه راووت ، هیڅکله دهیچا له لید
لوڅخه دومره خو شحا له شوی نه
وم لکه دمایکل په لید لو چه خوشحاله
شوم په داسی حال کښی اوښکی می
له سترگو نه روانی وی ځان می
هغه ته ور ورساوه.

برونو وغوړیده اووی ویل:

لکه چه دژپی ښځی اوویری یی

بیاهم یوبل څوک پیدا کړی دی.
مایکل په سپړه وضعه یو نښته
وکړه:

ته څوک یی؟ دلته څه کار کوی
که چیری دی ژنویو ته څه تاوان
رسولی وی زه...

زما نصیحت ومنه ښا غلیه،
دانجلی دجگړی ارزښت نه لری
پوهیږم چه ته لادهغوی دلویو سره
بلد شوی نه یی.

مایکل په حیرانتیا سره ما نه
وکتل اووی ویل:

داسی دڅه شی په باره کښی
خبری کوی؟
پخوا له دی چه زه یو څه وویلی

شم برونو داسی دوام ورکړ:

شرط ږدم چه ته هم زما په څیر
په ویاړ دپول دژپی ښځی دپاره کار
کوی. بیا هم شرط ږدم چه ستاد
استخدام نه دمخه یی یوه لنډه کیسه
هم درته کړی ده چه یوه ورځ به دغه
نجلی دژپی ښځی دکرندی او ټولو
مالونو خاوند شی اوداچه زړه ښځه
به ژر مړه شی اود کروندی دکارونو
دخوندی کولو دپاره دبل چا مرستی
ته اړمه هو ښا غلیه زه هم یو وخت
په دی لومه کښی نښتی وم.

مایکل په قهر ورته وکتل او
برونو په داسی حال کښی چه
شونای یی یو خولی دڅنگله په
تیاره کښی ورک شو.

دهغه له تللو وروسته مایکل په
داسی حال کښی چه غو سه یسی
لانهوه ناسته ماته راستون شو او
وی ویل :

دا خبری حقیقت لری ژنویو؟
دومره پریشان نه شوم چه نه پوهیږم
څه ووايم.

په داسی حال کښی چه ستو نی
می ډک ډک کیده اعتراف می وکړ.
هو مایکل مگر ته متوجه نه یی
چه...

ډیر ښه متوجه یم تاسی ما نه
په بشپړه تو گه لاس واچاوه او پخوا
له دی چه ماته دڅه ویلو وخت را کړی
مخیی رانه وگرځاوه او په کومه لاره
چه راغلی و ډیرته لاریوه ورځ وروسته
بیرته سخت کارونه پیل شول ټول
کارونه زما په غاړه و، دادنا ترور دی
وروسته نه غو نښتل چه څوک
استخدام کړی.

یوه شپه کله چه په بستره کښی
وغزیدم سرمی گرځیده تپی ونیوم
ترسپار پوری ویده نه شوم خو کله
چه سهار پاڅیدم هڅه می وکړه چه دا
موضوع دادنا ترور ته ووايم هغی زما
خبری ونه منلی او وی ویل :

بی ځایه تمارض مه کوه کارونه
نیمگړی پاتی کیږی ، نه پخپله ښه
پوهیږی.

هڅه می وکړه چه له بستری

پاڅیرم خو کله چه می غو نښتل خپلی جامی
بدلی کړم سرمی وگرځید او په
ځمکه ولویدم خو شیبی وروسته می
چه کله سترگی خلاصی کړی لومړی
شی می چه ولید هغه د مایکل صورت
و فکر می وکړ چه د ناروغی په اثر
په اوها مو او تخیلاتو اخته شوی یم
خو کله چه می سترگی پټی او
بیرته خلاصی کړی هغه لاهلته ولاړ
و موسکی شو اووی ویل:

څنگه یی ژنویو؟
او ه مایکل داته یی نودا چه

خوب نه دی.
هغه زما په مخ په مهربانی لاس

تیر کړ اووی ویل:
هو گرانی، زه دلته یم او نور به
تاهيڅکله پری نه ږدم او کله چه له
رو غتون څخه رسخت شوی یو دبل
سره به واده کووالیته که ستا خوښه
وی.

دادنا ترور اجازه نه را کوی
چه کرونده خو شی کړم، هغه به
زمونږ مخه ونیسی ..

ته نو لس کلنه یی ژنویو اود
قانون له مخی هرڅه دی چه زړه -
وغواړی کولی یی شی، ستا ترور په
هیڅ وجهه نه شی کولی چه ستا مخه
ونیسی.

سرتی می ټکان ورکړ اوومی ویل

پاتی په ۵۶ مخکی



دلیپ کمار کیست

کرده بود (بالاخره اکتوری، را شناختم که می تواند پس از مرگم جایم را بر کند).

بگفته شماره دیگر فلم فیر دلیپ کمار در آوانیکه هنوز در «پنج گنی» مصروف تحصیلات بود روزی به سراغ کف شناسی رفته و از وی خواسته تا آینده اش را بگوید. کف شناس برایش گفته بود که تو در آینده (نت) مشهوری خواهی شد. دلیپ که هندی رانمی دانست محض کلمه نت را به خاطر داشته و در پونه بعضا به فکر کلمه نت میشد. تا اینکه روزی کسی که هندی میدانست نت را برایش «اکتور» ترجمه کرده و سر انجام پیشگوی کف شناس در مورد این جوان متعلم صدق می کند و شهرت آفاقی برایش بارمغان می آورد.

در یکی از مسابقات که فلم فیر تحت عنوان «اکتور مو فق و مورد نظر تانرا» انتخاب نماییه برگزار نموده بود گذشته از اینکه دلیپ کمار با داشتن دو صدویک رای از آشوک کمار که هشتاد و نه رای و راجکپور که چهل و هفت رای داشت جلو افتاد.

بقیه در صفحه ۵۱

سرد و غیر الکو لی آنهم دریک دکان کوچک پسر کرد گمی خودش آغاز کرد، که پس از یک سال به سینما راه یافته و یک باره پس از دو ماه هنر پیشه گمی بمعاش ماهانه هشتصد کلدار قرارداد امضا کرد که دیدن این پول گزاف برای کسیکه ماهانه سی و پنج کلدار عاید داشت خالی از دستپا چکی نبوده و یک باره به فکر آن شد که آیا مالیات بر عایدات این رقم را چگونه خواهد پرداخت. پس از نخستین فلمش (جوار پها) اسم هنری اش را «باسوریف» گذاشتند که فلم میلن خود را نیز زیر همین عنوان به بازار کشیده و دو فلم وی سر آمد عایداتی کلیه فلمهای آن وقت از آب در آمد. متعاقب دو فلم بالا فلمهای دیگری نیز ازین هنر پیشه تازه دم، مانند (شسید، میله، شبنم، آرزو، انداز بابل و دیدار) به بازار آمد و چنان شد که بین مردم لقب «شهرزاده هنر احساسی» و شاه تراژیدی سینمای هندوستان را گرفت. موتی لال هنر پیشه بی رقیب آن وقت سینمای هند در یکی از صاحب هایش که در فلم فیر به نشر رسیده بود از هنر شکو فان دلیپ کمار به نیکویی یاد آوری کرده و علاوه

نه در لود. دچاپ دهنر به خانگه کبسی ننتیو فارغانو یو دبل سره گیون کپی اود چاپ دستگاری یی اخیستی دی او چاپی بشکلی آثار منخ ته راو پی خکه



گرافیک هنر

به پرله پسوی دول زیات مادی ارزنت و رکوی او هغه په لوړو بیو پلوری دهغوی دآثارو چاپ دهغو کور نیو دپاره دحل یوه لاره ده چه غواپی یو هنری اثر ولری، هغه تحول چه په امریکی کبسی دچاپ به هنر کبسی ۱۹۴۰ کال نه را په دیخوا منخ ته راغلی دی ددی خانگی دزده کوونکو دیو زیات شمیر د زیاتوالی سبب شوی دی.

خوکاله مخکنی دگرافیک هنر یو زده کوونکی په پوهنتون کبسی دزده کړی نه دخلاصیدو وروسته مجبور و چه خپل هنر دتجارتی او تبلیغاتی فعالیتونو په خدمت کبسی کبسی دی خکه خو ک ددی خانگی اخيستونکی نه و او دچاپ د قیمتو و سایلنو اخيستل هم دیو ځوان دپاره غیر ممکن و او دخو اثارو پلورلو چه دزده کړی په نرخ کبسی ترسره شوی هم امکان

۳۱- پیودی
میناکاماری
۳۲- پیغام
ویجنتی مالا - راجکمار
۳۳- کوه نور
میناکاماری
۳۴- مقل اعظم
مدهوبالا
۳۵- گنگا چنا
ویجنتی مالا - ناصر خان
۳۶- لیدر
ویجنتی مالا
۳۷- دل دیا دردلیا
وحده وحمن
۳۸- رام اورشیام
وحیده وحمن
۳۹- آدمی
وحیده وحمن - منوج کمار
۴۰- سنگرش
ویجنتی مالا
۴۱- گوپی
سایره بانو
۴۲- سکنیه مهاتو
سایره بانو
۴۳- داستان
شریلا تاگور
۳۴- سگینه
سایره بانو
۴۵- پسر کب ملو می
هنر پیشه مهبان

بقول مجله فلم فیر سال ۱۹۵۳ دلیپ کمار قبل پرینکه روی یک تصادف سینما راه یافت حتی خوابی هم از هنر پیشه شدن ندیده، وایدا چنین خیالی هم در مخیله اش خطور نمی کرد.

وی همیشه باین آرزو بود که روزی یک «کرکتر» خوب از آب در آمده و بتواند اسمش را بر سر زبانها بیاورد، چنانچه در یکی از تیمهای آن وقت عضویت داشته و در مسابقات نیز شرکت میجست.

در یکی از رخصتی ها که دلیپ کمار به (نیتال) رفته بود وی،

تصادف با میر من دیو کارانی، معرفی گردیده و در نخستین بر خورد شاید میرمن دیو کارانی از هنر نهفته دلیپ جوان چیزی میانه بسته که فوراً رول اول فلمش را که تحت عنوان فلمهای «بمبی تاکیس» به

سپورت های قدیمه یکنوع تر بیه روحی منظور بود که از آن نتایج بارز اخلاقی و ما دی بو جود می آمد. از گذشته های قدیم تا یک قرن قبل انواع سپورت ها از قبیل نیسزه زدن، پیر اندازی، اسب سواری، سنگ انداختن، کوه نوردی، سر جبه، یخمالک، پیاده رفتن، گردن شن های صبح و عصر، اقسام دویدن ها و شطارت های کشتی گیری، جوب بازی، شمشیر جنگی، و زن (باقیدار)

چهاره ورزشی

نباغلی عبدالله شکوری معلم صف ۱۱ و سرتیم باسکتبال لیسه نادریه یکی از ورزش کاران خوب و با استعداد است که از آغاز فعالیت ورزشی استعداد و لیات خویش در باسکتبال نشان داده و همه را معقد به این ساخته که آینده درخشانی در انتظارش است و شاید بایست کاری که دارد روزی از خوب ترین چهره ورزشی نه نهادار کشور حتی در منطقه و جهان گردد.

۲۰ سال عمر دارد ولی شطارتش او را خیلی بزرگتر از سنش مینماید.

عبدالله شکوری معتقد است که بازی های اجتماع خیلی خوب در میان مردم جامیگردد نسبت به بازی های انفرادی.

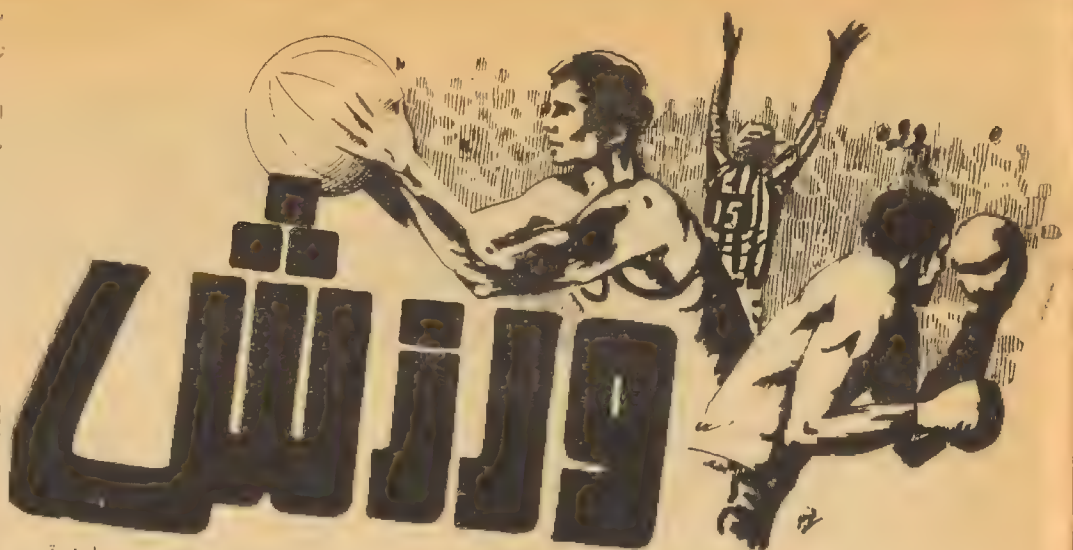
همچنان ورزشکاران ما را که با این همه محدودیت و عدم موجودیت وسایل و شرایط خوب باز هم توانسته اند چیزی از خویش سازند بدیده قدر دیده و آینده ورزش را بسوی کشور خیلی درخشان مینگرد.

در ورزش اخلاق و ورزشی را از همه مهم تر دانسته و آنرا در میان همفروزشکاران آرزو دارد.

بورنمت هارا اگرچه که بسیار کو چکنم باشد در امر بهتر شدن ورزش خیلی ضروری می پندارد.



نباغلی شکوری در میان سایر ورزشکاران



حیات اجتماعی و عنعنوی این قوم شامع این مدعا است و گذارشات چندین قرن به این خاک نشان میدهد که علاقه به سپورت و عشق ورزش در این سر زمین از قرون قدیمه تا حال و از حال تا استقبال چیز طبیعی و جز و لا ینفک این قوم است همین علاقه به ورزش و توجه به ادمان های مختلف و عشق بسلا مت بدن بوده که نسل ساکنین این مرز بوم صحیح و مقارعت و ثبات شان در مقابل رزم از میان دنیا بالا تر از توصیف است و روح از ا دی سلحشوری و صیانت نوا میسر شانرا طوریکه شایسته مقام این خاک حریت پسند است حفظ نمود ساکنین قوی پنجه این خاک از خوردی جوانی و از جوانی تا پیری برای حفظ صحت و صیانت مقام مر دی روحا و جسمنا به سپورت های مختلفه و بازی های متنوعه که از یکطرف عنعنات قومی و ملی و از طرف دیگر روحیات افغانی دران تقویه و تنمیه می شد میا درت ورزیده اند و در سایه جریانات سپورتی و حفظ الصحه بسا مسایل اجتماعی و عنعنوی خود را حما به میکردند.

سپورت در از منة قدیم و اجداد و نیاکان ما یکی از مسایل بزرگ اجتماعی و یکی از قوانین مهم حیات آنها بوده و هست. اطفال را از خوردی با انواع سپورت و بازی ها و شطارت های جسمی و روحی تربیه می نمودند.

رئیس خان نواده برای پیشرفت سپورت تقویه و تنمیه و جود باقسام سپورت ها و بازی های اخلاقی تثبیت می نمود و روحا پڑ مرده و بدن های عاطل را نکو هشی مینمودند و برای جلو گیری از همچه روحیه جدا میگو شیدند در تمام بازی ها و

تاریخ سپورت معارف افغانستان

نباغلی آقا محمد بهار مدیر عمومی فنی ریاست المپیک و عده داده تا بعد ازین مطالبی پیرامون تاریخ و ریشه این مجله بفرستد ما در حالیکه از ایشان تشکر میکنیم اینک او لیسن مقاله شانرا تحت عنوان فوق به نشر می سپاریم.

ساکنین سر زمین سلحشور عقل سلیم در بدن سالم است اولتر و با ستمانی افغانستان از یاد وار و بیشتر از همه در حیات اجتماعی قدیمه تا کنون به اهمیت و مقام و کثورتی خود تطبیق نموده اند سپورت مطلع و این مقوله را که حناچه تاریخ ادوار قدیمه و حال

ترینر تیم منتخبه کابل



نباغلی سانیفک

سانیفک در مقابل آنها بازی می نمود همیشه با ترسو هراس از دروازه محافظت میکردند هنگامیکه سانیفک در تیم ملی شوروی انتخاب شد پنج سال بعد ازان دوتیم منتخبه اروپا که از جمله بهترین و زیاده تر یسن فوتبالست های ممالک اروپایی تعیین می گردد نیز انتخاب شده است.

مجله فرانس فوتبال نام سانیفک راستاره فوتبال شوروی گفته است سانیفک بهمازگناهه گیری از فوتبال بحث تریتر تیم ملی جوانان شوروی، کمسک تریتر تیم «سپاد تاک» تریتر تیم سپاد تاک و همچنان مفسر ورزشی وادیو و تلویزیون ایفای وظیفه نموده است. سانیفک فعلا بهیث تریتر تیم ملی افغانستان به کار ادامه میدهد.

اتحاد شوروی از پنجاهمین سالگرد تولد فوتبالست مشهور خود و جهان در دهه ۱۹۶۰-۱۹۵۰ تجلیل بعمل آورده که مجله سپورتی آن کشور دو مورد چنین نوشته:

سرنوشت فاینل بین تیم دینامو کیف و تیم شوروی در سال ۱۹۴۴ توسط ضربه فیصله کن جوان ۱۸ ساله به اسم (سرگی) گیویچ سالتیکف) با تمام رسید در نوامبر سال ۱۹۵۸ در مسابقه فاینل بین تیم دینامو کیف و تیم سپاد تاک نیز ضربه کاتر سانیفک و گول نمودن ضربه مذکور قهرمانی سپاد تاک را تثبیت نمود سانیفک درین سال ۳۳ ساله بود. موصوف به همراه تیم منتخب اتحاد شوروی در مسابقات المپیک اشتراک کرده است سانیفک ۱۷ سال در تیم های مشهور اتحاد شوروی و تیم ملی آن کشور بازی های درخشان ارائه نموده است وی در شمار گول زنان مشهور شوروی ۱۵۱ گول به نفع تیم های خویش بیادگار دارد.

نخستین فوق عالی و حرکات مجرا العقول آن با توپوی رادر زمره فوتبالست های مشهور جهانی قرار داده است که هیچ وقت فراموش نمیشود گولگیران تمام تیم های که

ازدوستان

از: احمدجان (امینی)

ارمغان عید

عید است و در خیال تو تنها گریستم
یادم ز عید پار رسیدو کنار جو

توارد

در ادب درباری موصو عیست به عنوانی
(توارد) و چه بسا که نام سرقت ادبی را
هم توارد میمانند - چنانچه در «تذکره
حسینی» آمده که شیدا در انجمنی گفت:

ذات تو بود صحیفه کون که کرد
ارو ی ادب میرحدا بر پشت

ملافیرور طریفانه گفت: (هرگاه حافظی
صدو پنجاه سال قبل این اشعار را از شیدا
دزدیده باشد تقصیر شیدا چیست؟

سور راتونی آن نامه درمست
که از نظمیت آمد مهر بر پشت

بدان حال این گوهرس قتها که اصل شان
در صورتی است به قول شاعر
وای رانکه رحدو پیش کبکبار شده
به گناه پدر خویش گرفتار شده

به حال توارد در ادبیات مردم با کیفیت

پایه و بنیان معرفت

معرفت عبارت است از انعکاس فعال جهان
یعنی در مغز انسان سرچشمه
معرفت دنیای پیرامون انسان است. آدمی،
کو همسازان، جنگل ها، رودخانه ها و
سازگان رami نگردد. گرما و سرما و فروغ
حوضش را احساس میکند و آوازهای
گوناگون را می شنود اگر این پدیده ها که
در خارج از شعور انسان قرار دارند بر او
تأثیر نمی کردند انسان از هیچ چیز
کو چکترین تصویری نمی داشت. بنابراین
پرستان واقعیت یعنی راسر چشمه معرفت
انسانی نمیدانند و به عقیده آنان انسان
نیروی آما ندارد که از راهای طبیعت را بکشد
و پدیده های جامعه را شناسد. واقع گرایانی
که پیش از سده نوزدهم زندگی میکردند و
معرفت را انعکاس اشیای خارجی در ذهن
انسان میدانستند در راه ازپا در افکندن بنای
بندار پریمی گام های استواری برداشتند
ولی باین هم اندیشه های آنان درباره جریان
معرفت با نارسایی ها آمیخته بود. آنها
معرفت را انعکاس و اعدت خارجی پاسیف
و غیرفعال میدانستند

تلاش خلاق انسان ها برای دگرگونی طبیعت و جامعه بنیاد معرفت است:

رای اینکه معرفت درائر اینگونه تلاش ها
پدید آمده و روپندگی و تکامل یافته است.

انسان این نخستین جاتوری که ابزار
ساخت و از ابزار کارگرفت. از سپیده دم
پیدا شدن خویش تاگزیر با مسرت کار
میکرد و وسایل زندگی خویش را بدست
می آورد. اودر جریان کار با نیروهای
سرکش طبیعت بر خوددار کرد و راههای
نیا هارا بر خویش آشکار ساخت. تکامل
کار سازندگی خواستار دانستی های بیشتر
و بیشتر بود.

در همان روزگاران کهن انسان بشمارش
ابزار کار و فر آورده های کار خویش نیاز
داست.

درائر این نیاز معلومات ریاضی پدید آمد
انسان به آبیاری بر داخت، برای حویس
خانه و کاشانه برپا کرد. به آباد کردن
راه ها اکوشید. برای انجام دادن اینکارها
اکاهی از قوانین مکانیک لازم بود. این
نارها معرفت انسانی را شگفتگی بخشید
و دانش ها پدید آمدند. بنا برآن اندیشه

دید و اندیشمند بزرگ سده هژ دهم
عشر آدمی را همانند موم میدانست که اشیای
خارجی بروی آن نقش خویش را بیجا
میکذارند. این مفکران زنده بودن و فعال
بودن معرفت یابنده (انسان) را به شما
نمی آوردند. و بزرگ ترین لغزش آنان
این بود که نقش تلاش های آگاهانه انسان
هارا برای دگرگونی طبیعت و جامعه به
مثابه پایه و بنیاد معرفت درک نمی کردند
و بنا برآن نمیدانستند که معرفت رونند
نزدیک شدن تفکر به شی شناخته شده،
یوش اندیشه از نادانی به دانایی و از نادانی
ادک به دانایی بیشتر است و با چاکزین
شدن اندیشه های نوبیای اندیشه های کهن
به جلو میرود و بخش های تازه نری از
واقعیت را آشکار می سازد. آن هابه درک
این مساله کامیاب نشده بودند که معرفت
از اتحاد و قطب متضاد که با هم درکنار هم.
بوسنه نام و در ستیزه با هم بسر میبرند
پدید می آید. در یکی از قطبین تضاد مغز

عشق و خزان

ای تک درخت عشق من

ای بهارت مانند من خزان شده.

وقت خمیده.

بادیدن تو و برگهای خشکیده تو.

یک بار دیگر یاد آن روزها از قلبم جان میگیرد!

و فکر انعکاسی است از شرایط مادی و
خارجی.

مغز تنها آگاه نیروی اندیشیدن را دارد
که از جایی شرایط تغییر بیوشمیک برای
خودس آماده باشد و از جانب دیگر دگرگونی

طبیعت و جامعه در آن انعکاس یابد
این آشکار است که هیچ دگرگونی بدون
طبیعت و جامعه صورت نمیگیرد.

سازندگی در تکامل معرفت انسان نقش
رونده بی دارد. زیرا نه تنها انسان را از
سر پنجه نیروهای سرکش طبیعت می رساند
بلکه به او توانایی آنرا میدهد که نیرو
های طبیعت را به خدمت خویش بگمارد.

آن روز های بهار!

آه! که تو بهما زین پائین وزمستان بهار
زندگی داری.

اما! من تا آخر عمرم همین بود و بس.

و مانند برگ های زارو خشکیده تو خواهم
بود!

نوشته از: پروین نسیم

هدف معرفت:

تلاش آگاه انسان هارای دگرگونی طبیعت و
جامعه نه تنها پایه و بنیان معرفت است بلکه
هدف معرفت نیز میباشد.

انسان از آنروز در شناختن جهان پیرامون
خویش میگو شید و به کاوش و برسی
فوانین تکامل آن می پردازد که از نتایج و
دستاوردهای معرفت خود در فعالیت عملی
بهره جویی کند و همواره از کشف ماهواره
های دورنی پدیده ها و پویو سگی های قانون
مند آنها به سود کار و پژوهش انسانی
استفاده شده است.

فرستنده: ثریا عادل الیاس

ژوندون

دلیپ کمار

کیست

درمیان نامه هایش نا مه پرسوز ، خانمی نیز که از لاهور فرستاده شده بود به چشم خورد که محتوای آن از عشق سوزان و اهدای قلب خونچکان خانم عاشق و دلپا خسته حکایت می کرد .

در سال های بعدی دلیپ مو فق بدریافت هفت جایزه یی پی در پی مجله فلم فیرگریده و بعد ها حتی صفحه در مجله فلم فیر افتخار شده به اقتراح گذاشته شد که عنوان آن چن بود (آخرین آرزوی دلیپ کمارچیست) که هزاران نا مه مختلف در هر شماره آن از طرف داران دلیپ بارداره مجله میرسید و نباید فراموش گردد که صفحه

مذکور همین حالا نیز تحت عنوان «بکس سوالات» از طرف آی اس جوهر اداره شده و به تغییر نام ادامه دارد .

دلیپ کمار که در دا خل و خارج هندوستان شهرت کافی دارد در این اواخر در کنار سایر به منزل خود شی واقع پالی هیل بمبی زند گی بی سر و صدایی داشته گا می مو سیفی کلاسیک هندی رازمزه و تمرین می کند ، زمانی باتار های سنارشی سکوت رادر هم میشکند و بعضا هم به مطالعه آثار نویسندگان مورد نظرش چون (جبران خلیل جبرا ن ، سوامی و و یو یك آند خو دش را مصروف میگرداند .

دلیپ کمار که یگانه آرزو ین پی دایر کتر شدن بود ، دیگر معلوم نیست چرا از چشم نامه نگار را ن دوست دارانش کنار رفته است .

کجکی

منبع در اختیار گفت :

- فعلا دوتوربین برق در این پروژه تکمیل گردیده که هر يك ، ظرفیت تولیدی شانزده هزار و پنج صد کیلو وات برق رادارد .

توربین های این پروژه طسی مراسم خاصی افتتاح گردید و با اكمال تمدید لین عمومی آن به مراکز هلمند و کندهار استفاده ، از انرژی برق کجکی در کشور آغاز می گردد .

محل دیگری در جوار این دوتوربین برای توربین سو می برق ، در کاسه بند کجکی تعیین گردیده ، که اعمار ریکارانداختن آن جزو پرو گرا دولت است .

انسان بفروسخا دودگری میکنند تنها دودگرایی آنها امکان پذیر است که آنهم باتوجه خاصی صورت میگیرد .

انگولا از طرف سیاح یو دتکالی در ۱۴۸۲ کشف گردیده واز اواخر قرن ۱۵ در مستعمره پرتگالی درآمد انگولاکنار بحر اتلانتیک قرار گرفته به ۷ ولایت بزرگ قسمت یافته که بالترتیب به ۱۴ حکومتی تقسیم شده اند . اهالی این کشور رانگرو های تشکیل میدهد که بگروپ زبانهای با تونسیست یافته اند در شمال غرب انگولا مردمان بکانگو در شمال شرق و اچوکوها و بولوندا و همچنین در انگولای مرکزی گروپ میوتو حیات بسر میبرند . بر علاوه يك قسمت اهالی انگولا را طایفه پوسمنها در بر گرفته است طوریکه قبلا ذکر شد جمعیت سیاهپوست انگولا از رهگذر حقوقی به گروپ عالی و اوسط قسمت یافته اند که در گروپ اول آئند اشخاصی شامل اند که از طبقات بلند نیگرو ها محسوب شده تابعیت را دارند یگانه شرایط داخل شدن در گروپ اولی همانا دانستن لسان مکمل پرتگالی و دارای کافی که تعداد آنها فلیل است برخلاف در گروپ دوم متبانی تماما افراد کشور انگولا دخیل اند .

از رهگذر اقلیم انگولا در حوضه اقلیم استوایی حساب میشود زمستان در انگولا برابر بتابستان کشورهای شمالی بوده ، خشک ترین وقت سال در آنجا میباشد که درجه حرارت وسطی ماهانه به ۲۰-۱۵ درجه سانتی گراد میرسد برخلاف تابستان این کشور که مصادف بزمستان وطن مایشود فصل بارانی این کشور بشمار میرود . انگولا از رهگذر صنایع ضعیف بوده و اقتصاد آن از طرف سرمایه های خارجی مخصوصا پرتگال رهبری میشود .



اطلاعات و کلتور

رئیس تحریر: محمد ابراهیم عباسی
مدیر مسؤول نجیب وحیق
معاون: پیغله راحله راسخ
مهمتم: علی محمد عثمان زاده
تلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵
تلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۰۹
تلفون دفتر مدیر مسؤول ۲۶۸۴۹
تلفون ارتباطی معاون ۱۰
تلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰
سو چوورد ۲۶۸۵۱
مدیریت توزیع ۵۹
ادرس: انصاری و ام
وجه اشتراک:
درداخل کشور ۵۰۰ افغانی

دندهای نیز در داخل جنگلهای آنجا و پرندگان ملون و خوش خوان در فضای آن در پرواز اند . خزندگان خطرناکی از قبیل مارها ، گزدم های صحرایی در میان بته های آنجا وافر دیده میشوند که صرف توسط موتوهای چپ ویا لتداور گردش در داخل آن امکان پذیر است در غیر آن خطرچانی حتمیست فیلهای وحشی دسته دسته در این پارک در گردش اند . حیوانات این پارک در موسم سرما مناطق عمیق پیچیده ای را انتخاب و در موقع گرمای شد یه از چترهای درختان عکاسی استفاده کرده دسته دسته در زیر سایه هر درخت دیده میشوند این حیوانات بصورت عموم وحشی بوده از دین

از بین میروند ولی يك باران عادی کفایت میکند تا بچهان نبات و حیوان این سر زمین حیات دوباره بخشید . بهترین موقع گشت و گذار در جنگلهای پارک ملی انگولا صبح صادق است چه بادلایم بحری وزیده و شعاع آفتاب بالای درختان و کوههای آن رنگهای مقبولی را ایجاد میکند هنگام گرمای شدید حیوانات ، پارک و اترک و به محلات بومی آنجا نز دیک میشوند . یکی از خصایص بومی های گرد و نواحی جونا اینست که برای حیوانات این پارک با آنکه خطرات جانی از طرف آنها متصور است اندکترین صدمه ای نمیرسانند بر علاوه حیوانات خوش رنگ و زیبا حیوانات وحشی و



زنان انگولا مانند مردان در کارهای سنگین اشتراک می ورزند .

انگولا

است . توریست های که آرزوی دیدن این پارک را داشته باشند تعداد آنها معین و محدود میباشد زیرا دخول در این پارک اجازه نامه مخصوصی را ایجاب میکند . جنگلهای افریقا بصورت عموم تقریبا هموار بوده یگان تیه کک هادر میان آن دیده میشود ولی منظره جنگلهای انگولا مختلف و همه يك سان دارای وضعیت اراضی نمیباشد کوهها اینجا کتر برتنگهای نسواری و یا بادنجانی ، جلگه ها و میدانهای آن دارای ریگهای شیرجایی رنگ آمیزی شده اند که در بین آن چتر های سبز عکاسی نموده است سبزه و علف زار های آن دارای رنگهای زرد مایل و یا نسواری کمالی رادر اثر شعاع و حرارت آفتاب را بخود گرفته اند این زیبایی های طبیعت را کتر میتوان در سایر نقاط جهان سراغ کرد بر اسی این رنگها و ساختمان های اراضی چشم بشر را معوجمال خو یش مینماید . پارک ملی (جونا) از سه قسمت تشکیل یافته که به امتداد ساحل اقیانوس کمربند عریضی ساحه ریگی و سنگلاخ دیده میشود که در بعضی حصص ریگهای متحسر ک ممکن است درانی اندک استباهی بحیات انسان خاتمه دهد که میتوان در اینجا انواع آهوان خوش چهره (اوریکس) و حیواناتی را که میتوان برای مدت درازی بدون آب حیات بسر برند بر خورد .

بصورت عموم بین این ناحیه زیبا ، کوهستانات و مناطق هموار آن از رهگذر مناظر طبیعی فرق فاحشی مشاهده کرد در مواقع خشک و کم آبی حیوانات و نباتات آهسته آهسته

قصه ای از غصه ها

نظم از مریم محبوب

صحبت کردم از بی علاقی ام از نفرین
بان مرد برایشان گفتم اما آن‌ها هر دو
یک زبان می گفتند :

«تو مجبوری با نا مژده عروسی کنی»
اواز سابق وزمانیکه کو چک بودی نا مژده
توبود. حال میخواستی آبروی ما را ببری .
التماس آمیز برایشان گفتم :
«آخر ا وزن و طفل داده» او پیر است از خودم
زنتر است من چگونه میتوانم با او زندگی
کنم .

سبلی پدر بدهنم فرود آمد و دهنم را
بست .

گریه ها و تضرع هایم پر دل سنگ شان
بر اثر ماند . نامزدیکه پدر و مادر برایم
انتخاب کرده بودند، مرتب به منزل ما می آمد
از من دعوت میکرد تا ر فقا بش سینما و
گردس بروم ، و لیحانه از من میخواست تا
به هر خواسته کثیف او تن در دهم که من
اهل این کار ها و خواسته نبودم . متاسفانه
حر فهای پی در پی ام در این مورد ، نتوانست
پدر و مادرم را بر دامیکه این مرد برایم چیده
بود واقف سازد . آن‌ها خوشباورانه از من می
خواستند تا مطیع و فرمانبردارش باشم . اکبر
خواسته اس را عملی نمی کردم شدیداً به مثل
حیوان درنده وحشی به جان من می افتاد و نا
قدرت به بدن دانست کتکم میزد ، باور کنید
کاسه صبرم لبریز گردیده بود از زندگی

تکیت باریکه داشتم بسته آمده بودم ، کلمات
زشتی و کثیفی که هر لحظه از دهن این مرد
برای زجر دادن من می برآمد . چون تیسری
پیش نبود . «نامزدیکه به من علاقه مند بود،
بار ها از من خواست تا پا او فرار کنم ، ولی
ترس و وحشت از آینده گنگ و میهمی
که غریب به سراغم می آمد ، مرا از انجام
این کار باز میداشت گرچه او صمیمانه مرا
دوست داشت و بی غرضانه برایم اظهار
محبت و دوستی می نمود ، ولی باز هم می
ترسیدم .

بالا خره او هم از من بسته آمد و ظالمانه
از من روی بر تافت و برایم گفت :
«من زیاده از این نمیتوانم باتو باشم ، برو
بانا مژده عروسی کن»

آخرین امیدم ، بر باد رفت و من که بر خود
به این مرد دل خوش بودم ، درمانده تراز
سابق در خلوتگاه تنهایی خویش بر این
درد زیاد تر نالیدم و فراوانتر اشک ریختم
هستم را در برابر طوفانی دیدم که آرام
آرام می لرزد و از پامی افتد ، هر چند به
خود تلقین می کردم که مجبوراً باید باین
مرد بسازم . ولی جبرهای خشن آن ، حرکات
زشت و ناشایست آن ، و بهر تر از همه
ظلمیکه پدر و مادرم در حق من روا داشتند

نامزد شویم . وقتی این موضوع را همراه پدر
و مادرم در میان گذاشتم ، با خنده های تمسخر
امز و نگاه های پراز تعجب شان مواجه
گردیدم . ولی باز هم خواستم که به این کار
موافقه نمایم ، اما آن‌ها ظالمانه از این کار
جلوگیری کردند . فقط می گفتند :
«تو نامزد داری لازم نیست با مرد دیگری
عروسی کنی»

من درمانده تر از سابق متحیر و پریشان
نمی دانستم که این نامزدم کیست و چگونه
است هر چند برای پدرم التماس میکردم ،
ولی او جز سکوت چیزی دیگری نمی گفت .

مادرم میگفت که من نامزد دادم . تلانیکه
چندی قبل زمره فضای منزل ما را پر ساخت
و محفل شیرینی خوانان بر پا گردید . «باور
کنید تا روز شیرینی خوری من اصلاً نمی
دانستم که نامزدم کیست ؟

بالاخره با مرد زندگیم برخوردیم . او را دیدم
با همان اولین برخورد ، تنم از دیدنش لرزید
نگاه های مشکوک اش سراپا هم را داغ
ساخت .

آخرین کی بود که من زنتش میشدم ؟
چکاره بود ؟

باور کنید نمی دانستم . همه به قسم
خود ، به محفل شیرینی خوری وقصیدند و
پاکوبی کردند . همه می خندیدند . و مبارکباد
می گفتند ، ولی در این میان من بودم که برگرد
سردار زوهایم آرام آرام میگریستم و اشک میریختم
من که زشت بودم ، حق انتخاب همسر آینده
نیز از من سلب شده بود . بالاخره دانستم
که این مردیکی از پولدار ترین رفیقان پدرم
است و زن و دوویچه دیگری هم داده و ای که
دنیا روشن به سیاهی شب مبدل گشت سرم
چرخ خورد ، گریه و اشک امانم نداد .

وقتی باز درین مورد باید پدرم صحبت کردم ،
پدرم خونسرد دانه تر از سابق اولانسانه هایش
را بالا انداخت بعد بادی به گلوش گرفت
و گفت :

«فقط تو میتوانی با پولش زندگی کنی؟
بلی ! این پدرم بود که چنین حرفی برایم زد
فقط او پول میگفت و پول ... حیات و زندگی
آینده ام برایشان مطرح نبود . بالا خره
دانستم که چه دامی برایم چیده اند . هنوز
چند روزی از شیرینی خوری من سپری نشده
بود که خواستند مظل عروسی را برپا بکنند
این جالازم بود که من تلاش می کردم و جدال
می نمودم ، تا بر نقشه ای که قبلاً کشیده بودم
بیروز شوم . معقولانه با دیگر باید پدر و مادرم

کرده اند ، حق زندگی کردن را نداشته باشم ،
چون زستم ، صورتی پر ابله است و همیشه
باعث انزجار دیگران است .

باور کنید از زمانیکه خود را ساختم ، به
این درد عظیم پی بردم بارها تصمیم گرفتم
که خودکشی نمایم . تحمل نگاه های که صد
چند بر این درد می افزاید ، برای من باقی
نیست ، جز گریه کردن و نالیدن کاری ندارم
میگویند وقتی کوچک بودم ، بد نم را
چپک گرفت در اثر کم توجه بی پدر و مادر
داغ هایش بصورتی ماند که اکنون این لکه
ها و داغ ها بزرگترین درد پر هستم .

فامیل ما دارای چهار فرزند است که
بزرگترین همه «آن‌ها من می باشم ولی
بدبختترین شان .

مادرم آنطور یک بر فرزندان دیگر شش
توجه دارد لحظه ای به اندیشه من نیست ،
پدرم آن چنانکه همیشه بر فکر ترتیب دادن
پارتی برای فرزندان کوچکتر شش است . به
حال من نیز توجه ای ندارد . حتی بعضی
اوقات ، خواهرم به نسبت زشتی صورت از من
میخواهد نابه پارتی هایش حصه نگیرم .
و من که گذشته ترین دردها نصیب شده ام
بر پا گر دن چنین محفل معرو مسم
و مهمتر یں چیزیکه مرا از حذر یاد رنج میدهد
نداشتن دوست است ، آخر با این صورت
زشتی کی میخواست ، با من دوست شود ؟ کی
میخواست با من درد دل کند و

وقتی مکتب بودم ، همسنگان همه از من
کناره گیری می کردند ، همه بایسک آواز
ابله و ووچیکی صدایم میزدند . وقتی منزل
می آمتم حرفهای تفر آور مادر و خواهر مرا
از پامی افکند .

چقدر من نیاز داشتم تا آغوش پر محبت مادر
برویم باز باشد و خنده مهر آمیز پدر دور
کننده ای درد هایم . ولی افسوس که این
دو خود باعث آن شدند که دیگران از من روی
برگیرند و کلمات ناپسند و زشت نشمارم
نمایند .

سایه تعجب کنید که اگر بگویم گرچه زشت
و بدقیافه بودم ، هفت ماه قبل مردی عاشقم
شد . این مرد بیش از حد با من اظهار محبت می
کردن که تشنه محبت و دوستی بودم ، بی
الایسانه بسویش تافتم ، و صمیمانه از او
استقبال کردم . او هم بی دریغ دوستی اش
را بر من روا داشت ، از من خواست پدر و
مادرم را راضی بسازم تا اجازه دهند مادو با هم

مرا مقصر ندانید . او را نیز ملامت نکنید
چون او عادتش بود که رام بسازد و بعدرها
نمایند .

امان که تشنه محبت بودم ، من که در پدر
بدنبال آشنای بی طمع می گشتم ، خواستم
ناسیراب کردم . به این اندیشه شتا بشده
بسویش رفتم ، برق نگاهش برایم نیرو
بخشید ، عقیق لبش لبخند زنان مرا پذیرفت .
همیشه بنحو آنکان در گوسم میخواند :
«بیا ... بیا ... باتو می خواهم باشم»

فقط با تو .

اما ... بازی سر نوشت ، عجلانه با من
در آمیخت و من که تازه لذت دوستی را چشیده
بودم ، دریافت که درجه پرتگاهی افتاده ام .
حالا که می خواهم این نامه را برایشان
بنویسم درماندگی بیش نیستم . دست تضرع
بسوی شما دراز میکنم و اشک آلود از شما راه
نجات می خواهم . شاید شما بتوانید در این
راه کمک کنید .

از زمانیکه این زهر مسموم کننده بسراغم
آمد شش ماه زیاتر سپری نمی گردد ، در این
مدت جز سوختن و ساختن چاره نیست ، چندین
مرتبه تصمیم گرفتم که خود را بکشم ولی ندای
وجدان منصرف ساخت و به من گفت : شهادت
داشته باشی ، دنیا آنقدر کوچک نیست !
ولی حالا که می بینم ، دنیا کو حکمران آن
است که مرا بتواند در خود جای دهد . همه
از من گریزان و فراری ، و خودم غرق در کثافت
ولجن ، ناخود آگاه نفس میکشم و ایمن
نفس کشیدن ها زیانده بی درد دیگر -
بست بر درد های من .

من زستم ، صورتی پر ابله و مصلواژ
چیجک است . ولی این که من زستم ، و بد -
قافه ام تقصیر من نیست .

من چرا باید طعنه شنو دیگران باشم .
و همیشه از نگاه های گریزان و نفرت بار
دیگر ان استقبال نمایم ؟ چرا همیشه باید
با کلمات در یک و درشت پدر و مادر و خواهر
و برادر مواجه باشم و حرفهای نا هنجار شان
تیر دیگری بر زخم جگرم باشد ؟

ابا من حق ندارم زنده بمانم و چون دیگران
از همه میزایای زندگی مستفید ؟

آنا من حق ندارم ، خواستار محبت پدر
و دست نواز شکر مادر باشم ؟ شاید به نظر
آنانیکه در اطراف من از سالیان درازی گرد
آمده اند و خود را اقوام و خویشم معرفی



مرا گریزانتر از نامزد می ساخت، بالاخره
 باجرات تمام آخرین تصمیم را عملی سا ختم
 زدگی از تنبها مقدار دارویی را که قبلا آماده
 کرده بودم سر کشیدم و به امید این که شاید
 به زود ترین فرصت مرگ به سراغم می آید
 به بستر افتادم، ولی از آن جایکه هنوز
 بد بختی هایم تمام نشده بود مرگ از من
 روی برگرفت و من بعد از چندی دوباره سلامتی
 ام را باز یافتیم حالا می بینم که نامزد
 و پدر و مادرم شدید از من مراقبت میکنند، به
 مثل مجرمین تنها و سر مندها کاریکه کرده
 ام در گونه ای از اتاق افتاد ام، میخواهم که
 سما مرا مفسر و علامت نکنید آنانی را که
 مستقیم به این بد بختی من حصه داشته اند
 علامت نمایند. و حالا که این نامه روبه تمام است
 آخرین تصمیم را نیز گرفته ام شاید بنظر
 شما باز کار احمقانه ای را انجام بدهم، ولی
 می بینم که روز بروز حلقه بر من تنگتر میشود،
 میخواهم بهمیرم، میخواهم این حلقه های که
 سخت دست و پایم را به هم بسته اند، رهایم
 سازند. فقط شما بگویند هر چه زود تر نامه ام
 را به چاپ برسانید و آنطوریکه خودم از
 واقعیت ها پرده برداشته ام، شما هم عین
 آنرا در صفحه قصه ای از غصه ها انعکاس
 دهید، من بی صبرانه به انتظار پاسخ شما به
 سر می برم، فقط همین!

ف، ع، گریه

خواهر!

بکشید که شتاب نکنید، زندگی آنقدر
 هم سهل نیست که شما پند او را کرده اید
 بپلو های زندگی هر کدام دارای فراز ها و
 نشیب هاست، خوشبخت آنکه پیروز ماند
 و با حوصله فراخ این همه پستی و بلندی را
 طی کند.

می بخشید شما کودکان سخت دوتلاشید
 تارشته حیات تا آنرا قطع کنید و درسید که
 از نا ملایمات زندگی فرار نمائید، که این
 چنین روش، پیروزی در پی نخواهد داشت.
 دوست عزیز!

میگو یند گذشته آینده را پی ریزی می نماید
 شما بکشید که از این همه تجربه آینه
 روشنی را برایتان پیش بینی نمایند این
 که شب و روز در فکر خود کشی و قتل نفس
 باشید، نشان دادن این همه ضعف و بی
 اراده گی، بالاخره شما را از پا خواهد انداخت
 بهتر است معقول فکر کنید و با دلا یل
 منطقی صمیمانه بپدر و مادر تان در مورد
 نامزدتان صحبت نماید اگر موفق نشدید،
 قانون باشماست.

به امید پیروزی تان

یہ شمیر خلك دنشتوالی له امله
خوړیږی ، معمولاً ځوانو ښځو او
سعلو له دز پاتی وسبی د لگښت
سپارښت کیږی خو که چیری غذایی
رژیم به یوره ژورتیا او تنوع سره
برابر سی دوسبی لگښت به په
یوره اندازه تضمین شی.

ژوندون

اندازه وینو دلی شی په راتلو نکو وختو نو کښی به خلک وکو لی شی چه تصمیم ونیسی په ژوند کېدی کوم شیان هغوی ته زیات ارزښت لری اود هغه له مخی له غذایی موادو څخه استفاده وکړی، هغه وروسی څپړنی چه غذایی موادو به باره کی کپړی دبشر داپتیانو دلیری کولو دیا ره زیاتی امیدواری اټکلوی، خوبه عمری ډول یومهم اصل شته چه په آینه کی به هم وی او هغه دادی چه بدن د روغتیا بشکلا دنامین دپاره غذا یی پرو گرام تر کوم ځای پوری چه امکان ولری باید متنوع او ډول ډول مواد ولری اود بیلو بیلو موادو څخه د بدن پر وتین او انرژي تولیدونکی مواد برابر شی اود روغتیا پسه ساتنه کښی په اغیزمنه توگه گرام پروگرام طرح کړی چه غذایی اپتیانو پورته کړی.



د بدن د اپتیا سره سم خورا ک ستاسی روغتیا تا مینوی.

نورو نارو غیو څخه دهغه د ساتنی دپاره گټور دی دغه ماده له یو زیات شمیر حبوباتو میوو او سبو څخه لاس ته را تللی شی دا مواد کولی شی چه د بدن نوری اپتیا وی چه دانرژي دمنځ ته راتلو سبب کیږی هم تامین کړی تر څو چه کولی شی دپوری او اوږو په څیر دموادو لسه خوړلو څخه ډډه وکړی دامواد هیڅ غذایی ارزښت نه لری اود موجودو کال لوریو اندازه په دی موادو کښی زیاته ده، نن تقریبا دا خبره څرگنده شوی ده چه بوره او قندی مواد دزړه او قندی نارو غیو په وده او تکامل کی ستر نفش لری هر څوک دخان دپاره مخصوصی غذایی اپتیا وی لری او په همدی دلیل امکان نه لری چه وکولای شی یوداسی مشخص او مخصوص پروگرام طرح کړی چه غذایی اپتیانو پورته کړی.

څخه استفاده وکړی او دهغو واژگی له پخو لونه دمخه جلا کړی نوری غو ښی هم خو پلې شی خوداسی برخی یی دخوراک دپاره وټا کی چه واژگی یی لږی وی. پرو تین دهغو موادو پر څخه تشکیلوی چه ستاسی بدن ور ته اپتیا لری، دا چه تاسی څومره پرو تینو ته اپتیا لری ښا یی دهغه څخه تاسی یی فکر کوی ډیر لږی دوه گڼ لاسه شیدی دغو پیو او مستو نه پرته چه په هر حال ستاسی بدن د اپتیا وړدی دیوی ځکی اود چرک اویا کب دلږی غو ښی سره کو لی شی چه ستاسی د بدن د اپتیا وړ پرو تین تا مین کړی خود زیاتو پروتینو خوراک ښه کار نه دی که چیری ستاسی عمر له څلویښتو کلونو څخه زیات وی نو د زیاتو پروتینو خوراک ستاسی په سږی او پختو رگی دهغو د قدرت نه پورته فشار راوی، ددی سره سره لازمه نه ده چه حیران پاتی شی ځکه چه ډاکتران په دی برخه کښی له دومره سختی څخه کار نه اخلی ځکه هغوی عقیده لری چه که اضافی پرو تین حتی که چیری له لازمی اندازی نه دوه یا دری چنده زیات هم وخوړل شی څه زیان نه شی ورسو لی.

یوه بله موضوع چه باید له نظره یی لیری ونه غور ځوی داده چه پروتین له بیلو بیلو منابعو څخه به زیاته اندازه تامینپږی، تا سی کولای شی چه د غو ښی اود غو ښی له نورو ډولونو څخه پروتین تر گو تو کړی دغه راز بیل بیل حیوانات او سابه کولای شی چه به زیاته اندازه پروتین تولید کړی که چیری له بیلو بیلو پروتین لرونکو منابعو څخه استفاده وکولای شی په دی کار کښی هڅه وکړی او پری نه ږدی چه واژی له څومحدودو منابعو څخه کار واخلي. فیبر یا هغه ماده چه نه هضمپږی خاص ارزښت لری اود کولمو د معالیت اود کولمو دسرطان او

ویتا مین خپل خورا زیات ارزښت ساتلی دی اود زیاتو ډاکترانو زود نظر یی له مخی باید هره ورځ لږ تر لږه د پنځو گرامو په اندازه د سږو څی سره د مبارزې دپاره وخوړل شی خو یو شمیر از مایښتو نو دا خبره څرگنده کړیده چه دسی ویتامین د بدن دورځنی اپتیا یو په لسمه او یادوه په لسمه برخه برابر وی خو هغه آواز چه د ځینو سرطانی نارو غیو د معالجه د امکان په باره کی د ویتا مینو په وسیله اوریډ له کپړی دومره د ارزښت او بامرنی وړنه ده د ویتا مینو څخه په زیاته اندازه استفاده کول دا خطر لری چه به خوراکونو د بی ۱۲ د ویتا مین اندازه له منځه وږی به پختو رگی کښی د تیری منځ ته راتلل به زیاته اندازه د ویتا مین څخه داستفادې یو بل خطر دی. د رومی بانجانو، ځمکنیو مټو سبواو نورو میوو خوړل بدن ته په پوره اندازه د سی ویتا مین ور کوی او کیدای شی چه د نورو موادو سپرم تناسب ولر لی شی.

شک نه شته چه یو زیات شمیر خلک د اپتیا له اندازی نه زیات اپتیا له اندازی نه غوږی او واژگه خوری که چیری ستاسی عمر په تیره بیا له څلو یښت کلنی څخه اوښتی وی حتما باید دهغو غو پیو او واژگی اندازه چه وینی ته ننوځی کمه کړی د ښځی بدن له شنیدو وروسته دنارینه د بدن حالت غوره کوی اود زړه دنا آرامیو د خطر پسه کنده کښی لو پږی، البته ددی معنی دانه ده چه به عمو می ډول دغو پیو له خوړلو څخه ځان وژ غوری خو کیدای شی چه د ځینو غو پیو څخه استفاده وکړی ځکه ځینی غو پیو لکه دښون دغو پیو په څیر د بدن وینی ته نه ور ننو زی او په نتیجه کښی زړه ته ناوان نه شی رسو لی لنډه دا چه همیشه لږ غو پی و خوړی او په تیره بیا له حیوانی غو پیو څخه ډډه وکړی هر څومره چه کو لی شی دچر گانو کبانو او کښی له غو ښو

کاوش برای دریافت

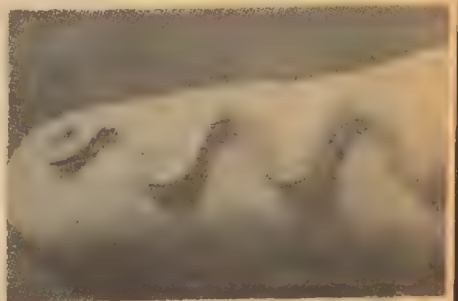
رامی سازد و توسط قوم سیان ساخته شده است شدند. نایکال برخلاف شهرهای قدیمی باستانی که در کنار رودخانه ساخته شده بود، دورتر از آن قرار دارد. اینان با استفاده از (چرخ) آشنایی داشتند و لی بخاطر اینکه به آفتاب مقدس عقیده داشتند و چرخ شباهت به گردی خورشید دارد آنرا بکار نمی بردند. یگانه چرخ در تمدن میان بازیچه های اطفال بود و بس.

هنوز معادن باستانی جهان تا کشف مانده است.

ماه گذشته دولت چین اعلام کرد که در شهر سنسی موفق به کشف (اردوی) که ۲۰۰ سال عمر داشته و مجسمه های جنگجویان و اسبها نشان به اندازه اصلی ساخته شده است گردید. همچنان یک جسد انسانی در لابلای گل سرخ ایالت اوهوی چین کشف گردید. این جسد که از یک مرده است دندانهای سالم دانسته و گفته می شود که ۲۱۰۰ سال عمر دارد.

همچنان یک جسد مومیایی شده یک دختر مصری که ۱۵ تا ۱۴ سال عمر داشته و از پای شل بود کشف گردید. در آن موقع پس از اینکه دختر مرده بود پای های تکه ای برایش دوختند نادر جهان دیگر بی پای نماند. دکتر روزالی داوید می گوید که: (امیدواریم که علت مرگی که باعث مرگ دختر شده کشف نموده و بان به شیوه تدای آنوقت پی ببریم).

در خود مصر بخشی از مصر قدیم زیر نظر دکتر داوید اوگونز از پوهنتون پنسلوانیا زیر تحقیق است. این محل شامل یک کانال به طول یک میل و عرض نیم میل می باشد. این کانال در ساحل غربی دریای نیل ۱۴ قرن پیش از میلاد در دوره حکمرانی همنو تیفیس سوم فرعون مصر حفر شده است. به عقیده دکتر اوگونز این ((یکی از بزرگترین بندرگاه آنوقت



این مار فلزی که در حفاریات بوهمیان امریکایی بدست آمده است در هشت هزار سال پیش از میلاد ساخته شده و سی مترس است.

صفحه ۵۶

ترس دختران

خدیجه سوال دیگر را چنین جواب داد: یک تعداد زیاد دختران هستند که اسنعد اد هنری فوق العاده دارند ولی بخاطر تعصبات خانوادگی و ترس از گپ و سخن مردم که سد راه پیشرفت اکثر جوانان که می خواهند استعداد های نهفته خود را تبارز دهند. بعضی ها خودشان اینگونه فعالیت های را برای خود و دختران عیب بزرگی میدانند حال آنکه این طرز تفکر یک اشتباه بزرگ و مانع انکشاف استعداد جوانان می باشد.

دوشیزه خدیجه بد نسبانی سخنانش افزود:

پس کلیه جوانان بالاخص دختران رو شن فکر و تحصیل کرده در راه از بین بردن چنین ذهنیت های منفی مبارزه بگیر شایسته تر از مرز بیرونی برسانند و مغزهای مردم را از این پندارهای پوچ پاک سازند. وی ضمن تشریح نمایشات هنری پوهنتون ساینس گفت این نمایشات دو بخش داشت: یکی موسیقی و دیگری پارچه های تمثیلی که در مورد اشتراک خود بگویم که در هر دو بخش آن سهم گرفتیم هم در بخش موسیقی آن هم در یکی از نمایشنامه آن بنام (سالهای گذشته) که بوسیله ابراهیم گمشده نوشته شده بود و نقش یک زن دهقان بد و شوم بود. ولی نمایشنامه دیگری که (دخترینوا) نام داشت با وجود دیکه آنرا تمرین کرده بودم اما بعزت شرکت

دمینی پهلوری

خوتنه پهلوری شیانو نه پوهیږی مایکل تا هغه ورځ وخت رانه کړي چه زه ووايم چه..

خوهغه خپلی گوتی زما په شونډو کښیښودی اووی ویل:

ما پخپله پدی باره کښی زیات فکر کړی دی او پوهیږم چه تدد دوستی وې او مهربانه نجلی یی او هیڅکله پخپله خو ښه ناوړه کارنه

ژوندون



مستر مرود در عمل کشف آثار باستانی

بوده است و نشان میدهد که در آن موقع شهر بزرگی در کنار آن قرار داشته است.

در آن در بازار قدیمی آن لیزی شیر موشق به کشف بازار مکمل با دکان های آن شده است.

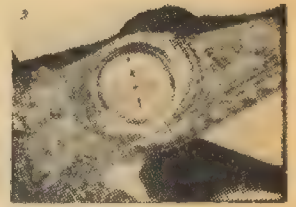
کشف های باستانی آنقدر سریع صورت می گیرد که در بسیاری مواقع دانشمندان فرصت تهیه راپور رانمی یابند. به صورت مثال شهر نایکال بیش از ۱۴ سال است که روی آن تحقیق صورت می گیرد و لی هنوز گزارش کامل داده نشده است. همچنان در فلسطین بین سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۳ کشفیاتی صورت گرفت و لی هیچ مطلبی در باره آن به نشر نرسید. همچنان در ترکیه از سال ۱۹۵۰ به این طرف کار کشف باستانی ادامه دارد ولی اطلاعاتی از آن در دست نیست. از طرف دیگر برخی از جای های باستانی زیر نقشه های شهری ویران می گردد این کار در بیت المقدس که اسرائیل آن را اشغال کرده نزدیک بود زیبایی و اهمیت تاریخی شهر را بر هم بزند تا اینکه یونسکو مداخله کرد. همچنان مداخله یونسکو ویرانه های شهر کار تا زمانی که مرگ استعمار گران فنیقی بود در تونس فعلی قرار دارد، نجات داد.

اکنون با ستا نشناسان با وسایل مدرنی که دارند سعی می کنند هر چه زودتر پسر ده اردوی تادیخ کهن بشری، پیش از آنکه این آثار توسط بلدوزر تمدن فعلی، از بین برود، بردارند.



ترجمه و نگارش: پرو هتوی فاروقه ع
گوهری استاد پرو هتوی ساینس

چشم و انواع آن



سا ختمان چشم یک زنبور عسل که دارای تعداد زیادی عدسیه های کوچکی میباشد .

جالبترین نوعی چشم را میتوان در یکنوع ماهی کوچکی که در سواحل ابطار به سر می برد و پیر فتا لموس نامیده نامیده میشود ملاحظه نمود . چشمان ماهی مذکور روی عضو برجسته ای که دارای عضلات زیادی میباشد قرار دارد . چشمان این حیوان میتواند تنها در هوا اجسام را به بیند . بناء در موقع صید نمودن ماهی به سطح آب طوری قرار میگیرد که تنها دو چشم آن بکمک عضلات از کاسه سر خارج شده بر سطح آب بوده و متباقی چشمش تحت آب میباشد .

درین صورت از سطح آب طعمه را درآپ دریافته و بطرفش حرکت نموده و آن را می بلعد . چون چشمان نمیتوانند در داخل آب فعالیت نمایند . بناء چشمهای مذکور دوباره در حفره کاسه سر داخل شده و رویش راپلک ضخیمی می پوشانند .

پیر فتا لموس حین قرار گرفتن در نزدیکی سطح آب و طرز استفاده از چشمان خود بقیه ها حواناتی نظایر ای ساده هستند که از چشمها در بلع نمودن مواد غذایی نیژ کمک میگردند . چون غذای آن ها را معمولا حشرات و گرمهای زمینی تشکیل میدهد بناء جهت نگه داری و جویندن این اجسام در دهن ، بقیه ها مجبورند که دندان های قوی و بزورگی داشته باشند ولی چون دندان ها قدرت کافی نه دارند بناء بقیه ها حین بلع نمودن مواد غذایی چشمان خود را می بندند بسته شدن چشمان باعث فرو رفتن تخم چشمها در حفره سقف دهن شده و این فرو رفتگی ها بشکل دوکرة محدب بداخل دهن آشکار میگردد . بر آدمی های مذکور میتوان وقتا غذا را در دهن نگه دارد . پس دیده بقیه در صفحه ۶۷

ماحولش را در دماغ ساده خود ترسیم نماید عبارت از کوبلیا میباشد که دارای جسم کاملا شفاف است .

در حصه فوقانی جسم دوعدد عدسیه نسبتا بزرگی قرار دارد این عدسیه ها که روی بر جستگی های قرار دارند میتوانند شعاعات وارده نور را اخذ و آن را بداخل جسم به دو عدسیه کوچک دیگر برسانند . عدسیه های کوچک هر کدام دارای سا ختمان چنگک مانندای بنام رادار میباشد که در اثر حرکت غیر منظم مقدار نور وارده را اخذ و آن را به دماغ ساده حیوان که در مرکز جسم قرار دارد سوق دهد . شعاعات و عکس الممسل های وارده به مغز باعث نقش یک تصویر مبهم از اشیاء - در مغز حیوان میگردد .

در شکل عدسیه های بزرگ در قسمت فوقانی جسم ، عدسیه های کوچک در حصه تحتانی و دماغ حیوان بشکل نقطه ای سیاهی در وسط جسم بهلا حظه می رسد .

حشرات جانورانی هستند که دارای چشمان مرکب بوده و هر چشم از تعداد زیادی سا ختمان های مشابه بهم ساخته شده است هر چشم حشره که از صدها و یا هزاران عدسیه کوچک تشکیل گردیده و روی یک سا ختمان محدب و پیش برآمده ای قرار دارد . قسمت زیرین هر یک از این عدسیه ها دارای اجسامی حساس به مقابل نور بوده و در اثر نور وارده از هر یکی از عدسیه ها متاثر میگردد . شعاعات وارده از جسم - بقسم ذره ذره روی هر یک از عدسیه ها تابیده و بالاخره اجتماع این ذره ها تصویری را از جسم دیده شده در مغز حشره بوجود میاورد . باین صورت حشره اجسام را بشکل یکمده نقاط روشن و تاریکی مینگرد . اگرچه حساسیت چشمهای حشرات خیلی زیاد نیست باین هم علما ثابت نموده اند که عده ای از حشرات میتوانند رنگ ها را تشخیص نمایند .

باو چودیکه چشم چا نداران عالی از لحاظ تکامل تقریبا دارای منشاء مشترکی میباشد . بانهم چشمها در انواع مختلف - وظایف مختلفی را بعهده داوند .

تعداد کثیر زنده چان های وجود دارند که دارای چشمان ساده بوده و از لحاظ تکامل در مراحل ابتدائی قرار دارند . طود مثال یکی از حیوانات ساده در طبیعت حیوانی بنام یوگلینا است که دارای نقطه سرخ رنگی که بمقابل نور حساس است میباشد این چشم ساده تنها قدرت تمیز نور شدید و نور خفیف را دارد یعنی چشم یو گلینا تصویری اجسام را در حیوان منعکس ساخته نمی تواند .

هر قدر ساختمان موجودات حیه تکامل نماید - بهمان اندازه چشمان نیز راه تکامل را می پیمایند . مثلا یکنوع حیوانی بنام کرم زمینی وجود دارد که برخی سلول هایی در جلنش قرار دارند که میتوانند در مقابل نور و یا تاریکی حساس باشند . یعنی در یکن صورت حیوان میدانند که کدام قسمت از جسمش بطرف رو شنائی مواجه است .

حیوانی بنام سکا لوپ که یکی از حیوانات غیر فکاریه میباشد در حدود پنجاه الی دو صد چشم ساده ای که در دوردور جسمش قرار دارد دارا است . طوری که هر چشم دارای عدسیه جداگانه بوده و در مقابل نور حساس میباشد . چشمها که در حقیقت در اطراف قشر حیوان قرار دارد ، میتوانند حین شنائی این نرم تن درآپ کمک نمایند . حیوان را متوجه طعمه و یا دشمنان وی گرداند . سکا لوپ ها عبا و ت از حیوانات بحری اند که از جمله نرم تنان بوده و دارای قشر سخت خارجی میباشند چشمها درین حیوانات به تعداد زیاد در دو قطار و بلور دور جسم وجود دارد .

یکی از ساده ترین حیوانی که میتواند به طریق مخصوص ، نقش از اجسام

انسان طبیعتا طبق عادت ، به میزان زیادی به حس بینائی خود تکیه نموده است و بوسیله آن میتواند همواره ارتباط خویش را با دنیای ماحولش حفظ نماید .

بشر از قدیم الایام اهمیت چشم را باوظیفه ای که انجام میدهد ، آشنائی کاملی داشته است . مطالعات جدید نشان میدهد که این عضو به ظاهر ساده دارای ارتباط مقلقی و اسرار آمیزی با دماغ حیوان دارد . چشم ها نه تنها وسیله دید بوده بلکه عضوی است که بواسطه آن حیوانات میتوانند در مقابل دشمنان محیطی و غیره عوامل از خویشستن دفاع نمایند .

در دنیای حیوانات طرز فعالیت و ساختمان چشم ، به طرق مختلفی وجود دارد . چنانچه دوبرخی ، چشمها برای دید در تاریکی و در عده برای دید در رو شنائی روز مساعد بوده و حتی حیواناتیکه در شب و روز فعال اند چشم میتوانند بپردو موقع بغربی فعالیت نمایند . انسان ها باوجودیکه از لحاظ تکامل پیشرفته ترین مخلوقات روی زمین اند بانهم چشمان شان نسبت به عده ای از حیوانات تکامل بیشتری نه نموده است .

زیرا حیوانات متعددی را می شناسیم که قدرت گردش چشم وساحه دیدشان به مراتب بیشتر از چشمهای انسان ها است . البته در مقابل حیوانات دیگری به مثل پارازیت ها و غیره وجود دارند که اصلا احتیاجی بداشتن چشم نه دارند .

تنوع در سا ختمان و وظایف چشم :

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

نهیة وترتیب از: دود

نمایندگان افغانستان

در کنفرانس برلین



محترمه عالیہ حفیظ

در کنگره جهانی سال-بین-المللی زن که با شترک دو هزار نماینده از ۱۳۵ کشور در جمهوری دموکراتیک آلمان بر گزار شده بود، ریاست هیات افغانی را محترمه عالیہ حفیظ مدیره لیلیہ دختران پوهنتون کابل به عهده داشت.

محترمه عالیہ حفیظ گفت: این کنگره از ۲۰ تا ۲۴ اکتوبر ۱۹۷۵ دایر گردیده بود و زنان جهان فیصله کردند که: - زنان روحا باید آرا م باشند.

- زنان حق مساوی بسا مردان داشته باشند.

- باید امتیاز از هیچ نقطه نظر میان شان وجود نداشته و مساوی کلونیا لیزم و امپریالیزم که باعث پس مانی زنان شده از بین برود. - ملل متحد باید ده درصد

بودجه خود را در راه وسایل مختلفه برای پیشرفت زنان تخصیص بدهد و از وسایل جنگی بکاهد.

- باید برای زنان زمینه کار در کارخانه ها، مراکز صنعتی و زراعتی پیدا شود. - باید توجه بیشتر در قسمت صحت زنان بعمل آمده به تعداد شفاخانه ها و کلینیک های زنانه افزایش بعمل آید - برای زنان زمینه تعلیمات مسلکی مهیا شود.

ارزیابی گردد.

- پروبلم بیسوادی که یکی از پروبلم های جهان شمول است باید از بین رفته تبعیضات بین پسر و دختر از آوان طفولیت تا کلانی نظر به فرهنگ هر کشور از میان بر داشته شود.

- امروز قرا ریکه مشاهده میشود چنین تبعیضات مانع تعلیم و تربیه زن و مرد گردیده باعث عقب مانی بعض کشور ها شده است.

- باید در قسمت تعلیم و تربیه معیوب بین زن هم توجه شده و برای شان تاسیس مکاتب در نظر گرفته شود - برای اینکه موضوعات متذکره جامع عمل پيو شد، باید از همه او لتر مبارزه برای صلح و مساوات صورت گیرد زیرا پیشرفت زنان بدون صلح و مساوات امکان پذیر نمیشاند.

چون زنان قلب رقیب داشته رؤف و دلسوز میباشند متمنی صلح و سلم مردم دنیا هستند و زنان گفتند و ابراز نظر کردند که انکشاف در حالی صورت می پذیرد که آزادی کشور ها سلب نگردیده در ساحات مختلف حیات اقتصادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملل تغییرات عمو می رو نما گردد. امید است که این کنگره کمک زیادی به جامعه بشری بتواند و ما نتایج مفید و مثمری از آن بگیریم. زیرا مجاهده ما زنان مجاهده برای مردمان جهان است تمام مسایلی که در مکسیکو گفته

شده ما آنرا تأیید و تائید میکنیم مبارزه برای کار و برای فعال ساختن وسایل ارتباط جمعی و غیره به سویه مملکتی باشد زیرا در هر منطقه و هر جا نشان دادن لیاقت و استعداد و ذکاوت زنان شرط است محترمه عالیہ حفیظ گفت: نمایندگان افغانی درسه کمسیون سیم گرفته بودند: - کمسیون تعلیمات زنان - وسایل ارتباط جمعی - زنان کارگر.

شامل شدن به کمسیون ها آزاد بود و هر کس می توانست در هر کمسیون که خواسته باشد شامل گردد.

در کمسیون وسایل ارتباط جمعی محترمه و سیمه حکیمی و در کمسیون زنان کارگر محترمه مستوره نواز به نمایندگی از افغانستان سیم گرفته بودند.

وی گفت: در کمسیون که اشتراک نموده بود موضوع آنرا تعلیمات زنان تشکیل نموده بود.

درین کمسیون ۲۲۶ نفر از ۴۷ کشور سیم گرفته بودند. محترمه عالیہ حفیظ نکات مهم این کنگره را چنین خلاصه کرد:

ما با استفاده ازین فرصت تاریخی و مسئولیت در مقابل نسل آینده همراه باین مجادله که جهان در عصر آینه شده چه خواهد باشد. با قیاد رد



گوشه ای از جریان کنفرانس زن در برلین

ژ وندون

نقش زن در تکامل جامعه

مواظبت طفل

میشوند زن وسایل ولوازم دسترس را مورد از مایشن قرار میدهند درین اثنا با مسا حوادث و صد مانی مواجه میشوند که باآسیب دیدن آنها والدین متاثر میشوند ولی در آنوقت تاثر و ندامت والدین بعد از يك حادثه و صدمه ارزنی ندارد و برای سان سودی نمی بخشد .

فی الواقع كارد، چاقو، اهر، تیشه و دیگر سامان برنده منزل که امروز دورتر از دسترس طفل گذاشته میشود كاوشن های

اوممكن است سامان مذکور را بدستی سی بیاورد و ظرف پرازاب جوش را که در جای مصئون تری گذاشته اند بمكان دارد درانی نجس آن طفل دیگر آن جای بحال مصو نیستی باقی نماند ، گذاشتن اجناس پارچه های سبکته شسته ، آلات جارحه و غیره در جاهانی که اطفال به آنها رسیده می توانند خطراتی را بردی آنها پیش بینی میکند .

بیشتر فتهای عصر تکنالوجی و ساینس زندگی بشر را از حلقه محدود دیت هاو سادگی های یرون کشیده و میکشد ، هر قدر که از تانیج و پدیده های نوین آن مستفید میشود ، بهمان تناسب زندگی ما پیچیده تر و مغلط تر میگردد و مخصوصا اندیشه های ما را نسبت به کودکان و اطفال ماعیق تر می سازد و مامچور میگردد تا در مواظبت و مراقبت آنها جدی تر باشیم و بیشتر از پیش بیندیشیم ، زیرا با فراهم آوری و استفاده از تسهیلات و هدایای ما شینسی و تخنیک عصر تکنالوجی و ساینس بهمان تناسبی که اطفال و کودکان ما بزرگتر شده میروند و فعالیتها ی مانند چار غوك ، قدم زدن ، پایین و بالا شدن ، جست و خیزدن ، تجسس و كاوشن را آغاز میکنند خطرات نانی ازین همه فعالیتها به پیمانه روز افزون متوجه آنها میگردد ، در مسا مواقع اطفال در اثر احساس تجسس و كاوشن به وسایل و لوازم تخنیک و ماشینی منزل نز دبك

خو شبخانه با طلوع آفتاب بفر نهون انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ در حیات و موقف اجتماعی زنان تغییرات کفی و بنیادی رونما گردیده و پیشرفت های جامعه نوین سیم دانسته و حقوق یکسان را مطابق به منشور ملل و سال بین المللی زن نائل شد . اند پس بر زنان و خواهران آناه وو طبر ست کشور لازم است مطابق به روحیه عالی نظام جمهوری و سنن عالی ویر افتخار افغانستان خویش این مامول برانزنده را حفظ نموده با تحکیم و مبارزه بغاظر چنین اندیشه های نوین خدمت گذاری و صداقت شعاری را در پیشبرد جامعه خویش بکار ببریم .

والسته تقلید کور کورانه از مرد های بیجا و غربزده هرگز موقف زنان و دوستیزان ما را بلند نمیرد بلکه زبور اصلی وجوهی اندو خته های علم و دانش را مکرر ساخته از کاروان تمدن فرستگیا دور نگه میدارد .

خلاصه همه خواهران و زنان گرامی بگویند تا هر يك از اعضاء مفید جامعه خود بوده در عمران کشور خویش سهم سود دمی را به عهده بگیریم .

ای صفعات در خشان تاریخ و پیشرفت های سکوفان بشریت را مطالعه ، تحلیل عمیق و بررسی دقیق نماییم در تمام شون و مراحل تکامل جوامع بشری نقش زن نشان بصورت خلاق و جاویدان ثبت است .

زیرا از علوم و فنون امروزه تا صنایع مستظرفه زنان در پهلوی مردان دوشا دوش هم فعالیت نموده اند . البته میتوان نو نه های سودمند وارزنده آنرا از مبارزه را به بلخی برشد طرز تلقی آن عصر و فعالیت بهرمانانه و دلیرانه ملالی را در میدان نبرد خونین علیه متجاوزین استعداد وطن پر افتخار افغانستان و دیگر زنان با شهادت تاریخ جهان دریافت .

پس در جامعه ای که حیات بسر میبریم و ارفیات کدر همه رشته های زندگی بشر مشاهده میکنیم زنان نیز در امر تحولات و پیشرفت های کنونی سهم اند زنان در پهلوی سهم در خدمات عامه ثمره زندگی و اطفال خویش را تربیه نموده جوانان بارگ سالم و مردان مفید و سودمند به جامعه تقدیم مینمایند .

صدای آزادی زن

زن شخصیت سازنده دارد زن در هر موقعی که قرار داشته باشد ، بازم نخستین مربی انسان و تهداپ گذار شخصیت افراد اجتماع است ، چون در دامن او است که کودک نخستین روزها ، ماه ها و سال های زندگی را میگذراند و با جهان بیرون آشنا میشود .

تا برابریهای اقتصادی و اجتماعی که میان دو جنس مرد و زن مرزهای مشخص و درشتی از ناحیه حقوق و امتیازات بوجود آورده بود در طول قرنهای متعادی زن را دور از فعالیتها ی عمده اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی قرارداد . تا آنکه این دوره هاروبه فتور نهاد و عصر آزادی و برابری حقوق از دست رفته مردمان فراسید .

اکنون صدای آزادی زن در پهنای میثی طنین افکن است ، جنبش جهانی زن برابری حقوق و امتیازات او را طلب میکند . درین میان چیزیکه از همه مهمتر است تبار ز شخصیت اجتماعی خود زن است . که پس از سده های طولانی که در انقیاد بسر میبرد بازم مسا شایستگی قدر افراتست و در کار سازماندهی اقتصادی کشور خود موففانه اشتراك ورزید .

زن افغان در نظام جمهوریت برانزدگی بیشتری نشان داده است اوبه اکتبات رسانیده که شایستگی دارد رسالت تاریخی خود را در برابر نظام ، وطن و مردم خود بدرستی انجام دهد .

زن موجود بالارزوست و دلش آکنده از امید هاست که هر چه خواهد بدو میسر گردد ، و این مایه شادمانی اومی گردد ، طبیعت او گاهی گرفتگی از آن پیدا میکند که به آرزوی خود نرسیده است زن وقتی آینه انصاف را پیش رو گذارد لطف آواز احساس رقیش تا ب می گیرد آرزو هایش در حدود امکان اقتصادی محیطش نظم میگیرد ، وقتی روح قناعت پیدا کرد هیچگاه چنین برجبین نمی زند و همواره متبسم است ، زن باید چون گل همواره خنده دلبران داشته باشد و از زندگی راضی باشد روحیه همچشمی بپمورد را از خود دور بدارد که یکی از بازمانده های نا پسند دیرینه بوده انسان راهمواره رنج میدهد زن ها که براستی هم نقش مادری دارند و هم نقش سازندگی بادل پراز مهر و عاطفه زندگی را سازند یقین زنان روشن دل این را دریافته اند بادل خوش و باصفای زنانه به زندگی لبخند می کنند و حیات فامیل و یا محیط خود را روشنی از مهر و محبت میدهند زیرا اگر زن ها توانایی آنرا دارند که نشاط در محیط خانوادگی آفریننده خود به خود خوش و خندان زندگی نموده و چراغ ذهن شان هموار براه وبه خانه شان پرتوافکنند و خانواده را صعود دارند



شعر نو نیاز زمان



من در یکی از اشعار خود گفته‌ام:
خند دکا ذب به لب اما چه سود
اشک من با خنده ام
طا هر م شاد است لیکن ای دروغ
رهر خود را غم به قلم ریخته
به عقیده من این صدا صدای
انسان امروز است که از غم خود
سخن گفته و انسان هم عصرش
حوب با این غم آشناست.

در سیر و دن شعر از کدام
روس استفاده میکنید؟

من اشعاری به روش نو و هم
چنان سبک کلاسیک سروده ام ولی
بیشتر نمایم بشوی روش نو است
چه به عقیده من در شعر نو شاعر
آزادانه میتواند احساسش را بازگو
کند یا به عبارت ساده تر محو ی را
فدای شکل نسازد.

به نظرت کدام شعر و چگونگی
باجتماع مصدر خدمت میشوند؟

در این جا باید روی کلمه
عهد و مسئولیت انگشت نهاد.
بلی به عقیده من شاعر متعهد است
که مسوولیت مصدر خدمت می بر ای
احساس نمود. چه شاعر سنت
که خوشتر درد من دهمش را تشخیص
دهد و می تواند در بی علاج این
درد بر آید و حالا این شاعر متعهد
است که در این قسمت احساس
مسئولیت میکند و میکوشد راه چاره‌ئی
برای درد های اجتماع عشی بیا بد.

در قسمت تشکیل انجمن ها
و بزم های شاعران مثلا بزم های
بهاری یا خزانیه چه عقیده دارید؟
به عقیده من تشکیل چنین انجمن
ها و بزم ها تاثیر مثبتی در قسمت
بلند رفتن سطح شعر در کشور می
نماید چه شاعر از یک طرف میتواند
چکیده های اندیشه اش را به مردم
پیشکش کند و از طرفی در بر خورد
مستقیم خویش با مردم ارزش های
خود را باز شناسد و به بر عکس از
محدود بودن فرد گرایی های خود
آگاه شود.

به عقیده من شعر گفتن یعنی چه؟
شعرا عری که واقعا

واژه نه قلم شعر می سر آمد
عدفتن خدمت به اجتماع و مردم
است چه طوریکه بیشتر ذکر کردم
شاعر است که میتواند درد مردم را
خوبتر از دیگران احساس کند و در
ی چاره آن درد بر آید.
چه مدت است که شعر می گوئی
و انگیزه در این راه چه بود
است؟

مدت شش سال میشود که
شعر می سرایم و انگیزه من در راه
سرودن شعر سب و شپ و شپ احساس
بوده است و بس.

در چند سال به این طرف اشعار
نمایم در مضمون غاب به حائز رسیده
از مدت تقریبا چهار و سه سال
به این طرف سروده هایم از طریق
مطبوعات به چاپ رسیده به این
صورت که ابتدا از نیمه دوم سال
۱۳۵۰ الی نیمه اول سال (۱۳۵۲)

اشعارم را به گاه هکاه شعر ی
رسمی در مجله زوندون و مجله
سپون زع هکاه شعر ی
میشد ولی از اواخر سال ۱۳۵۲
الی اخیر سال ۵۳ اشعارم در صفحه
(کوچه باغ شعر) مجله زوندون به
نشر رسید هم چنان با یک
داد آور شوم که هم اکنون مجموعه
از اشعارم بنام (توفانی ترین دریا)
تکمیل و آماده نشر است که البته
در صورت مساعد بودن زمینه به نشر
آن اقدام خوا هم کرد.

این هم شعر تازه یی از زمینه (فروغ)
(کدامین اشک حسرت)
نمیدانم کدامین مرغ اندوم
به سر من سابه گسرده!
کدامین کدامین اشک حسرت
گونه ام سسبه!
نمیدانم چرا این قلب من
سر بر غم گشته
نمیدانم... نمیدانم!
بلی دانه که قلب من
بسیار غنچه دلنگ است.

در هر روز از هفته که میخواهد قال بگیریده به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف
نام خود را انتخاب کنید و آنرا از دایره بزرگ پیدا نمایید. (فرق نمی کند که حرف اول
باشد یا دوم باشد یا مثلا پنجم) در زیر همان حرف مناسی قرار داده که دارای خانه های سفید
ساده میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد بسبب است از آن سه عدد هر کدام
را که دلخواه شماست انتخاب کنید و آنگاه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفته
مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ سیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که سم است انتخاب و از جمله سه عددی که در
یافوس مربوط به این حرف دیده می شود بیت ۷۰ را اختیار نموده آید. باید به بیت
هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعه کنید و بخوانید لسان اللفیپ بشما

چه می گوید!

تأثیر مواد غذایی

زیاد بوده مانند سودیم، پتاسیم، کلسیم
و گوگرد.

۳- عناصری که مقدارشان جزئی است
مانند منکیز، نکل، کوبالت، المونیم.

کلور: برای حیات سلولهای بدن لازم بوده
و در غذای زیر موجود است

مغز گاوی، زردی مرغ، شلغم، انجیر.
سودیم: برای رشد و نمو و اعمال عصبی
موجود در کاکو، مغز گاو، زیتون، جگر.

پتاسیم: در انقباض کردن عضلات و
اعصاب رول داشته در زیتون، لوبیا، انجیر

نخود، کشمش، بادام.
کلسیم: برای مقاومت استخوانها و دندانها
رول پس از زنده رایازی نموده در بادام،
سیر، انجیر، زرده تخم مرغ و پنیر پیدا
میشود.

مگنیزیم: برای سخت شدن استخوانها
و مقاومت بدن بکار رفته و در لوبیا،
در پسته، جگر موجود میباشد.

مس: وجود مس برای تمام اندامهای
بدن لازمی بوده برای جگر مخصوصا بسیار
ضروری می باشد و در مغز بادام، لوبیا،
نخود، عدس موجود است.

کوبالت و المونیم: برای ساختن خون
فعالیت نموده و در جگر موجود است و همچنان
در پسته، جگر موجود میباشد.

زوندون

فناک حافظ

شنبه

۱- دی تویم شدو دایر بملامت برخاست
گفت با ما متشن کز تو سلامت بر خاست
۲- که شنیدی که درین بزم دمی خوش نشست
که نه در آخر صحبت بنامت بر خاست
۳- در چمن باد بهاری ز کنار گل سرو

به هوا بازی آن عارض و قامت بر خاست
۲- مست بگلشتی واژ خلوتیان ملوکوت
به تما شای تو آشوب قیامت بر خاست
۳- خیال روی تو در هر طریق مهر فاست

نسیم روی تو پیو ند جان آگه ما ست
۲- اگر بزلد دراز تو دست ما نرسد
گناه بخت پریشان و دست کوتاه ما ست
۳- زلف آشفته و خوی گرد و غبار لب و دست
پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست

یکشنبه

۱- ترکش عریده چوی و لیش افسوس کنان
نیم شب دولی به بالین من آمد بنشست
۲- عاشقی را که چنین با ده شکیب دهنه
کالی عشق بود گر نشود با هم بر ست
۳- پروای زاهدو بردرد کشان خرده مگیر

که ندانند جز این تظه بسا روز الست
۲- آنچه او ریخت به پیمانه مانوشیدیم
اگر از خمر بهشت است و آبی با ده است
۳- تو گویم از من بیغل بسو گردی بیاد

که دو حساب خرد نیست بسو بر قلعت
۲- یا که با سر زلفت قرار خواهم کرد
که می سر م برود بر لایم از لذت
۳- زان یار دلخواه شکر بیت با شکایت
گر نکته دای عشقی بشنوی این حکایت

دوشنبه

۱- مدام مست میداد نسیم جعد کمرویت
خرابم می کند هر دم فریب چشم چا دویت
۲- پس از چندین شکبانی شبی یارب توفیق دیدن
که سمع دیده امروزیم در معراب ابرویت
۳- سواد لوح ببیش راعیز از بهر آن دارم

که جانرا نسفد باشد ز لوح خال صفویت
۲- منو باد صبا مسکن دوسر گردانی حاصل
من از افسون چشمت مست و اواز پیو کیسویت
۳- شراب و عیش نهان چیست کاوی بیاد

زدیم بر صف زندان و هر چه با دا باد
۲- ز صرب لبشیرین هنوز می بینم
که لا که آمید از خون دیده سر هاد
۳- چهلالت افتاب هر نفس با د
ز خوی روی خویبت خویبت بیاد

سه شنبه

۱- کسی کو بسته ز لفت نیا شد
چو ز لفت در هم و زیرو زیر باد
۲- دلی کو عاشق و ویت نیا شد
همیشه غرقه در خون جگر باد
۳- مرا از تست هر دم تا ده عشقی

توا هر ساعتی حسن دگر باد
۲- تو کسی هست نوازی کن مردم دوش
خون عاشق بقدر گر بخورد تو شش باد
۳- چشمم از آینه داران خطو خال شگفت

لبم از بوسه دیا یان پروی شش باد
۲- ههای او ج سعادت بسدم ما افتد
اگر ترا گزری بر مقام ما افتد
۳- درخت دوستی پشیمان که کام دل بیار آمد
نهال دشمنی بر کن که رنج بی شهاد آرد

چهارشنبه

۱- مغرب عشق عجب سازو نوازی دا رد
نقش هر تغه که زد ده بجانی دا رد
۲- عالم از ناله عشاق مبادا خالی
که خوش آهنگ و فرح بخش صدائی دا رد
۳- ستم از غمزه میاهوز که در مذهب عشق

هر عمل اجری و هر گریزه جزائی دا رد
۲- شاهد آن نیست که موتی و میانی دا رد
بنده طاعت آن باش که آنی دا رد
۳- غم ابروی تو در صنعت قیر اندازی

برده از دست هر آنکس که مکانی دا رد
۲- دد و عشق نشد کس یقین معرم را دل
هر کسی بر حسب فکر گمانی دا رد
۳- با خرابات نشینان ز کرامات صلاف
هر سخن چالی و هر نکته مکانی دا رد

پنجشنبه

۱- تی من تنها کشم لفظ و ل ز لفت
کیست که او داغ آن سیاه نهد و د
۲- با غیا تا ز خزان بی خبرت می بینم
آه از آن روز که بادت گل رستا بپیرد
۳- رهون دهر نطفست مشو ایمن از او

آن امروز لبر دست که فردا بپیرد
۲- نیست در شبور نگاری که دل ما بپیرد
بختم از یاد شود رختم ازین جا بپیرد
۳- اگر نه باره غم دل زیاد ما بپیرد

لبیب خاد که بیاد ما ز جا بپیرد
۲- اگر نه غل به متی فرو کند لشکر
چگونه گشتی ازین و رطه بلا بپیرد
۳- طیب عشق منم با ده که این معجون
فرا غمت آرد دو آه بیه خطا بپیرد

جمعه

۱- سحر بایل حکا بت با صبا کرد
که عشق دوی گل با ما چا کرد
۲- مقام اصلی ما گوشه خرابات است
خداش خیر دهد هر که این عمارت کرد
۳- نماز در غم آن ابروان مصرایی

کسی کند که بغون جگر طهارت کرد
۲- دلم زحلقه زلفش بجان خرید آسود
چه سود دید نهادم که این تجارت کرد
۳- فردا که پیشگاه حقیقت شود بدید

شر متهم و هروی که عمل بر مجاز کرد
۲- بلبل خون دلی خورد و می حاصل کرد
پار غیرت ببدش حال پریشان دل کرد
۳- جویان بزم سر کوی یار خواهم کرد
زلف بیوی خو شش مشکبار خواهم کرد

هنر در لابلای قرنها

است. (صفحه تاریخ مدنیت های آسیای مرکزی بخش مربوط به مدنیت مو هنجو دارو هر به نویسنده. تا مالا تال بوت دایس چاپ واشنگتن ۱۹۶۵).

گرچه ها مو رابی او لین پاد شاه قانونگذار بین النهرین قدیم تا اندازه حقوق و وجایب اهالی بابل را تعیین کرد اما قانون ها مو رابی با حملات آسوری ها بر بابل تا ثیرات خود را آهسته آهسته از دست داد. از همین جاست که طرز زندگی و احادی در مدنیت بین النهرین به ملاحظه نمی رسد.

این نوع طرز زندگی خصوصیات بی هنر بین النهرین بخشید که آنرا از هنر مصر متفاوت می سازد گرچه تبارز خصوصیات هنر پریمیتیف، چون عدم موجودیت پرسپکتف (تناسبات دقیق)، پراگندگی اشکال از تگاه دیزاین و ترکیب، هنر بین النهرین را تا اندازه شبیه هنر دوره های اولی مدنیت مصر می سازد اما با آنهم چنانچه قبلا تذکر یافت، طرز زندگی و موقعیت جغرافیایی بین النهرین به هنر آن خصوصیات جدا گانه بخشید.

آنچه در هنر بین النهرین بحیث یک خصوصیت عمده تبارز می کند عدم موجودیت یک شیوه بخصوص است که بصورت عنعنه از طرف هنر مندان قبول و برای سالهای متمادی حفظ شده باشد. زیرا برخلاف تمدن مصر، فرهنگ بین النهرین زاده انکشاف تاریخی است که خشت های آنرا اقوام مختلف با عقاید مختلف در دوره های مختلف تاریخ گذاشته اند.

سومری ها و بابلی تفاوت لسانی داشتند، گرچه تأثیر آنرا بالای هنر های بصری کمتر دیده می شود (نیم) اقوام هیتی که از شمال غرب به سر زمین بین النهرین مهاجرت نمودند بتأثیر نداشته سابقه فرهنگی قوی قادر به ایجاد یک شیوه یا مکتب هنری مستقل نگردیدند (صفحه ۱۵) تاریخ هنر ملل شرق نویسنده چین ان وینسان چاپ دوم نیویورک) و هنرشان تا اندازه ای خصوصیات هنر «پری تیف» (پدی) برخوردار بوده آسوری ها تمایل به پذیرش شیوه های مختلف هنری شرق میانه و فرهنگ های همجوار آن داشتند. فارس ها که از نگاه فرهنگی وارتین

ارزش های عاطفی بیشتر نظر به هنر مصر بر خور دار می باشد. چسه اکثر آثار مصری باوجود آنکه زندگی روز مره انسان ها را نشان میدهد. اما کرکتر های خلق شده صامت بی روح و فاقد حرکت اند.

یکی از مثالهای ارزنده درین مورد تحرک و بیانگری عاطفی هنر بین النهرین مجسمه زلیفی است که شیر ما ده زخمی را در حالت نزع نشان میدهد کشیدگی عضلات حرکت بدن شیر که در حال ناله است چنان بیانگری پر قدرتی دارد که در کمتر آثار مصری چنین مثالی دیده میشود. این اثر که مربوط بدوره مدنیت آسوری است و صحنه شکار آسور بانی پال امپراطور مقتدر آسوری را نشان میدهد.

بیانگر گرایش هنر مند بسوی شیوه ریالیزم و باوجود عدم پیکار بر دن تناسبات دقیق حالت طبیعی حیوان زخمی را به وضاحت آشکار میسازد. مثال در در درینمو رد مجسمه زلیف دیگری است که از سنگ تراش یافته و نار ماسین یکی از فرمانروایان بین النهرین را در حال رهبری قشونش نشان میدهد. با وجود آنکه اثر از تناسب درست و یس بکتیف (دوری و نزدیکی منطقی آسیا از همدیگر) بر خور دار نیست (باقی دارد)

چشم و انواع آن

طوری که هر چشم دارای یک عسیه محدب و بزرگی بوده که روی نتناکل ها قرار دارد و میتوان در عمل یافتن غذا به حیوان کمک نماید.

موقعیت چشمان ماهیان - معمولا بسه محیطی که در آن زیست مینماید تعلق زیادی دارد. علاوه برین عمل عادت و طرز نگاه هر حیوان نیز سهمی دارد. چنانچه نوعی ماهی چا پانی وجود دارد که دارای چشمانی در نواحی فوقانی سرش میباشد چون ماهی مذکور معمولا در سطح زیرین آب زندگی مینماید - بناء مواد غذایی را که در حصه فوقانی درآب وجود دارد میتواند بواسطه چشمان خود بخوبی ببیند و از آن تقدیس نماید.

نمایش ماه چشمان حیوانات مختلف: حیوانات عالی دارای ساختن چشمان مغز وده ولی اصلا تشا بی زیادی در ساختن های داخلی آن وجود دارد. طور مثال سطح داخلی چشم همه آنها دارای «چرات حساسی بمقابل نور میباشد که

میشود عضلانی چشم را که انسان ها برای حرکت چشموای خود بکار میبرند - در بقیه و طبقه محکم گرفتن غذا را در دهن بصده دارد.

برخی حیوانات بحری دارای چشمان بزرگ و چرخنده ای هستند که میتواند به اطراف خود به حدود ۳۶۰ درجه نظارتی نماید. برخی دیگر همانند خارچنگ ها دارای چشمانی بزرگ یک سافه نسبتا بلندی هستند که سافه های چشمی میتواند در اثر حرکت چشمان مختلف راجع نظر میگرد. بکتوت صدف بحری بنام کوین کو تچ دارای چشمانی بزرگ روی غشوی گوشتی و نرمی بنام نتنا کل ه میباشد. این نوع چشمان قادر حفره های خشکدی که در مملکت ما بکتر یافت میشود نیز مشاهده کرد.

در شکل اول خارچنگی را با چشمان متحرک وی که روی ساقهای قرار دارد مشاهده می نماید. شکل دوم متعلق به صدف بحری است



کاو بالدار با سر آدم (۸۷۰ ق م) مربوط بدوره مدنیت آسوری. این مجسمه از نگاه تکنیک دارای دو روش است (از پرولیل و تکنیک ریگلیف در آن بکار رفته و از مقابله شکل مجسمه آزاد را دارد) مؤزیم برتانیه

میتواند - شعاعات وارده از اجسام رابسه دماغ مرکزی حیوان انتقال دهند حیواناتی که معمولا بهنگام شب تغذیه مینمایند - دارای چشمان بزرگ یا مردمک دائیروی و بزرگ میباشند و میتوانند از کمترین ذره ای نوری را که برچشمی به تابد استفاده نموده و آن را به بینند.

چشم حیواناتی مثل گربه را که در شب و روز از آن استفاده میشود دارای ساختنهای مخصوصی اند که مردمک چشم میتواند در شب به حد اعظمی طور دایروی بزرگ گردد - بر خلاف بهنگام روز که نور زیاد وجود دارد - روزنه ای آن خیلی کوچک تر گردد. میتوان از روی ساختمان ظاهری چشم - تا اندازه ای نوعی حیوان را دانست که درین بحث دیده میشود.

بعضی دیده میشود حید همد ساختن چشم ففاریان عالی را نشان میدهد.
الف: چشم گربه
ب: چشم نوعی ماهی بنام سکت
ج: چشم خارچنگ
د: چشم مار
ه: چشم اختاپوس بحری
و: چشم چلیپا گیکو

بجواب نامه

های شما

سلام دوستان !

امید داریم روز های پراز خروشی و سرور رادر ایام فرخنده عید اضحی سبزی نموده و بادلهای مملو از صفا و صمیمیت دوباره بکار های محروم تان پرداخته باشید .
خوب حالا می پر دازیم به بررسی نامه های دوستان تادیده شود چه سوالها و نظر یاتی برای مجله خود شان دارند .

ش.اغلی محمد حسن متعام صف یازدهم دال لیسه شیر خان کندز
نامه بلند بالا و مطول برای ما دارند آنها پس از تهنیت گویی و پیام های محبت آمیز شان به مجله ژوندون و کارکنان آن، نظریات و پیشنهاداتی بسیار دارند که طی هفته سوال طرح کرده اند . که البته بسیار ی از نظریات شان قسما در ژوندون عملی شده است .

ولی در مورد سایر سوالات ش.اغلی محمد حسن عرض میشود که تلاش مافقط بخاطر بر آورده ساختن خواهش خوانند گان ژوندون است ازینرو تا جایی که امکانات و زمینه عملی شدن آن موجود باشد . بطور ختم به منصفه اجراء گذاشته میشود .

پیغله فیهیمه از لیسه زر غو نه
طی نامه مینویسند که در مجله ژوندون مانند سابق فوتو رومان نشر شود البته منظور ایشان از نشر فوتو رومان های خارجی است .

دوست عزیز: قبلا در مورد نشر فوتو رومان واشکا لاتیکه از ناحیه مصرف جست پیش می آید خدمت خوانند گان در صفحه بجواب نامه ها چیزهای نوشیم . ولی باز هم بخاطر قناعت بیشتر شما می نویسم که

درین مورد خوانند گان مجله ژوندون نظریات یکسان ندارند و بسیاری از آنها طرفدار نشر فوتو رومان در مجله نیستند .

پیغله صدیقه از مکتب ملالی!

در مکتوبی که برای ما فرستاده از مجله ژوندون خواسته آند تا مجله ژوندون بیشتر به نشر موضوعات داخلی بپردازد .

در جواب باین عرض شود که کارکنان مجله تا حدود امکان درین راه تلاش مینمایند . یعنی منظور ما در درجه اول نشر مطالب داخلی است .

البته خدمت خوانند گان محترم باید عرض شود که ما زیاد ترین نامه ای که تا امروز گرفته ایم در مورد همین موضوع بوده است و علاقمندان ژوندون این سوال رابه تحوی از انجا طرح نموده اند .

ش.اغلی غلام محمد نیاز مند!

مامور وزارت داخله پیشنهادیکه شما طرح نموده اید امکان حل آن در همین صفحه بجواب نامه های شما موجود است .

شما اگر سوالی داشته باشید در همین صفحه بجواب نامه های شما جواب گفته میشود . ازینرو لازم نیست که صفحه اختصاصی که در گذشته هادر ژوندون بچاپ میرسیده است دوباره احیا گردد .

ش.اغلی محمد عزیز از قلعه سه

زمانخان!

به نظر ما این سوال را، شما بایست از کسی می پرسیدید که درین رشته معلومات اختصاصی داشته باشد . البته همانطوری که خود شما میدانید کسانی که درین باب سر

رشته و معلومات اختصاصی دارند تعداد شان خیلی زیاد است . عرض اینست که شما بیک مشوره ضرورت دارید و این باید بطور شفا هی برایتان گفته شود .
آقای محمد اکرم!

چیزیکه عیان است چه حاجت به بیان است . ما هیچ فهمیده نتوانستیم که منظور ازین سوال شما چه بوده است بخاطری که سوال تقریبا در مکتوب خود تان حل شده است .

پیغله محبوبه صف هشتم دال لیسه عا یشه درانی !

ازینکه شما در نامه تان به مطبوعات اظهار علاقمندی کرده اید جای بسیار خوشی است .

راه ها و وسایل همکاری با روزنامه ها

و مجلات بسیار ساده است شما یا مطالب ارسالی تانرا پست نموده برای ما بفرستید و یا اینکه برای سپردن مضمون به دفتر تشریف بیاورید . تا با نحوه و چگونگی کار بیشتر آشنا شوید . در حال حاضر

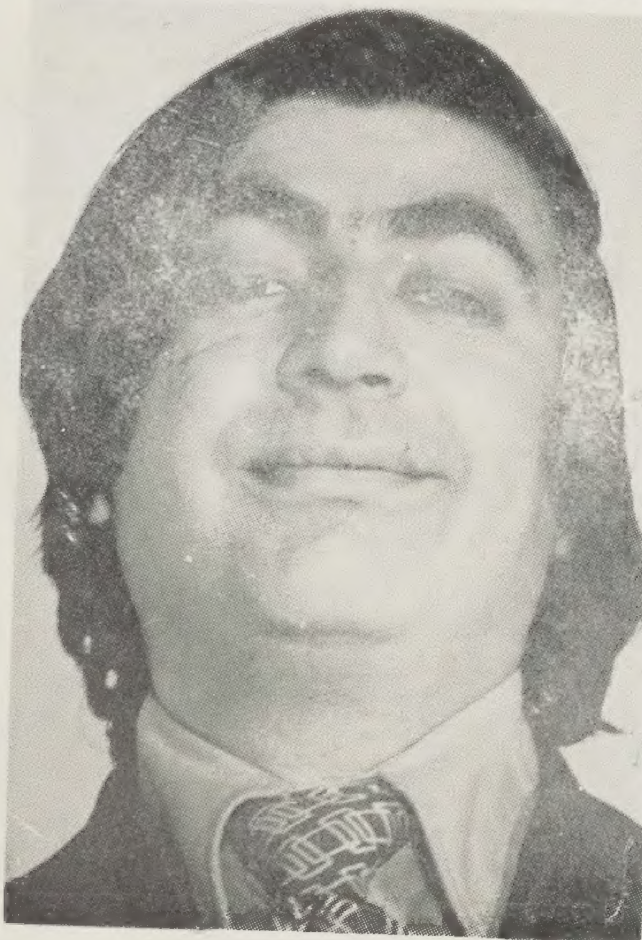
نظر ما اینست که شما نخستین همکاری قلمی تان را با مجله محبوب دکمکیانو انیس شروع کنید و این یک نقطه آغاز بسیار خوب برای شما خواهد بود .

راستی خدمت یک تعداد از

علاقندان مجله ژوندون باید عرض شود که آنها نیز مثل همکار ما

پیغله محبوبه تماس های با مجله اطفال داشته باشند . چه فکر میکنم این مجله بهتر میتواند بحاصل

پیشنهادات و سوالات شان بپردازد



حامد شکران خواننده محبوب جوانان

دولتی مطبعه

صفحه ۶۳

مود و فیشن



والمطبخا طين
دینا دین کو دین کتابتون
کتاب پر لپی شمیرہ

سه نمونه لباس که از جدیدترین کتلاک ها برای علاقمندان جهان مود انتخاب نموده ایم